

مرزده آن بندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیرو می‌سکنند

ابوالحسن بنی صدر

میزان عدالت در قلمرو اقتصاد - ۴

## انسان الگوی اقتصاد؟

اینک، در فعالیتهای ششگانه استعدادهای انسان، از جهتی دیگر بنگریم و تجربه ای دیگر بکنیم. هدف از تجربه ای که می‌کنیم یافتن پاسخ به این پرسشهاست: آیا اگر این فعالیتها مجموعه ای را تشکیل می‌دهند که همراه و هماهنگ با یکدیگر انجام نگیرند، به سخن دیگر، استعدادهای آدمی آزادانه و همساز به آنها نپردازند و یا یکچند از استعدادها به زبان استعدادهای دیگر، امکانها را از آن خود کنند، رشد انسان مختل می‌شود یا خیر؟ و نیز آیا به نسبتی که آزادی کمتر و اختصاص امکانها به پاره ای از فعالیتها بیشتر می‌شود، میزان فعالیتها تخریبی آدمی بیشتر می‌شود یا نه؟

دانستیم وقتی استعدادهای آدمی آزادانه فعالیت نمی‌کنند، قوه رهبری او آلت فعل سالاریهائی می‌شود که سرمایه سالاری یکی از آنها است. و نیز دانستیم که استعدادها بهنگام فعالیتهای آزاد و بنا بر این، خودجوش او، حالت عمومی را پدید می‌آورند که ما آن را حالت آزاد می‌خوانیم. بدین قرار، استعدادها محدود کننده یکدیگر نیستند. حال در صورتی که حالت عمومی حالت آزادی باشد، استعدادها در فعالیت هماهنگ خود، بیانگر این آزادی می‌شوند و راست راه رشد در آزادی را در پیش می‌گیرند.

بنا بر این، یک استعداد را نمی‌توان از فعالیت آزاد باز داشت. مگر این که مجموع استعدادها آزادی عمل خویش را از دست بدهند. هرگاه استعدادها آزادی عمل خویش را از دست دادند، نه تنها قلمرو فعالیت یکدیگر را محدود می‌کنند، بلکه ویرانگر یکدیگر می‌شوند. برای مثال، وقتی قوه رهبری آلت جباری در بیرون انسان (سالاریه) می‌شود، استعداد اقتصادی او، فعالیتها استعدادهای انسان را، بنا بر توقع های قدرت تنظیم می‌کند. کارگری که باید تمام روز را، در خدمت سرمایه، کار یدی کند، استعدادهای دیگر خود را از فعالیتهای آزادشان باز می‌دارد. خود تخریبی، برای آنکه انسان در «نیروی کار» ناچیز شود، عملی است که کارگر به زیان خود و به سود سرمایه سالاری و سالاریهای دیگر، انجام می‌دهد.

از بد اقبالی، مطالعه ای پیرامون میزان خوشنوی که بدین سان در ویران کردن انسانها بکار می‌رود، به عمل نیامده است. و گرنه روشن می‌شد که انواع اقتصادهای قدرت محور تا کجا ضد اقتصاد و ویرانگر هستند.

از آنجا که فعالیت اقتصادی را انسان می‌کند، او را نه «نیروی کار» که انسانی آزاد، با مجموعه ای از استعدادها، می‌باید تلقی کرد. بنا بر این الگو، ساخت کار - که کار اقتصادی یکی از کارها و جزء مجموعه کارها است - می‌باید با فعالیت های انسان جامع، سازگار باشد. میزان عدالت همین است. در صفحه ۲

# انقلاب اسلامی

در هجرت

شماره ۶۷۰ از ۱۰ تا ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۶

## مناقصه و حراج؟

◀ گزارش از ایران و گزارشهای خبرگزاریها در باره بی کفایتی، ناتوانی

همه جانبه رژیم و گفتگوها با امریکا و انگلستان و...: ص ۳

◀ انتگریستها در موضع دفاعی - مهار ایران از راه عراق و مهار شیعه

برای گفتگو با امریکا؟ ص ۵

◀ ایران وارد مرحله غنی سازی صنعتی اورانیوم شده یا نشده است؟

- گفتگوها و تهدیدها: ص ۷

◀ حلقه تنگ تر می‌شود - گرانی و بیکاری بیشتر می‌شود - درآمدهای نفت

نان را از سفره ها می‌برد و...: ص ۸

◀ صف بندیها در درون رژیم - صف آرائی ها در شورای شهر تهران

- جبهه سازی و «پل پیروزی» و...: ص ۱۰

◀ ژاله وفا: مشکلات کمی و کیفی آموزش و پرورش ایران

در قرن ۲۱ - بخش ۱۳: ص ۱۲

◀ زنان و دانشجویان و معلمان و کارگران قربانیان تجاوزهای رژیم

به حقوق انسان: ص ۱۳

### تحقیق در ایران پیرامون

### گروگانگیری، خیانتی که خمینی آن را

### «انقلاب دوم» خواند - ۵

● زمینه سازی برای ایجاد و برپایی جوخه های اعدام برای جوانان کشور. دانشجویان «پیرو خط امام» بعد از تصرف سفارت امریکا جامعه را به سوی جامعه ای نظامی و امنیتی بردند و در آن جامعه برای برقراری استبداد و پابرجا کردن آن مجبور به سرکوب مخالفین استبداد وابسته شدند و دستگیری و سرکوب و اعدام را در دستور کار خود قرار دادند. کار را به جایی رساندند که بعد از کودتا برضد رییس جمهوری، در سال ۶۰، دست به اعدام های گسترده جوانان ایران زدند. در این اعدام ها بسیاری از این دانشجویان و گروههای حامی آنان مانند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران و اطلاعات نخست وزیری دست داشتند. این راه را آنان ادامه دادند و جنگ ایران و عراق بهترین فرصت بود تا به اقدامات خود شدت بخشند. زمانی که متوجه شدند در حال پایان دادن جنگ با شکست هستند یکباره دست به یک عمل انقلابی و امام پسندانه زدند و یک جا حدود ۴۰۰۰ نفر را در زندانها اعدام کردند.

شاید لازم نباشد با توجه به اسناد و مدارکی که در این مورد وجود دارد در این باره چیزی اضافه کنیم اما تنها به همین نکته اشاره می‌کنیم که برخی از همین دانشجویان و رهبر این گروه یعنی آقای موسوی خوئینی ها بود که در سال ۱۳۶۷ زمانی که هزاران نفر از جوانان این کشور را بیگناه در زندانها اعدام می‌کردند، اینان در جایگاه قضا و قضاوت و معاونت و مشاورت قرار داشتند. عباس عبیدی و میر دامادی شاید پادشاهان رفته باشد که از همکاران موسوی خوئینی ها بودند.

برای روشن تر شدن وضعیت زندانیان و تعداد آنان، در آن سال باید به آمارهای که از سازمان زندانها آورده شده است اشاره کرد. در این آمار آمده است که تعداد زندانیان در سال ۱۳۶۷ حدود بیش از ۱۶ هزار نفر بوده است و تعداد زندانیان در سال ۱۳۶۸ حدود ۴۰۰۰ نفر بوده اند که جای تامل دارد زیرا تنها بر اساس اسامی در آن سال و در کمتر از سه ماه حدود ۵۰۰۰ نفر اعدامی نامشان افشا شده است و باز اشاره کنیم که

در صفحه ۱۵

انقلاب اسلامی: سازمان انرژی اتمی ساختمان دو نیروگاه را به مناقصه گذاشته است. در همان حال که حلقه بر گردن اقتصاد ایران تنگ می‌شود و فشار می‌آورد، رژیم می‌کوشد به مردم ایران بباوراند که «شهر در امن و امان است و به رهبر دعا کنید!» به دنبال این مناقصه، با یک شرکت اتریشی معامله فروش گاز به مبلغ ۳۰ میلیارد دلار امضاء می‌کند. حال آنکه شرکت توتال می‌گوید توان اجرای قرارداد بهره برداری از منبع گاز پارس جنوبی را ندارد. رژیم به او ۴ ماه مهلت می‌دهد. در بازگانی خارجی کشور که تأمل می‌کنیم می‌بینیم مناقصه به زیان نسل امروز و نسلهای آینده، روش رژیم است. به این معنی که برای آنکه برای ثروت ملی مشتری بیابد، بجای مزایده، آگهی مناقصه می‌دهد: به کمترین بها و با بیشترین امتیازها، ثروت نفت و گاز خود را به فروش می‌رسانیم، مفت شد بشتابید! با وجود این مشتری پیدا نمی‌کند.

در فصل اول، مجموعه ای از گزارشهایی را می‌یابید که از ایران دریافت کرده ایم. الا این که، در ذیل هر گزارش، گزارشهای خبری را آورده ایم که در خارج انتشار پیدا کرده اند و یا در داخل کشور انتشار یافته و وضعیت را روشن می‌کرده اند.

در فصل دوم، به وضعیت منطقه و به موضع دفاعی رانده شدن انتگریستها در ایران و روابط ایران و امریکا بر سر عراق و افغانستان و در فصل سوم به بحران اتمی و از نو طرح شدن حمله نظامی به ایران در صورت به نتیجه نرسیدن دیپلماسی می‌پردازیم و از زبان اطلاعات و نظرها تا ممکن است وضعیت را از ابهام بدر می‌آوریم.

در فصل چهارم گزارش خبری دیگری را می‌یابید که از ایران دریافت شده است. در همین فصل، خبرها و نظریات منتشره در ایران گویای اثر بحران اتمی بر رویاروییها در درون رژیم را به ترتیبی که به یکدیگر نقد و واقعیت را گزارش کنند، خواهید یافت.

در صفحه ۳

### ج- پاکتژاد

### سهم ایران از اورانیوم غنی شده فرانسوی و دم خروس

جنجال و بحران ایجاد شده حول مسئله هسته ای ایران چند سالی است که لا اقل در حوزه بین المللی، دیگر مسائل مربوط به ایران را تحت شعاع قرار داده است. در نظام ولایت فقیه، حاکمان عمداً به این بحران دامن می‌زنند چون به آن نیاز وافر دارند. لذا از هر گونه بحث جلوگیری می‌کنند و از شنیدن هر نظر مخالف با این طرح سر باز می‌زنند.

در صفحه ۱۵



اما انسان بمتابه مجموع استعدادهای دارای فعالیت آزاد و خودجوش نباید با طبیعت رابطه سلطه برقرار کند. او، خواه خوشبختی را مسلط بر طبیعت گمان برد ( بنا بر رویه غرب که مدعی است فرهنگش بر سلطه انسان بر طبیعت بنا شده است ) و چه خود را زیر سلطه طبیعت باور کند ( رویه بسیاری از « جامعه های در ه قاره روی زمین که به ادعای غرب، فرهنگشان بر پایه تسلیم شدن به طبیعت بنا شده است ). زیرا در رابطه سلطه با طبیعت، ۱- او آزادی خود را از دست می دهد و ۲- با طبیعت رابطه تخریب متقابل برقرار می کند. حال آنکه اقتضای رابطه آزاد، بر اصل موازنه عدمی، این است که طبیعت را نیز فعال بشمارد و خود و طبیعت را مجموعه ای بشمارد که در سازگاری با یکدیگر، انسان آزادی و رشد در آزادی و طبیعت عمران می جوید. وقتی تشکیل مجموعه ای با طبیعت را عمل به میزان عدالت دانست و فعالیتهای خود را بر این میزان منطبق کرد، در هر فعالیتی، از لحاظ سازگاری با آزادی می گردد و فعالیت ناسازگار با آزادی را ضد اقتصادی به حساب می آورد. بدین سان فعالیتهای زیر غیر اقتصادی و بسا ضد اقتصادی می شوند:

- فعالیتهایی که از راه پیشخور کردن منابع متعلق به آیندگان میسر می شوند و منابع موجود در طبیعت را نابود می کنند.
- فعالیتهای اقتصادی که آینده را از پیش متعین می سازند. انسانی که در فعالیتهای خود، الگوی اقتصاد است، به دست خود آیندگان را برده نمی سازد و محیط زیست آنها را، پیشاپیش، ویران نمی کند.
- تخریب نیروهای محرکه نه فعالیت اقتصادی که جنایت اقتصادی است. لذا انسان الگو، این نیروها را که در جریان رشد انسان در آزادی و عمران طبیعت پدید می آیند، در سازگار کردن هر چه بیشتر محیط زیست با رشد آزاد انسان، بکار می اندازد.
- مهمتر از همه، بنیادهای جامعه را بر اصل موازنه عدمی باز سازی می کند. چنانکه هر انسانی در رهبری فعالیتهای خویش استقلال پیدا کند و بمتابه مجموع استعدادهای ( = انسان چند بعدی ) کار و زندگی کند : رابطه انسان با علم، با دین و مرام، با هنر، با کار اقتصادی، با انس و عشق، رابطه مستقیم بگردد. و این او باشد که فعالیتهای خویش را رهبری می کند و نه بنیادهای که در بیرون او و مسلط بر او هستند.

دیدیم هر یک از استعدادهای ما، در حالت آزاد، فعالیت طبیعی خویش را پیدا می کند. و فعالیت های هماهنگ، مجموع استعدادهای انسان جامع را پدید می آورد که از جمله الگوی سازماندهی اقتصاد جامعه و اقتصاد جهانی است. چون بدین جا رسیده ایم، می باید دو فریب را موضوع بحث کنیم:

- فریب اول اینست: از راه فریب می گویند: استعدادهای انسان مزاحم و محدود کننده یکدیگر هستند. می گویند: هرگاه آدمی بخواهد استعدادی از استعدادهای خود را بیرون دهد، باید فعالیتهای استعدادهای دیگر را تعطیل کند دست کم محدود کند. این فریب جدید و از فریبهای سرمایه داری لیبرال نیست. قدیم است. عرفان فعالیت آزاد استعدادهای تعریف نمی شود، تعطیل فعالیت های استعدادهای، جز یک استعداد گمان می رود. هیچکس هم بفکرش نرسیده

## انسان الگوی اقتصاد؟

است اگر هم تعطیل فعالیتهای استعدادهای میسر باشد، کسی که فعالیتها را در فعالیت یک استعداد فرو می کاهد، عارف نیست. بنده زور مطلق است که در درون خویش ایجاد و بر خود حاکم کرده است. نوع جدید این فریب، فریب دو الگوی « رشد »، هر دو بر پایه قدرت سرمایه ( یکی با مالکیت شخصی و دیگری با مالکیت دولتی ) است. نخست در حاصل این فریب که جامعه های صنعتی و ماوراء صنعتی امروز هستند، بنگریم: پراکندگیهای همه جانبه از راه برشهای افقی و عمودی، همبستگیها را به حداقل رسانده و در گروههای پراکنده، فرد را نیز تنها گردانده است. توضیح این که افزون بر قشرها و در قشرها، گروهها و در گروهها، زیر گروهها و... تا فرد که پدید آمده اند، انواع نمونه های نوعی انسان پیدا شده اند که یک بعدی هستند: دیوان سالاران، فن سالاران، سیاستمداران و... و « نیروی کار » ( انبوه عظیم انسانها ). اما وقتی به درون هر یک از انسانها می روی، می بینی ولایت مطلقه استعدادی حاکم است که گویا به زبان استعدادهای دیگر پرورده شده است. از این رو، هیچ استعدادی چون استبداد سرمایه داری لیبرال را، تاریخ به خود ندیده است.

این استبداد، با قلب معنی آزادی، در هر فرد، یک قدرت = زور مطلق ( بدیهی است مقصود از مطلق، تأکید بر شدت و وسعت اوامر و نواهی این قدرت است ) نشانده و انسان را، بدون مقاومت، برده نظام خویش ساخته است. از خود بیگانگی تا بدانجا همه گیر است که اگر به انسان غربی بگوئی لیبرالیسم در کله تو مستبدی نشانده است، می پندارد گوینده اگر دیوانه نشده باشد، یک افراطی خطرناک است. این فریب جهان شمول است. زیرا غیر غربیها نیز در آرزوی انسانی از نوع انسان غربی شدن هستند!

اما این فریب دادن و خوردن چگونه ممکن شده است؟ بدین گونه که آدمی، وقتی در حالت آزاد نیست یعنی همه استعدادهایش فعالیت آزاد ندارند، گمان می برد شرط آموزش و پرورش هر استعدادی، ( البته در صورتی که بدانند ۶ دسته استعداد دارد ) محدود کردن فعالیت و یا حتی چشم پوشیدن از فعالیتهای استعدادهای دیگر است. الگوها نیز به انسانها می آموزند چاره دیگری نیست. برای مثال، یک ورزشکار موفق، دیگر نمی تواند یک زندگی خانوادگی موفق داشته باشد. یک دانشمند فیزیک کجا وقت آن را پیدا می کند که سر از سیاست در آورد؟ سیاست، تخصصی است که دارنده آن، تمام وقت خود را صرفش می کند و هنوز آنطور که باید موفق نیست و... اما وقتی پرده از زندگی هر یک از الگوها بکنار می رود، آنها را موجودهای تگون بختی می یابیم. واقعیت اینست که استعدادهای فعالیتهای آزاد خود، به رشد یکدیگر مدد می رسانند. الگوهای واقعی که از بد اقبالی کجیاب ( بسا فراوان باشند اما ناشناخته مانده اند ) هستند، انسانهای بشمار میروند که استعدادهای گوناگون آنها، در حالت آزاد، فعال بوده اند. دلیل آن نیز اینست:

همانطور که پیش از این توضیح داده ام، کسی که تصور می کند یک استعداد هنری، یک استعداد اقتصادی

... است، تنها وقتی می تواند « تمام وقت » خود را صرف پرورش تنها این استعداد کند که زور را به درون خود بیاورد و استعدادهای دیگر را از فعالیت باز بدارد و یا فعالیتهاشان را محدود کند. بنا بر این، تا زمانی که در درون خود زور ایجاد نکرده و در حالت طبیعی است، استعدادهای هر یک کار خود را می کنند. وقتی زور در کار آمد، اینطور گمان می برد که زور به سود استعداد قابل پرورش، استعدادهای دیگر را در فعالیتهاشان محدود کرده است. بدین فریب است که ایجاد و بکار بردن زور مشروعیت پیدا می کند. حال آنکه، در واقع، خود را فریب می دهیم. زیرا وقتی زور در کار می آوریم، آزادی عمومی را از میان می بریم و همان استعدادی را هم که می خواهیم پروریم، از رشد واقعی باز می داریم.

در حقیقت، اگر استعدادی که کارش دانش است، بر استعداد عشق و ورزشی، بر استعداد ابتکار و خلق، بر استعداد هنری، بر استعداد رهبری، بر استعداد اقتصاد که کارش ایجاد فراخانی بی کران لا اکره برای استعدادهای است، بنا بر این، بر استعداد اندیشه راهنما، جوی که به انسان امکان می دهد به نمایندگی هستی، عمل کند، متکی نباشد، کجا دانشمند پدید می آید؟ و کجا ممکن است حتی یک استعداد در فعالیتهای خویش محدود شود بدون این که همه استعدادهای دیگر در بند جبر محدوددها نیفتند؟ در پرتو این معرفت، اگر الگوهای زمان ما را با شخصیهائی که می توانستند بشوند، هرگاه استعدادهایشان، همه، در حالت آزاد، فعال می شدند، مقایسه می کردیم، انسانها می توانستند به چشم خود ببینند که جامعه های امروز، چگونه از غولها کوتوله ها می سازند.

اما آن میزان عدل، آن میزانی که آدمی را در حالت آزاد نگاه می دارد، کدام است؟ اگر اصل راهنمایی که میزان می کنیم اصلی باشد که فعالیتهای آزاد انسان را میسر می گرداند، پس این اصل ثنویت نمی تواند باشد. چرا که ثنویت بمعنای پذیرفتن محدودیت و جبر ( کار استعدادی که اندیشه راهنما را می سازد یا می پذیرد ) است. غیر از این که ثنویت بمعنای محدود شناختن فعالیت میان دو محور ( دو محوری ) که اگر هر دو فعال فرض شوند ثنویت دو محوری و اگر یکی فعال و دیگری فعل پذیر گمان روند، ثنویت تک محوری ) است. پذیرفتن رابطه قوا و بنا بر این تضاد میان دو محور نیز هست. بر اصل ثنویت، تصور دیگری جز روابط قوا، نه به ذهن می آید و نه می تواند بیاید. زیرا تصور نبود روابط قوا، نیاز به نبود محدوده، بنا بر این، نبود ثنویت دارد. بدین قرار، ثنویت فریب است و در هستی وجود ندارد. چرا که بر این اصل، هستی قابل خلق شدن نبود. در حقیقت، تضاد قانون مرگ است و بر اصل تضاد قوا، هستی پدیدار نمی شد. از این جا، نظام اقتصادی بطور خاص و نظام اجتماعی بطور عام، هرگاه ترجمان ثنویت باشند، واقع بینانه نیستند. ساخته قدرت ( = زور ) هستند. دستگاه تخریب انسان و محیط زیست او هستند.

در حقیقت، الگوی سرمایه داری ( مالکیت سرمایه، چه شخصی و خواه دولتی فاقد اهمیت و فریبی است که تمام آن میزانی که در حالت آزاد نگاه می دارد، کدام است؟ اگر اصل راهنمایی که میزان می کنیم اصلی باشد که فعالیتهای آزاد انسان را میسر می گرداند، پس این اصل ثنویت نمی تواند باشد. چرا که ثنویت بمعنای پذیرفتن محدودیت و جبر ( کار استعدادی که اندیشه راهنما را می سازد یا می پذیرد ) است. غیر از این که ثنویت بمعنای محدود شناختن فعالیت میان دو محور ( دو محوری ) که اگر هر دو فعال فرض شوند ثنویت دو محوری و اگر یکی فعال و دیگری فعل پذیر گمان روند، ثنویت تک محوری ) است. پذیرفتن رابطه قوا و بنا بر این تضاد میان دو محور نیز هست. بر اصل ثنویت، تصور دیگری جز روابط قوا، نه به ذهن می آید و نه می تواند بیاید. زیرا تصور نبود روابط قوا، نیاز به نبود محدوده، بنا بر این، نبود ثنویت دارد. بدین قرار، ثنویت فریب است و در هستی وجود ندارد. چرا که بر این اصل، هستی قابل خلق شدن نبود. در حقیقت، تضاد قانون مرگ است و بر اصل تضاد قوا، هستی پدیدار نمی شد. از این جا، نظام اقتصادی بطور خاص و نظام اجتماعی بطور عام، هرگاه ترجمان ثنویت باشند، واقع بینانه نیستند. ساخته قدرت ( = زور ) هستند. دستگاه تخریب انسان و محیط زیست او هستند.

در حقیقت، وقتی قدرت ( = زور ) جهت یاب فعالیتهای انسان می شود، استعدادهای بی کار نمی شوند. بلکه با انتقال رهبری به خارج از انسان، استعدادهای در فعالیتهای خود از اوامر و نواهی قدرت پیروی می کنند:

در حقیقت، وقتی قدرت ( = زور ) جهت یاب فعالیتهای انسان می شود، استعدادهای بی کار نمی شوند. بلکه با انتقال رهبری به خارج از انسان، استعدادهای در فعالیتهای خود از اوامر و نواهی قدرت پیروی می کنند:

- کار استعداد رهبری اطاعت (از مقامی و یا بنیادی و...) می شود.
- کار استعداد عشق، در سبک گرایی و دوستی در خود یا دیگری را محور کردن ناچیز می شود. چنانکه اگر خود محور شد دیگری باید تابع او باشد و اگر دیگری را محور کرد خود تابع آن می شود.
- کار استعداد علم و فن، در تخصصی ناچیز می شود که کارفرمائیها چند و چونش را معین می کنند.
- کار استعداد هنر و فرهنگ سازی، ایجاد عناصر ضد فرهنگ قدرت می شود.
- کار استعداد جستن اندیشه راهنما، در ساختن این یا آن بیان قدرت و یا تقلید از « مقام اول » بیان قدرت پذیرفته شده می شود.
- کار استعداد اقتصاد، بمنزله نیروی کار به خدمت این یا آن کار فرمائی در آمدن می شود.

جریان پیوسته زمان قطع می شود و زمان حال، زمان ارضای نیازهای می شود که در مدار بسته، استعدادهای فعالیتها مخرب خویش، ایجاد می کنند. هنوز، دقیق تر بخواهی، این بنیادهای جامعه ها هستند که نیازها را برای او بوجود می آورند. در واقع، استعدادهای آدمی، با جهت یابی جدید، عامل قبولاندن نیازهای به آدمی می شوند که، بدانها، انسان به خدمت قدرت (= زور) در می آید. مکان نیز، دیگر نه کره زمین و نه کشور و نه حتی شهر که جانی است که قدرت برای آدمی معین می کند. جانی که باید نیروی کار را فروخت و با بهای آن خرید کرد و نیازها را بر آورد. بنا بر این، قدرت پراختی می تواند انسانها را از آینده و کره خاکی غافل کند.

انسان الگو، الگوی مطلوب سرمایه داری، انسانی با این فعالیتها است. این انسان مصرف کننده ایست که تا تخریب کامل خود مصرف می کند بدون این که سیر شود. و در همان حال، بعنوان نیروی کار مصرف می شود تا زمانی که کارفرمائی به او بگوید دیگر مصرف شدنی نیست. نظام سرمایه داری می تواند از دوام حیات خود مطمئن باشد. زیرا این انسان ممکن است عصیان کند اما جز این نمی کند که قدرتی را جانشین قدرتی بسازد که بر ضدش عصیان کرده است. بنا بر این، نظام همچنان ادامه پیدا سرمایه داری بدان نیاز دارد که همواره میزان تقاضا از میزان عرضه بیشتر باشد. برای آنکه انسان همواره مصرف کننده رخص باقی بماند. از این رو، در خود انسان و در رابطه با زمان و مکان، نظام « ترجیح » ها را ایجاد می کند:

- نیازها گرچه از طبیعت و فعالیتهای طبیعی انسان مایه می گیرند، اما نه تنها در بند این فعالیتها نمی مانند، بلکه بر این فعالیتها حاکم می شوند. تا بدانجا که بسیاری از نیازها، واقعیتی جز ساخته ذهن ندارند و بسیاری دیگر تا ویران نکنند، بر آورده نمی شوند. بدین قرار، نیازهای ناشی از فعالیتهای طبیعی که با فرآورده ها و خدمات محدود بر آورده می شوند، می توانند تراحم فعالیتهای استعدادهای امکان جا به جا کردن نیازها و تغییر دادن ترجیح ها را فراهم می آورد. بسا می شود آدمی که گمان می کرد همه نیازهای خویش را بر آورده و خود را راضی می شمرد، به روزی، خود را موجود محرومی می یابد. زیرا ترجیح ها دیگر ترجیح های دیروز نیستند. او ناگزیر است فعالیتهای خود را جا به جا کند و نیازها و مصرفهای خود را تغییر دهد. تراحم فعالیتها و ناسازگاری نیازها با یکدیگر، نقش مهمی در برده نیاز شدن انسان بازی می کنند. بخصوص که



در فصل پنجم وضعیت دو جنگ اقتصادی، یکی جنگی که رژیم مافیای با اقتصاد کشور می کند و دیگری جنگ اقتصادی که امریکا با اقتصاد ایران به راه انداخته است را از زبان داده ها، می شناسیم.

در فصل ششم قسمتی دیگر از تحقیق ژاله وفا در باره آموزش و پرورش ایران را می خوانید و در فصل هفتم خبرهای تجاوزها به حقوق انسان را می یابید.

## گزارش از ایران و گزارشهای خبرگزاریها در باره بی کفایتی، ناتوانی همه جانبه رژیم و گفتگوها با امریکا و انگلستان و...

### \* اجتماع بی کفایتها و بی دانشها و زور پرستها در حکومت احمدی نژاد:

◀ گزارش از ایران: از آنجا که قرار است دولت احمدی نژاد کلیه پست ها را به اقوام و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی بدهد، گفته می شود که قرار است وزیر راه نیز تغییر کند و آن را به احمدی مقدم رییس نیروی انتظامی بدهند همچنین قرار است که استاندار گلستان را نیز به دوست احمدی نژاد که معاون امنیتی استانی دیگر است داده شود.

با وجود تغییر و تحول ها در مجمع تشخیص مصلحت، عزل و نصبهای احمدی نژاد مورد اعتراض قرار گرفته و گفته شده است که باید انتخابات بر اساس شایستگی باشد. اما احمدی نژاد بدون توجه به نظر مجمع، کلیه انتصابات را بر اساس دوستی و وابستگی های خانوادگی و گروهی انجام می دهد. برای نمونه، در مصاحبه دو هفته پیش خود، وقتی از احمدی نژاد پرسیدند آیا شما در انتخابات شکست خورده اید؟ گفت: رایحه خوش خدمت به من ربطی نداشت و گروهی بوده اند که به دور هم جمع شده اند و کاری کرده اند. اما وقتی مشاهده می شود در آن گروه کلیه نزدیکان احمدی نژاد عضویت داشتند و مسئول آنها سردار محصولی بود که حکم او... این مسئولیت را از احمدی نژاد گرفته بود، دروغگوئی او آشکار می شود. دانستی است که او در مصاحبه با تلویزون فرانسه گفته بود: من شکست نخوردم و پیروز شدم. زیرا همه گروههای شرکت کننده در انتخابات خود را حامی رئیس جمهوری می خواندند!

در این گروه چند معاون احمدی نژاد شرکت داشتند. از جمله محمدعلی رامین و زریبافان و بزم پاش و حتی خواهر او... حضور نزدیکان احمدی نژاد در این گروه نشان می دهد که او بر روی آن گروه خیلی سرمایه گذاری کرده بود. بعد از شکست فضاحت بار در انتخابات شوراها، احمدی نژاد تصمیم

## مناقصه و حراج؟

واداشته تا عزل حداقل ۴ وزیر را در دستور کار قرار دهند، مخبر فراکسیون وفاق و کارآمدی مجلس از ارایه قطعی طرح استیضاح وزیر آموزش و پرورش در روز سه شنبه خبر داد و تاکید کرد ۳۰ نماینده این طرح استیضاح را امضا کرده اند.

طرح استیضاح «محمود فرشیدی» وزیر آموزش و پرورش که در ۲۶ محور تهیه شده است اولین گام عملی نمایندگان منتقد حکومت است که می کوشند حکومت محمود احمدی نژاد را به سمت کارآمدی بیشتر هدایت کنند. به گفته منابع آگاه علاوه بر «محمود فرشیدی» وزیر آموزش و پرورش و «محمد سلیمانی» وزیر فناوری و اطلاعات که تاکنون تعداد زیادی از نمایندگان طرح استیضاح آنان را امضا کرده اند، طرح استیضاح «محمد سعیدی کیا» وزیر مسکن و «محمد رضا اسکندری» وزیر جهاد کشاورزی نیز در دست بررسی جدی نمایندگان قرار دارد.

به گزارش خبرنگار پارلمانی آفتاب، محورهای استیضاح وزیر آموزش و پرورش که توسط طلایی نیک در اختیار خبرنگاران قرار گرفت، به شرح زیر است:

- ۱- منطبق نبودن عملکرد با اهداف و شاخص های قانون برنامه چهارم توسعه در موضوعات مرتبط با آموزش عمومی و بویژه مواد ۴۸ (بند ج) و ۵۲ و ۵۳
- ۲- مسلط نبودن وزیر بر امور وزارتخانه
- ۳- ضعف راهبردی در هدایت آموزش عمومی کشور
- ۴- کند شدن تحول در نظام آموزشی
- ۵- نقش ضعیف در استفاده از ظرفیت های دولت برای پیشبرد اهداف و برنامه های آموزش و پرورش
- ۶- کارائی ضعیف در تعامل اثربخش با نهادهای و مراجع مرتبط با امور آموزشی، فرهنگی و اجتماعی
- ۷- انحراف از راهبرد مدرسه محوری در تعلیم و تربیت
- ۸- تمرکزگرایی و رویکرد سطحی به برنامه ها و فعالیت های آموزشی و پرورشی
- ۹- کم توجهی به ظرفیت ها و رهیافت های پژوهشی و کارشناسی در نظام آموزشی
- ۱۰- عملکرد ضعیف در پیشبرد اهداف و برنامه های آموزش های فنی، حرفه ای و مهارتی
- ۱۱- ضعف نظارت بر نظام ارزشیابی تحصیلی و محتوای امتحانات
- ۱۲- عملکرد ضعیف در صیانت از شان و جایگاه معلمان
- ۱۳- عملکرد ضعیف در پرداخت بهنگام موقوفات و مطالبات قانونی فرهنگیان
- ۱۴- عملکرد ضعیف در پیگیری مسائل معیشتی معلمان و بویژه عادلانه کردن نظام هماهنگ حقوق و مزایا
- ۱۵- کم توجهی به پیشکسوتان و فرهنگیان بازنشسته
- ۱۶- سازماندهی نامناسب در بکارگیری معلمان و گردش نیروی انسانی در فرآیندهای استخدامی و بازنشستگی
- ۱۷- عملکرد ضعیف در حمایت و پیگیری برای تامین تسهیلات مسکن و امور رفاهی و فرهنگیان
- ۱۸- تغییرات گسترده در مدیریت های تخصصی و کارشناسان
- ۱۹- محقق نشدن برنامه ها و وعده ها به فرهنگیان، مردم و مجلس
- ۲۰- اجرای ناقص و ضعیف قانون احیای معاونت پرورشی

در هر رده بندی، « مقام معظم رهبری » باید اول باشد!

◀ وزرای وابسته به احمدی نژاد، به جای رفتن به خدمت « رهبر انقلاب » به با بوس مصباح یزدی می روند. به تازگی، بعد از ملاقات معاون اول رییس جمهور و وزیر تعاون او الهام سخنگویی حکومت به خدمت مصباح رسیده است. او که گویا سخنگویی را به ارث برده است، حاضر نیست به هیچ قیمت آن را رها کند.

الهام در جمعی گفته است: تا زمانی که برخی بر قوه قضائیه تکیه زده اند پست وزارت دادگستری کسک است. در نتیجه بهترین کار من همان سخنگویی دولت است. آن مقام ارزش ندارد. زیرا در آن مقام، من تنها واسطه ابلاغ برخی از دستورات رئیس قوه قضائیه و بردن لایحه ها به مجلس هستم و کار دیگری بر عهده من نیست. ولی این سخنگویی فرصت خوبی است برای ادای دینم به این حکومت. البته او شاید یادش رفته است که در دور قبلی مجلس حتی برای انتخاب شدن به عنوان یکی از اعضای شورای نگهبان هم رأی نیاورد و انتخاب او به پست وزارت دادگستری با تقلبات آشکار تنها با اختلاف دو رأی انجام شد که معلوم نشد چگونه به آرای موافقان با وزارت او اضافه شد.

او، در کنار فاطمه رجبی نویسنده کتاب احمدی نژاد معجزه هزاره سوم و نیز برادران رجبی پست هایی در این حکومت اشغال کرده اند که در حکومت های دیگر به هیچ وجه به آنها داده نمی شد. البته در حکومت ضد شایستگی، اوضاع آنچنان به هم ریخته است که شورای تشخیص مصلحت برای جلوگیری از این انتصاب های ناپجا، مقرراتی را تصویب کرده است که مانع از انتخاب این گونه افراد بی کفایت شود.

◀ خبر تکرار روزنامه کیهان، جعفر بهداد که مدیر کل ارشاد استان هرمزگان شده بود، به معاونت ارتباطات و اطلاع رسانی دفتر ریاست جمهوری منسوب شد. از ابتدای به روی کار آمدن احمدی نژاد و وزارت جستن صفار هرنندی، بسیاری از کارکنان روزنامه کیهان به مقامهای نان و آبدار رسیده اند.

برای مثال، پس از استعفای مختار پور از سمت معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انتخاب معاون جدید موجب اختلاف میان « رییس جمهوری » و صفار هرنندی شده است. صفار هرنندی می خواهد کسی را از روزنامه کیهان بیاورد و معاون کند. شخصی مثل ملکبان. اما اطرافیان احمدی نژاد به اشخاصی چون جوان فکر و جهان دیده و پاریاب و... نظر دارند. و مدیران دیگر ارشاد خواهان بر سر کار آمدن فردی از مجموعه ارشاد، مانند تقی ظهوریان، مدیر کل مطبوعاتی هستند.

### \* دیدارها و گفتگوها با انگلیسی ها و امریکائیه ها:

◀ گزارش از ایران: به تازگی حسن روحانی، « نماینده رهبر در شورای امنیت ملی » و برادر دبیر شورای امنیت ملی، یعنی محمد جواد لاریجانی با هم به قطر رفته و در آنجا با دیوید اوآن وزیر سابق در صفحه ۴

۲۱- تدابیر ناکارآمد در ایمن سازی مدارس و امکان برخورداری از تاسیسات متناسب با گازرسانی به مدارس و حوادث غیرمترقبه برای دانش آموزان

۲۲- ضعف عملکرد در امور پشتیبانی و ساماندهی ساختمانهای اداری

۲۳- عملکرد ضعیف در ساماندهی بهداشتی مدارس

۲۴- نظارتهای فنی بر احداث مدارس و تاخیر در مقاوم سازی متناسب با بودجه های مصوب

۲۵- نابسامانی در نظارت و امور مدارس روستاها و برخی از مناطق شهری

۲۶- نابسامانی در تدابیر و نظارت و مدیریت امور مالی و پشتیبانی

گفتنی است طلایی نیک روز گذشته در پاسخ به این سؤال خبرنگار آفتاب که ارزیابی شما و فضای فعلی مجلس تا چه اندازه احتمال موفقیت استیضاح را مطرح می کند گفته بود «با توجه به محورهای استیضاح و نظرسنجی های اولیه و اراده جمعی که برای استیضاح فرشیدی وجود دارد وی برکنار خواهد شد».

• به گزارش نو اندیش ( ۲۵ فروردین ۸۶ )، مرعشی سخنگوی کارگزاران سازندگی گفته است: اتفاق وحشتناکی در حال وقوع است، چرا که مجموعه ای که در کشور روی کار آمده، همه تجربیات نظام را کنار گذاشته است. امروز می بینیم که همه تجربیات کنار گذاشته شده و بعضی روی کار آمده اند که حتی جناح راست هم مسوولیت آنها را نمی پذیرد. ما خیلی پایین و بالا شدیم، تا فهمیدیم اقتصاد اهمیت دارد، دیپلماسی مهم است، امنیت سرمایه گذار باید تامین شود و کارآفرینان از جایگاه ویژه ای برخوردارند، سال ها طول کشید تا همه جناح ها اعم از راست و چپ و میانه متفق القول به این نتیجه رسیدند که قانون حمایت از سرمایه گذاری خارجی برای کشور اهمیت دارد. در گذشته خیلی کارها کرده ایم: با دمپایی به اداره می رفتیم، کاپشن می پوشیدیم و اموال مردم را مصادره می کردیم، اما بعد فهمیدیم که هیچ یک از این ها نه به نتیجه می رسد و نه برای مردم نان می شود. سیاست، دو روی یک سکه است که اگر غلط باشد مثل عراق، کشور را به روز سیاه می نشاند و اگر درست باشد کشور را ارتقاء داده و به جایگاه مطلوبی می رساند، همان گونه که مالزی به آن دست یافت.

### \* محبوبیت احمدی نژاد از خامنه ای بیشتر است!؟ وزیران وابسته به احمدی نژاد به حضور مصباح می روند. کیهانیها در حکومت احمدی نژاد صاحب منصب می شوند:

◀ جنتی، در نماز جمعه، گفت: در آخرین نظر سنجی از مسلمانان، آقای حسن نصر الله در رده اول و آقای احمدی نژاد در رده دوم قرار گرفتند. عقل زور مدار او یادش رفت که « رهبر » نظام را هیچ و بوج کرد. زیرا



استخراج اورانیوم از معادن نزدیک به سطح زمین است و بخش اعظمی از معادن در عمق بدلیل پرهزینه بودن استخراج تعطیل شده اند.

در سالهای بین ۱۹۹۱ و ۱۹۹۹ معادل ۴۰ درصد نیاز جهانی از طریق منابعی غیر معادن و بطور مشخص از موجودی سوخت راکتورهای تعطیل شده تامین شده اند. از سال ۱۹۹۵ یک منبع مهم دیگر تامین اورانیوم به عرصه آمد که امتیاز آن عمدتاً در اختیار آمریکا و روسیه می باشد و آن استفاده از اورانیوم موجود در سلاحها و موشکهای هسته ای بود که در قالب پیمانهای خلع سلاح اتمی از زرادخانه های هسته ای خارج شدند. در حال حاضر نیز این منبع عظیم کماکان مورد بهره برداری این دو کشور بزرگ اتمی هستند. از سوی دیگر تکنولوژی استخراج اورانیوم و قیمت جهانی آن اهمیت فراوانی در استخراج و عرضه آن پیدا کرده است. برابر اطلاعات موجود، علیرغم وجود مقادیر قابل توجه این فلز در نقاط مختلف، تعدادی از کشورهای تولید کننده بدلیل هزینه بالای استخراج و همچنین عدم برخورداری از تکنولوژی پیشرفته در امر استخراج مراکز اکتشاف خود را تعطیل کرده اند و هم اکنون بدلیل فنی، مالی و مدیریتی عملاً استخراج و عرضه اورانیوم جهت مقاصد تجاری در دست ممالک صنعتی بزرگ قرار دارند.

در حال حاضر ۲۴ کشور دارای معادن اورانیوم در نزد آژانس بین المللی انرژی اتمی ثبت شده اند که بغیر از چین، پاکستان و هندوستان مابقی گزارشات رسمی منابع و معادن اورانیوم خود را ارائه میدهند. ضرورت توجه شود که هزینه تولیدی معادل ۱۳۰ دلار آمریکا برای هر کیلو اورانیوم سنگین محسوب و منابع با هزینه تولید کمتر معادل ۸۰ دلار و ۴۰ دلار در هر کیلو بسیار با صرفه ترند. برای مثال کانادا در سال ۱۹۹۹، ۳۱ درصد از این اورانیوم بسیار اقتصادی را به بازار عرضه نمود. پیش بینی میشود که تا سال ۲۰۱۵ نیاز جهانی اورانیوم مابین ۵۵۰۰ تن باشد در حالی که تولید جهانی در همین دوره بین ۴۲۰۰ تن تا ۶۲۰۰ در خوشبینانه ترین حالت برآورد می شود. بر اساس چنین واقعیتی است که تدریجاً توسعه بیشتر نیروگاههای هسته ای مورد بازنگری جدی قرار گرفته و توجه به منابع دیگر مانند ژئو ترمال رو به افزایش است.

بر اساس گزارشهای رسمی ایران به آژانس، ذخائر اورانیوم قطعی ایران بعد از حدود بیست سال اکتشاف و تحقیق ۴۹۱ تن برآورد شده است که میتوان معادل ۸۷۶ تن منبع احتمالی قابل بهره برداری با هزینه استخراج هر کیلو ۸۰ تا ۱۳۰ دلار را نیز بر آن افزود. علاوه بر اینها فرضیات غیر قابل اثباتی در مورد وجود ۴۵۰۰ تن اورانیوم دیگر و یا احتمال پیدا شدن ۵۰۰۰ تن ذخائر جدید وجود دارند که تا کنون تأیید نشده اند. برابر این آمار، منابع قطعی اورانیوم ایران را باید حدود ۱۴۰۰ تن برآورد کرد و هر سیاستی باید با توجه به این ارقام طراحی و برنامه ریزی شود. مطلبی که این آمار و ارقام بزبان روشن بیان میکنند این است که ما بهیچوجه دارای منابع قابل اعتنای اورانیوم که در صفحه ۵

اهمیت خود را پیدا می کند وقتی بدانیم اولاً روسها می گویند در سال جاری نیروگاه را نخواهند ساخت و ثانیاً ایران منابع اورانیوم کافی ندارد:

**\* روسها در سال جاری نیروگاه را تکمیل نمی کنند . ایران و روسیه در باره نیروگاه اتمی بوشهر، توافق نامه امضاء کردند :**

◀ در ۱۷ آوریل، خبرگزاری فرانسه از مسکو گزارش کرد که اتمسترواکسپورت Atomstroieksport که نیروگاه اتمی بوشهر را می سازد، می گوید نمی تواند در سال جاری ساختمان نیروگاه را کامل کند. علت مسائل مالی و فنی هستند. ایگور ایوانوف، دبیر شورای امنیت ملی روسیه می گوید: روشن است که سررسید تحویل نیروگاه را ناگزیریم به عقب بیاوریم. تا چه وقت؟ نمی دانیم. کارشناسان ما مشغول مطالعه هستند. بنا بر توافق ماه سپتامبر گذشته، روسیه می باید در ماه مارس سوخت اتمی نیروگاه را به ایران تحویل می داد و در ماه سپتامبر سال جاری می باید نیروگاه بکار می افتاد و در ماه نوامبر بهره برداری کامل از آن آغاز می گشت.

◀ در ۲۲ آوریل، رویتر گزارش کرد میان سازنده روسی نیروگاه اتمی و سازمان انرژی اتمی موافقتنامه در باره مسائل مالی به امضاء رسید. این موافقتنامه پرداخت اقساط را تضمین می کند. با وجود این، مسائل حل نشده برجاستند و قرار بر ملاقات دیگری در ماه مه در تهران است. سخنگوی شرکت سازنده می گوید: ما از ماه ژانویه تا ماه مارس، پولی دریافت نکرده ایم. محمد علی حسینی، سخنگوی وزارت خارجه گفت: هرگاه روسها نیروگاه اتمی بوشهر را تکمیل نکنند و تحویل ندهند، این شهرت روسیه است که به زیر علامت سؤال خواهد رفت.

**\* ایران منابع اورانیوم کافی ندارد. این بار این سایت آینده است که خبر را انتشار می دهد:**

◀ سایت آینده دریادداشتی به قلم آگاهی نوشت: بر اساس اطلاعات موجود در سال ۱۹۹۹ بیش از ۹۰٪ تولید جهانی اورانیوم توسط ده کشور تامین شده اند. این کشورها عبارتند از: استرالیا، کانادا، قزاقستان، نامیبیا، نیجریه، فدراسیون روسیه، آفریقای جنوبی، کرآین، آمریکا و ازبکستان. هر یک از این ممالک بیش از ۱۰۰۰ تن اورانیوم تولید و روانه بازار کردند. در این میان کانادا با ۲۵ درصد تولید در صدر و استرالیا و نیجریه با ۱۴/۸ و ۹ درصد تولید جهانی در مرتبه دوم و سوم قرار دارند. حدود ۵۰ درصد اورانیوم از معادن نزدیک به سطح زمین که کم هزینه میباشند استخراج شده و ۳۲ درصد از معادن واقع در عمق زمین که استخراجش پرهزینه تر میباشند. مابقی نیاز از طرق سایر منابع که توضیح آن در بند ۳ میاید تامین شده اند. در سالهای اخیر تأکید بر

## مناقسه و حراج؟

ما در باره رژیم ایران و هدفی که از اجرای برنامه اتمی خود در سر دارد و مقاصدش در عراق و بلند پروازهایش در خلیج فارس دچار توهم نیستیم. اعمال اخیر ایران، از جمله، دستگیری ۱۵ ملوان و تشنگدار انگلیسی حدود گفتگو با این رژیم را آشکار می کنند. حل مشکل در عراق و ایران موجب توسعه بازرگانی در منطقه می شود. و صلح میان اسرائیل و فلسطین سبب می شود مردم منطقه نقش بزرگی در چند و چون دولتها پیدا کنند.

**\* فضای هوایی ایران در اختیار آمریکا است:**

◀ با دیده شدن یک شی نورانی در یاسوج، اشیا نورانی که در آسمان ایران دیده می شوند، پر شمار شده اند. زیرا در روزهای گذشته در بوشهر و خرمشهر و آبادان و به تازگی در یاسوج هم این شی دیده شده است. یعنی آمریکا بدون توجه به حق ایران بر فضای خود، از بالا، بطور مستمر، ایران را تحت نظر دارد.

**\* مناقسه دو نیروگاه اتمی جدید:**

◀ بنا بر گزارش از ایران، صدا و سیما آگهی مناقسه ای را خواند که بنا بر آن، دولت جمهوری اسلامی ایران ساختن دو نیروگاه اتمی در بوشهر را به مناقسه گذاشته است. کلیه شرکتهای امریکایی خواسته است برای در مناقسه شرکت کنند.

به این پرسش که با وجود خودداری روسها از تکمیل نیروگاه بوشهر، آیا شرکتهای سازنده حاضر به شرکت در مناقسه می شوند؟ پاسخ داده شد که در تماس ها پیش از اعلان مناقسه، شرکتهای بسیاری از شرکت در مناقسه استقبال کردند و ما هم اعلان کردیم.

حال آنکه بنا بر اطلاع از درون رژیم، بعد از اینکه نمایندگان شوروی و ایران در آخرین ملاقات به نتیجه نرسیدند، مقامات رژیم در باره اتمام نیروگاه دیگر روی شوروی حساب نمی کنند. آیا فکر می کنند با این مناقسه آنها را تحت فشار قرار می دهند؟ پاسخ نمی تواند آری باشد. زیرا هم آنها و هم روسها می دانند هیچ شرکتی در مناقسه شرکت نخواهد کرد. آیا برای توجیه اصرار بر غنی سازی اورانیوم است؟ نه. زیرا احمد فیاض بخش، مدیرعامل شرکت تولید و توسعه انرژی اتمی ایران، در ۲۶ فروردین گفته است دو نیروگاه مورد مناقسه از نسل سوم با تولید ۱۰۰۰ تا ۱۶۰۰ مگاوات با آب سبک هستند. یعنی همان نیروگاههایی که در مجموعه امتیازهای پیشنهادی ۶ کشور (۵ عضو دائمی شورای امنیت بعلاوه آلمان)، وعده داده شده بودند.

پرسیدنی است بحران سازی چه اندازه اهمیت داشته است که آن مجموعه را رژیم رد کرد و حالا ساختن دو راکتور با آب سبک را به مناقسه می گذارد؟ این پرسش تمامی

تابوشکنیهای بزرگی در روابط ایران و آمریکا کرد؛ از جمله نامه نگاری به همتای آمریکایی اش و یا اینکه مساله مذاکره با آمریکا چه پیرامون عراق، چه مساله هسته ای امروز یک پدیده محتمل و ممکن جلوه گر می شود. پس می توان انتظار گشایشی در روابط دو کشور داشت، کما اینکه تندرورها در تهران و واشنگتن عملاً امکان صف آرایی در مقابل دولت های احمدی نژاد و بوش را ندارند؟

• معین زاده جواب داده است: اگر منظور از تابوشکنی این است که ممنوعیت های مربوط به گفتگو با آمریکا برطرف گردید و همه درباره گفتگو با آمریکا سخن می گویند و منافع آن را برمی شمارند و هرروز ابتکار جدیدی در این رابطه ابداع می شود و کسی هم آنان را محکوم و یا تهدید نمی کند و مرعوب و بازخورده نمی نامد و حتی انتقادی هم نسبت به این رفتار نمی شود، با شما موافقم. شرایط کاملاً تغییر کرده و حرمت گفتگو با آمریکا به کلی از میان رفته است. البته این وضعیت با بعضی پیش بینی های سیاسی که به آن اشاره کردم سازگار است. انتظار می رفت که حاکم شدن تندرورها در تهران و واشنگتن باعث شود که آنان راهی برای کاهش بحران روابط بیابند. اما یک مشکل مهم برسر راه تندرورهای علاقمند به گفتگو و رابطه با آمریکاییان ایجاد شده است. درست است که ایران در موقعیت بسیار قدرتمندی در منطقه قرار گرفته و آمریکا مشکلات مهمی در منطقه دارد و نیازمند آن است که بخصوص در مسائل منطقه ای به ایران نزدیک شود، اما یک تحول اساسی در روابط دو کشور ایجاد شده که همه چیز را تغییر داده است. با موفقیت

آمریکا در شکل دهی اجماع جهانی علیه ایران و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت عملاً موقعیت ایران نسبت به گذشته بسیار تضعیف شده و ایران نمی تواند در موضعی برابر در مقابل آمریکا قد علم کند. آمریکا به عنوان محور اجماع بین المللی علیه ایران در موقعیت قدرتمندی است. تمایلی به معامله با ایران ندارد و حاضر به دادن امتیاز بخصوص بر سر مساله مورد اجماع بین المللی یعنی هسته ای نیست. به دلیل اشتباهات مهم دولت ایران در سیاست خارجی و اتخاذ سیاست های ماجراجویانه و انزوا گرا، بخشی از فرصت های ایران در صحنه بین المللی از بین رفته و بهره گیری از باقی فرصت ها نیز پیش از هر چیز نیازمند شکسته شدن اجماع بین المللی کنونی علیه ایران است.

◀ در ۱۹ فوریه، رویتر از تل اویب گزارش کرده است که روبرت گیت، وزیر دفاع آمریکا گفته است: کوششهای دیپلماتیک برای حل مساله اقبال موفقیت دارند.

گیت توضیح داده است: ما موافقت کردیم که اهمیت دارد در باره برنامه اتمی ایران از راه دیپلماسی عمل کنیم و از قرار این روش دارد نتیجه می دهد. بخصوص بخاطر جنبه بین المللی متحد از رهگذر تصمیم های شورای امنیت شکل گرفت. او که در اطاق بازرگانی قاهره سخن می گفت، پس از دیدار با حسینی مبارک، رئیس جمهوری مصر، گفته بود: ایران تهدید دیگری برای ثبات خاورمیانه است.

حکومت انگلیس ملاقات کرده اند. بنا بر اطلاع، این دو برای حل مساله هسته ای ایران به قطر سفر کرده اند. از آنجا که روابط قطر با اسرائیلی ها و امریکایی ها و انگلیسی ها بسیار حسنه می باشد، آن کشور محل مناسبی برای ملاقات و گفتگوها است. مقامات رژیم، در این کشور، ملاقات هایی با برخی از نمایندگان کشورهای غربی داشته اند. در ملاقات این دو با اوآن پیام علی خامنه ای و احمدی نژاد را به او گفته اند. گفته اند: بابا طوری عمل کنید که ما در مقابل مردم کشورمان بنیت شعارهایی که داده ایم، شرمند نشویم.

این « نماینده رهبر در شورای امنیت ملی » طرح ۱۰ ماده ای را برای حل مشکل هسته ای ایران نیز تهیه کرده است. بدنبال انتشار این طرح، او با محمد جواد لاریجانی برای دیدار با داوید اوآن به قطر رفت. یادآور می شود که محمد جواد لاریجانی همان کسی است که در جریان انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۷۶، به انگلستان رفت و با نیک براون دیدار و از طریق او به دولت انگلستان اطمینان داد که هرگاه ناطق نوری رئیس جمهوری بگردد، توقعات انگلستان را برآورده می کند.

برادران لاریجانی که هر سه از راه وابستگی ها به مقامهای بالا رسیده اند، در عراق به دنیا آمده اند. در جریان انقلاب کاره ای نبوده اند و کاری نمی کردند. به خصوص برادر کوچکتر، آقا صادق که اینک عضو شورای نگهبان است. اینک که شرکت کنندگان در انقلاب کنار زده شده اند، انقلابی دو آتسه و اصول گرا شده

آقا صادق که، در انقلاب، حتی در یکی از تظاهرات نیز شرکت نکرده است، اینک دستیار علی جنتی در حذف بسیاری از مبارزان آن سالها شده است.

◀ به گزارش آفتاب (۲۶ فروردین)، واشنگتن پست از سفر محمد جواد ظریف به واشنگتن در ماه گذشته میلادی و استقبال گرم مقامات آمریکایی از وی خبر داده است. روزنامه به نقل از دیپلماتهای آمریکایی گزارش کرده است که ظریف از معدود مقامات ایرانی است که آمریکا می تواند با وی گفت و گو کند. سفر پنج روز قبل از آن، انجام گرفته است که ایران پانزده ملوان انگلیسی را در خلیج فارس دستگیر کرده و شورای امنیت نیز تحریم های جدیدی را علیه ایران تصویب کرده

بود. ظریف به طرفهای امریکایی گفتگو گفته است: در حالی که برای ترک سازمان ملل آماده می شود هشدار می دهد که زمان رو به پایان است. وی در ضیافت شام مرکز نیکسون گفت: «حل مساله هسته ای دو سال قبل، یک سال قبل یا هفته قبل از الان بسیار آسانتر بود و خیلی ساده تر خواهد بود که این مساله امروز حل شود تا دو یا سه ماه دیگر و پس از آنکه قطعنامه دیگر شورای امنیت علیه ایران تصویب شود. می دانم که اگر شما این مسیر را دنبال کنید چند قطعنامه دیگر خواهید داشت و ما نیز چند سانتر فیوز بیشتر در نظرتن خواهیم داشت. نتیجه این امر راه حل نیست؛ بلکه رویارویی بیشتر در هر دو طرف است. این مسیری نیست که مورد نیاز است.»

◀ اعتماد ملی از محسن امین زاده، معاون وزارت امور خارجه در حکومت خاتمی، پرسیده است: اما دولت محمود احمدی نژاد در حوزه سیاسی



بتواند نیاز بلند مدت ما را جهت برق هسته ای تامین کنند نیستیم و تامین برق از نیروگاه های اتمی بدون تامین سوخت از خارج مقدور نیست و حتی اگر غنی سازی را هم به حد کمال انجام دهیم چاره ای بجز وارد کردن اورانیوم (منظور ماده معدنی اورانیوم) از منابع خارجی که بطور عمده در کنترل کشورهای خاصی هستند نداریم و اصولاً بحث خود کفائی کشور در این مورد بنظر نمی رسد که بر مبنای اطلاعات صحیحی پیش کشیده شده باشد.

توجه دقیق به این آمار هر چند مختصر می تواند برای مسئولین عزیز پرونده هسته ای جالب باشد و برای مثال میتوان درک کرد چرا پیشنهاد مشارکت بین المللی در پروژه غنی سازی ما با سردی مواجه شد. وقتی که ما نه دارای منابع قابل توجه اورانیوم هستیم و نه مصرف کننده ای عمده چون اصلاً نیروگاه اتمی نداریم، چرا باید مثلاً اورانیوم آفریقای جنوبی را بیاورند در ایران غنی کنند و سپس به آمریکای شمالی و یا اروپا بفرستند؟ اصلاً چنین طرحی توجیه اقتصادی ندارد و طرح فروش سوخت در بازارهای جهانی با ۳۰ درصد زیر قیمت نیز حرفی بیش نیست چه آنکه تنها هزینه حمل و نقل اضافی شاید بیش از ۳۰ درصد قیمت را بالاتر ببرد

**\* ناتوانی رژیم از برآوردن توقعات صنفی قشرهای مختلف و گسترش قلمرو سرکوب به بعد اجتماعی ناتوانی همه جانبه رژیم را گزارش می کند:**

◀ در جریان دستگیری برخی از معلمان شهر همدان، مدارس و دبیرستانهای استان همدان نیمه تعطیل شده اند و دانش آموزان به حمایت از معلمان خود از رفتن به سر کلاسها خودداری کرده اند.

سرکوب معلمانی که خواستهای صنفی دارند، سرکوب زنان که خواستهای صنفی دارند، سرکوب کارگران که سرکوب صنفی دارند و سرکوب دانشجویان که خواستهای صنفی دارند، ناتوانی مفرط رژیم را گزارش می کنند. درخور یادآوری است که در دوران شاه، مانع ابراز خواستهای صنفی نمی شدند زیرا مانع ابراز خواستهای سیاسی می شد. رژیم کنونی بدانقدر ناتوان است که ابراز خواستهای صنفی را نیز تحمل نمی کند.

**\* داد و ستدهای بر سر انسان با رژیمهای همسایه و جستجوی پناهگاه در کشورهای همسایه در صورت حمله نظامی به ایران :**

◀ با داد و ستدهای امنیتی که از زمان به سر کار آمدن حکومت احمدی نژاد با دیگر کشورها انجام شده است به تازگی فردی به نام سید محمد هادی موسوی که از سیاسیون آذری زبان ایران بود که به باکو گریخته بود با همکاری امنیتی بین واواک و سازمان امنیت آذربایجان، در آن کشور دستگیر شده و به ایران آورده و به زندان اوین منتقل شده است. بعد از جزایری، این دومین مورد - غیر از افرادی که از

بازگرداندنشان اطلاع حاصل نمی شود - است.

از زمانی که متکی در ترکیه بود با ربودن افراد یا ترور آنها، رژیم مخالفان را به ایران باز می گرداند و یا می کشت. از زمانی که این شخص به وزارت انتخاب شد شیوه ای دیگر اتخاذ کرد و آن داد و ستد بر سر مبارزان سیاسی و غیر آنها با دولتهای همجوار است.

◀ آن عده از آذربایجانی ها که پولی دارند به آذربایجان تحت حاکمیت الهام اوف می روند و در آنجا خانه می خردند تا اگر جنگی شد، پناهگاهی داشته باشند.

در حقیقت، سرمایه ها و استعدادها از مرزهای شمالی و جنوبی کشور به کشورهای همجوار می روند. زیرا ایران گرفتار دو جنگ اقتصادی است: جنگ رژیم مافیای با اقتصاد کشور و جنگ آمریکا با اقتصاد کشور.

**\* راه حل اقتصادی که به عقل نمایندگان مجلس مافیایا رسیده است :**

◀ برخی از نمایندگان اکثریت مجلس برای جلوگیری از تورم بیشتر و به تقلید از ترکیه طرحی را به مجلس آورده اند که قرار است بر اساس آن پول کشور تغییر کند. البته این عمل اعتراض برخی از نمایندگان اصولگرا را برانگیخته است.

این طرح، در اقتصاد ایران، انجام شدنی نیست. زیرا نیازمند کاستن از بودجه و کاستن از نقدینه و کاستن از بدهی دولت به نظام بانکی و افزودن بر سرمایه گذاریها و از میان بردن فرصتهای رانت خواری و... است.

انقلاب اسلامی: اما آرایش قوا در سطح منطقه چگونه است؟ روابطه ایران با آمریکا در آنچه به عراق و افغانستان مربوط می شود و رابطه ایران با غرب و شرق بر سر مسئله اتمی چگونه شده است؟ خبرها و نظرها بیکه در فصل دوم گرد آورده ایم، می باید به این پرسشها پاسخ دهند:

## انگريستها در موضع دفاعی - مهار ايران از راه عراق و مهار شيعه براي گفتگو با امريكا ؟

**تیره شدن روابط روسیه و آمریکا و اثر آن بر سیاستهایشان در ایران و خاورمیانه - به موضع دفاعی رانده شدن انگریستها در ایران :**

◀ در فیکارو (۱۴ آوریل) آلكساندر آدلر، وضعیت خاورمیانه و حضور

## مناقصه و حراج؟

امریکا و روسیه در منطقه و ایران را موضوع سنجش قرار داده است:

• وضعیت در ایران خط تحولی را پیدا کرده است که روز به روز بیشتر به موضع دفاعی رانده می شوند.

• در عراق، کار به جنگ داخلی نمی کشد، بلکه به آشتی سر باز می کند میان سعودیها و ایرانیهای تحت توجهات آمریکا.

• استقلال لبنان اعاده می شود. و از جمله به یمن موضعگیری شجاعانه ژاک شیراک، رئیس جمهوری فرانسه.

• در برابر، آمریکا، در کمتر از دو سال که به پایان ریاست جمهوری بوش آمریکا مانده، بیش از پیش در انزوا است. به جای آنکه برای یافتن علت به خاورمیانه برویم، بجاست که به روابط آمریکا و روسیه بپردازیم. این روابط خراب شده اند. حال آنکه آمریکا می توانست سیاست بهتر و بارورتری را برگزیند، همان سیاست را که مانع از آن شدند کندولزا رایس در سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ به اجرا

گذارد. در حال حاضر، تصمیم آمریکا به استقرار موشک ها و رادارها در خاک چک و لهستان، نقطه اوج یک استراتژی تحریک روسیه است.

این استراتژی حاصل استدلال استراتژیک همساز و کامل نیست. با وجود این، همه چیز با نیک اندیشی مضاعفی آغاز شد که اگر دنبال می شد، می توانست به همکاری استراتژیک آمریکا و روسیه بیانجامد.

امریکا می خواست تجربه ای را بی بگیرد که ریگان آغاز کرده بود. جز این که جنگ فضائی منظور نظر ریگان، این بار بسیار واقع بینانه تر، بنا است تجربه شود: متوقف کردن حمله

اتمی یک کشور نه با قدرت موشکی اتمی روسیه و چین که با قدرت بسیار کم مانند ایران و کره شمالی. ایجاد مانع اضافی در برابر مقاصد رژیمهایی چون ایران و کره شمالی امروز و

پاکستان و لیبی و مصر و عربستان سعودی فردا که ثبات نداشتند و اطمینانی به بقا و ثبات رفتارشان نیست، کار عاقلانه ایست.

نست به این اقدام، روسها درجا واکنش نشان دادند که اشکالی در اجرای قرارداد ABM که آزمایش و بسط تجهیزات نظامی در فضا را ممنوع می کند، نمی بینند. اما اگر رفتارهای خصومت آمیز حکومت بوش را در قبال روسیه کنار هم بگذاریم، ناگزیر به خود می گوئیم که آمریکا می توانست این رفتارها را تکند و از همکاری روسیه برخوردار بگردد:

• خودداری از قرار دادن شورش چینی در قلمرو جنگ همگانی با تروریسم با وجود ارتباطش با القاعده آشکار است، ادامه سیاست متحول کردن گرجستان به پایگاه ضد روس و ضد کمونیست که از زمان شواردنازه اجرا می شود، پیشنهاد درآمدن اوکراین به عضویت ناتو که هم بی معنی و هم مضر به حال غرب و اوکراین است، آنچه در حالی که کشورهایانی چون سوئد و فنلاند و اتریش هنوز به عضویت ناتو در نیامده اند، خودداری از هر گونه همکاری فنی با روسیه در قلمرو فضائی، متوقف کردن همکاری با روسیه در مبارزه با طالبان با وجود نمرانی که ببار آورد و قطع هرگونه همکاری با سازمانهای اطلاعاتی جدید روسیه FSB و SVR

در مبارزه با تروریسم، روابط دو کشور را خراب کرده اند.

بدیهی است روسها کارهای روسیه بی کم و کاست نیستند: همکاریهایشان با ایران، هرچند از عمل گرایانی نظیر

هاشمی رفسنجانی و بخصوص علی اکبر ولایتی حمایت می کنند، دستگیر کردن و سپس آزاد کردن

ظواهری، مرد شماره ۲ القاعده، وقتی او در سال ۲۰۰۰ به قفقاز آمده بود، ایرادهای وارد به رفتارهای روسیه هستند.

الا اینکه معلوم نیست روسیه برای تأمین امنیت خود او را پس از دستگیری آزاد کرده است و یا مقامات محلی او را نشاخته و ندانسته اند اهمیت شکاری که به چنگشان افتاده چه اندازه است؟

• اما این رفتارها، بهیچرو محاصره تکنولوژیک روسیه و در دموکراسی های جدید اسلاو، روسیه ستیزی را توجیه نمیکند. در وضعیت کنونی، امریکائیا دارند روسها را مجبور می کنند به مسابقه در تسلیحات دفاعی.

همچنین فرانسه و آلمان را ناگزیر می کنند به ترک همبستگی با خود.

ایا باید آمریکا این رویه را ادامه بدهد و یا دمل را بترکاند و از راه ایجاد تفاهم با تمامی اعضای شورای امنیت، مبارزه جهانی با تروریسم را از اقبال موفقیت برخوردار سازد؟ نتیجه انتخابات ریاست جمهوری فرانسه هر چه باشد، پاسخ فرانسه به این پرسش اینست: آمریکا می باید به راه تفاهم با همه اعضای شورای امنیت برود.

**وزیران طرفدار مقتدی صدر از عضویت حکومت مالکی استعفاء کردند. آیا رژیم ایران بدین کار وادارشان کرد تا با نظم بخشیدن به کار شیعه عراق و مهارش با آمریکا وارد گفتگو شود؟**

◀ پاسخ استراتفور (۱۶ آوریل) به این پرسش، مثبت است:

• در ۱۶ آوریل، مقتدی صدر ۶ وزیر خود را از هیات وزیران به ریاست مالکی، خارج کرد. علت را اعتراض خود به ناتوانی حکومت مالکی در ترتیب دادن جدول زمانی خروج قوای آمریکا از عراق گفت. در همان حال، در بصره نیز تظاهراتی برای آنکه استاندار بصره نیز استعفاء کند، برپا شد.

رویدادها حاکی از کوشش تهران برای بدست آوردن مهار شیعه عراق است. زیرا آن را شرط موفقیت آمیز شدن گفتگوهایش با آمریکا، بر سر عراق، می داند.

• فراخواندن قوای آمریکا به ترک خاک عراق اظهار یک خواست ملی گرایانه است و موجب تحکیم موقعیت سیاسی مقتدی صدر می شود. او پیش از نوامبر ۲۰۰۶ وقتی طرفدارانش مجلس و حکومت را بایکوت کردند، نیز، از آمریکا خواسته بود قوای خود را از خاک عراق خارج کند. آن

زمان، هدفش این بود که مالکی را تحت فشار بگذارد تا مانع از آن شود که قوای آمریکا بخاطر استقرار امنیت، به جان اعضای جیش المهدی بیفتند.

طی دو ماه که خود را نشان نمی داد، به این نتیجه رسید که آمریکا در رفتار خود تغییری نداده است و همچنان جیش المهدی او را بزرگ ترین مانع استقرار امنیت در عراق می داند و بر ضد آن عمل می کند. بنا بر این، بهتر دید بر موضع سیاسی خود بایستد.

• رویه قوای آمریکا در قبال سازمانهایی که مانع استقرار امنیت و ثبات در عراق می داند، مقتدی صدر را در موضع دفاعی قرار داده است.

برای او راهی جز این باقی نگذاشت مگر این که بخاطر نجات جانش به ایران برود. همچنین او ناچار شد دو عضو برجسته سازمان خود و عضو مجلس را طرد کند وقتی دانست که این دو با ژنرال داوید پترانوس، فرمانده قوای آمریکا در عراق، دیدار کرده اند. و نیز در ۵ آوریل او از مالکی خواست دو عضو سازمان او را بخاطر اینکه از تحت کنترل کردها درآمدن کرکوک حمایت کرده بودند، اخراج کند.

• مقتدی صدر برای آنکه مهار خود را بر سازمانش مستحکم کند، به قیمت ضربه زدن به ائتلاف ناپایداری که حکومت مالکی، بر آن، برپاست، اعضای سازمان خود را از حکومت عراق خارج کرد. صدر در مجلس عراق ۳۲ نماینده دارد. این نمایندگان اکثریتی را ممکن کرده اند که از حکومت مالکی حمایت می کنند.

بلحاظ آنکه این نمایندگان بوجود آمدن اکثریت مجلس را ممکن کرده اند، صدر وسیله فشار درخوری در اختیار دارد. از آنجا که اعضای حزب الفضیلت حکومت مالکی را ترک گفته بودند، وابسته این حکومت به ۳۲ نماینده طرفدار مقتدی صدر بیشتر شده است. در حال حاضر او تنها اعضای سازمان خود را از حکومت بیرون برده اما تهدید کرده است که هر زمان تصمیم بگیرد، ائتلاف را از بین می برد.

• استراتژی مقتدی صدر بسا سخت تحت نفوذ حامیان ایرانی او است. البته، در مواردی چند او با ایران که حامی رقیب اصلی او عبدالعزیز حکیم عراق است، مسئله داشته است. اما

ایرانیها وقتی او سازمانش تحت فشار قوای آمریکا قرار گرفتند، در جا به او پناه دادند. وابستگی بیش از پیش صدر به ایران، موضع ایران را در گفتگو با آمریکا بر سر عراق تقویت می کند. با نمایش مهار صدر و سازمانش، ایران می تواند به آمریکا پیشنهاد کند که در مقام نشان دادن حسن نیت خویش آماده است مقتدی صدر و جیش المهدی را در مهار نگاه دارد چنانکه به فعالیتهای خشونت آمیز خود خاتمه دهند.

روابط استوار با مقتدی صدر بسود منافع ایران از این نظر است که بدان می تواند عناصری از شیعیان را که یکی از موانع استحکام نفوذ ایران بر عراق هستند را از صحنه خارج کند.

• ایران نیک از تاریخ عراق آگاه است و می داند که شیعه های عراق هیچگاه نتوانسته اند از اکثریت خود در سلطه بر اقلیت سنی استفاده کنند. در حکومت سنی ها، شیعه عراق از دولت و قوای نظامی و انتظامی بطور

در صفحه ۶



وسیع دستشان کوتاه بود. در نتیجه، بیشتر مشاغل غیر دولتی در دست آنها بود. جریان پول به جنوب عراق از رهگذر کارفرماییهای بازرگانی و بهره برداری نفت جنوب عراق، یک بلوک شیعه در پی منافع خویش و توانا به رقابت را بوجود آورد.

• برای این که ایران بتواند اکثریت شیعه عراق را به سامان آورد، نخست می باید موانع را از سر راه بردارد. بخش مهمی از تقایلی ایران بر اینست که حزب فضیلت را که با ایران مخالف و در بصره حامیان بسیار دارد را ضعیف کند. اعضای این حزب مناطق نفتی جنوب عراق را در مهار خود دارند و با هرگونه کوشش ایران برای جنگ انداختن بر این مناطق به سختی مقابله می کنند.

تحرکات اخیر سازمان تحت رهبری صدر، گویای سه هدف استراتژیک ایران در عراق هستند:

۱- با برانگیختن طرفداران صدر بر ضد افراد حزب فضیلت، ایران تضعیف را هدف قرار داده است.  
۲- استغفای ۶ عضو سازمان تحت رهبری صدر هشداری به شیعه ها است که با یکدیگر متحد شوید وگرنه، امریکائیان دولت عراق را تحویل سنی ها خواهند داد.

۳- فزونی بی ثباتی در جنوب عراق و خروج ۶ وزیر از حکومت عراق، به ایرانیان امکان می دهد به امریکائیان بگویند: ما در عراق دست قوی داریم و می توانیم مانع از آن شویم امریکا وضعیت سیاسی عراق را به دلخواه خود سامان ببخشد و از عراق بیرون رود.

**روبرت گیت به خاورمیانه رفته است تا کشورهای منطقه را به حمایت مالکی و مهار ایران بر انگیزد و در همان حال، بوش به رایس اجازه گفتگو با متکی را بر سر عراق می دهد!!**

◀ لوس آنجلس تایمز (۱۷ آوریل) گزارش کرده است که روبرت گیت به کشورهای خاورمیانه سفر کرده است. هدف از این سفر، برانگیختن کشورهای منطقه به حمایت از مالکی و حکومت او و نیز گفتگو در باره مهار رژیم ایران است.  
یک مقام وزارت دفاع امریکا به لوس آنجلس تایمز گفته است: گیت به مقامات اردن و مصر توضیح خواهد داد چرا حمایت از حکومت مالکی بهترین راه جلوگیری از سلطه ایران بر منطقه است. امریکا می خواهد مصر و اردن و کشورهای دیگر از دولت عراق حمایت کامل کنند و این دولت در دیدارها و در اتحادیه عرب، عضو و طرف کامل روابط خود بشناسند.

ما امیدواریم این دولتها به حمایت از دولت عراق ادامه می دهند زیرا به نظر ما این بهترین راه جمع کردن دست و پای ایران از منطقه است. در راه، گیت به روزنامه نگاران همراه گفت: من از اردن دیدار می کنم زیرا این کشور نفوذ سازنده ای در منطقه دارد. او در باره عراق و لبنان و روند صلح اسرائیل و فلسطین

## مناقصه و حراج؟

◀ در ۲۴ آوریل، پرزیدنت بوش گفته است: به کندولزا رایس اجازه داده است، در حاشیه کنفرانس شام الشیخ، در باره عراق، با متکی، وزیر خارجه ایران، گفتگو کند. این گفتگو تنها در باره عراق می تواند انجام بگیرد و نه هیچ موضوع دیگری.  
در این کنفرانس که در روزهای ۳ و ۴ مه تشکیل خواهد شد، کشورهای همسایه ایران شرکت خواهند کرد. اما متکی گفته است هنوز ایران تصمیم به شرکت در این کنفرانس نگرفته است.

## در افغانستان، ایران به طالبان پول و اسلحه می دهد!؟

◀ در ۱۷ آوریل، ژنرال پتر پیس، رئیس ستاد ارتش امریکا به روزنامه نگاران گفته است: قوای ائتلاف اسلحه ایران را که برای طالبان فرستاده شده بود، ضبط کرده اند.

قوای امریکا و ائتلاف، خمپاره و مواد منفجره را در قندهار کشف و ضبط کرده اند. رئیس ستاد گفت: ما هنوز نمی دانیم آیا دولت ایران ذیمدخل است یا خیر؟

این نخستین بار است که مقامی چون رئیس ستاد ارتش از رفتن اسلحه ایران برای طالبان سخن می گوید. این ایام، حمله های طالبان فراوان تر شده اند. تا به حال، ایران متهم بود که به شیعه عراق اسلحه می دهد. اینک متهم می شود به دادن اسلحه به طالبان.

ژنرال پیس می گوید در افغانستان روشن نیست که آیا تصمیم تصمصیم دولت ایران است یا خیر. ولی ما اسلحه ساخت ایران را ضبط کرده ایم که برای طالبان برده می شدند. فرستاده شدن اسلحه از ایران برای طالبان بسیار معنی دار است زیرا گویای آنست که ایران سیاست تهاجمی تری در قبال امریکا در پیش گرفته و در افغانستان و عراق، بنا را بر این گذاشته است که تا ممکن است ضربه های وارد بر قوای امریکا بیشتر شوند.

ژنرال پیس می گوید: ما به همان روشی که میدانیم ایران به عراق اسلحه می فرستد، نمی دانیم آیا این دولت ایران است که برای طالبان اسلحه می فرستد یا خیر؟ ما باید در عراق و افغانستان رفتار تهاجمی داشته باشیم و به هر عنصری که قوای امریکا و متفقانش را مورد حمله قرار می دهد، یورش بریم.

ژنرال پیس می گوید: ما می دانیم تسلیحاتی که در ایران ساخته شده اند به عراق و افغانستان برده می شوند. ما می دانیم که سپاه قدس تحت امر رهبر جمهوری اسلامی ایران است. و این همه آنچه چیزی است که می دانیم. بنا بر این، یا رهبران رژیم می دانند قوای مسلح آنها چه می کنند و یا نمی دانند. هر یک از دو حال، مسئله است.

ژنرال پیس توضیح می دهد: چرا ایران در افغانستان و عراق با عوامل ایران و فعالیتهاشان تهاجمی برخورد نمی کند، زیرا امریکا و تمامی ملتهای ذینفع می کوشند از راه دیپلماسی رویه ایران را تغییر دهند. هرگاه

نتیجه ندهد، قوای نظامی واپسین وسیله ما است. پیش از آن، ابزارهای بین المللی چندی وجود دارند که باید بکارشان برد تا مگر ایران رویه خود را تغییر دهد.

◀ در ۱۸ آوریل، به گزارش رویتر، در بروکسل، یک مقام امریکائی گفته است: بسا ایران به طالبان و گروههای دیگر افغانی اسلحه می دهد. ریچارد بوش، دستیار وزیر امور خارجه امریکا در امور آسیای جنوبی و مرکزی، روزی بعد از ژنرال پیس، رئیس ستاد ارتش امریکا، گفت: اسلحه ساخت ایران که برای طالبان می رفت، در ماه گذشته کشف و ضبط شده است.

بوش گفت: ایران نقش مثبتی در استقرار دولت افغانستان بعد از سقوط رژیم طالبان در ۲۰۰۱ و جلوگیری از حمل مواد مخدر از افغانستان به غرب بازی کرده است. اما نسبت به رفتار ایران در افغانستان، از سال گذشته به این طرف، نگرانی هائی بوجود آمده اند. ما اماره های چندی را به دست آورده ایم حاکی از این که ایران رفتار غیر سالمی در افغانستان در پیش گرفته است. او که در بروکسل با مقامات اروپا گفتگو می کند، آنها را در این باره توجیه کرده است.

او افزود: ایران به مداخلات سیاسی خود، با رساندن اسلحه به طالبان، مداخله نظامی را نیز افزوده است. البته ما به دقت نمی دانیم چه کسانی این کار را می کنند و چرا می کنند. اما ما می دانیم منشاء این اسلحه که در دست طالبان مشاهده می کنیم، ایران است.

◀ در ۱۹ آوریل، به گزارش خبرگزاری فرانسه، ژنرال دان مک نیل فرمانده قوای ناتو در افغانستان، نمی تواند تأیید کند که اسلحه ساخت ایران در افغانستان کشف و ضبط شده است.

من اطلاع منتشره (از سوی رئیس ستاد ارتش امریکا و وزارت دفاع) را تکذیب نمی کنم و بسیار علاقمندم بدانم شورشیان چگونه یاری می شوند و کیانند آنها که یاریشان می کنند؟ مسلم است که وزیر دفاع امریکا و رئیس ستاد ارتش این کشور اطلاعاتی را دارند که من ندارم.

بعد از ۳۰ سال جنگ، در افغانستان همه گونه سلاح، ساخت ایران و غیر ایران، در آن پیدا می شود. در دوران جنگ جبهه شمال به رهبری احمد شاه مسعود، ایران به این جبهه اسلحه می داد برای آنکه در برابر طالبان بایستد.

ژنرال مک نیل همچنین گفت که اطلاع قطعی بر وجود اردوگاههایی در ایران که، در آنها، شورشیان افغانی را تعلیم می دهند، ندارد.

## نفت شمال عراق و رویارویی کردها با ترکیه و شاخه ای از پ.ک.ک که با رژیم ایران می جنگد:

◀ نشریه سوئدی دیناسکت (۲۲ آوریل) می نویسد: ترکیه هم تهدید و هم تشویق می کند: وقتی که کردهای عراق می خواهند، چاه نفت حفر کنند یا آن مراکز تجاری و غیر آن بسازند، این ترکها هستند که در

صف مقدم دوطلبان قرار دارند. برای ترکیه اینگونه فعالیتها بسیار سود ده هستند. چنانکه خود بانک ارتش ترکیه هم Yasar Büyükanit در این فعالیتها سهیم است.

با وجود این، رئیس ارتش ترکیه تهدید می کند شمال عراق را اشغال می کند هرگاه کردستان عراق پایگاه حمله به ترکیه شود. ترکها از اینکه نه کردها و نه آمریکاییها از حملات کردها بر ضد ترکیه جلوگیری بعمل نمی آورند شاک می هستند.

رئیس ستاد پس از آن تهدید کرد که رئیس جمهوری کردستان خود مختار، مسعود بارزانی، در مصاحبه با کانال ال عربیه اظهار داشت: کردها به ترکیه اجازه نمی دهند در مورد سرنوشت نفت کرکوک که به نظر می رسد به کردها تعلق بگیرد، دخالت کند.

امری که رئیس ستاد ارتش ترکیه را بسیار عصبانی کرده است سخنرانی داغ بارزانی است. در آن سخنرانی، بارزانی تهدید کرده است کردها هم در امور دیاربکر و هم در امور دیگر شهرهای جنوب شرقی ترکیه دخالت خواهند کرد.

فرمانده ارتش ترکیه بر این باور است که این امریکا است که این گونه سخن گفتن بارزانی را ممکن ساخته است. این واقیعت که امریکا نسبت به حزب پ ک ک لاقید است را نمی توان فقط با درگیر بودن امریکا در عراق توجیه کرد. پ ک ک در ایران هم عملیات انجام می دهد.

بسیار بر این باور هستند که حمله های پیاک (شاخه ای از پ ک ک) به ایران از حمایت نظامی امریکا برخوردار است. چه که امریکا بر این باور است که تغییر نظام در تهران یکی از اساسی ترین کارها در خاور میانه است.

Seymour Hersh که از کوه های قدبیل دیدن کرده است می گوید: پژاک شاخه ای از پ ک ک است که برای کردستان مستقل در ایران فعالیت می کند.

به گزارش آسوشیتد پرس، پژاک Pejak حمله های بی دریبی به ایران می کند و ایران هم به نوبه ی خود با شلیک کردن به حمله هایش پاسخ می دهد.

Seymour Hersh در هرش، روزنامه نگار امریکائی، در نوامبر گذشته، در مجله نیویورکر نوشت: این حزب از امریکا و اسرائیل کمک می گیرد.

و دانستی است حمله ترکیه به کردهای عراق عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را به خطر می اندازد.

Soli Özal، مشاور وزیر خارجه ترکیه بر این نظر است که دو راه حل موجودند: یا راه حل دشمنی و یا اینکه فدراسیون کردها را قبول کنیم. اما از آنجا که شمال عراق به آب دسترسی ندارد، کردها مجبور هستند با همسایگانشان بخوبی رفتار کنند.

انقلاب اسلامی: زمان می گذرد و مهلت دو ماهه که رژیم، برابر قطعنامه شورای امنیت دارد، از دست می رود. صحبت از گفتگو است. وزیر دفاع امریکا نیز می گوید دیپلماسی عمل می کند قرار بر آغاز گفتگوها در ۲۵ آوریل است:



## ایران وارد مرحله غنی سازی صنعتی اورانیوم شده یا نشده است؟ - گفتگوها و تهدیدها

آنچه سازمان انرژی اتمی کرده است، جنبه آزمایش دارد و ایران هنوز چند سال وقت می خواهد تا وارد مرحله غنی سازی صنعتی اورانیوم شود:

به گزارش آسوشیند پرس ( ۱۸ آوریل ) از قول آژانس بین المللی انرژی اتمی می گوید : ایران در تأسیسات زیر زمینی ، شروع به تولید سوخت اتمی کرده است .

یک یادداشت غیر علنی آژانس می گوید ایران شروع به کار اندازی ۱۳۰۰ سانتریفوژ در تأسیسات نظنز کرده است . هدف از این کار شتاب بخشیدن به ورود به مرحله تولید صنعتی اورانیوم غنی شده است . ایران در ۹ آوریل اعلان کرد کار غنی سازی اورانیوم را به مرحله صنعتی رسانده است . اما دیپلماتها در صحت ادعای ایران تردید داشتند .

آژانس می گوید مفتشانش در ۱۵ و ۱۶ آوریل از تأسیسات نظنز بازدید کرده اند و اطلاع یافته اند که ۱۳۱۲ سانتریفوژ ، که به ۸ آشبار تقسیم شده اند که عملیاتی شده اند و مقداری هم گاز اورانیوم به آنها تزریق شده است . در دو ماه گذشته ، ایران شمار سانتریفوژها را در نظنز دو برابر کرده است و بنا دارد شمار آنها را تا پایان ماه مه به ۳۰۰۰ سانتریفوژ برساند .

این تعداد سانتریفوژ برای آنکه ظرف یک سال ، اورانیوم را تا حد لازم برای تولید یک بمب غنی کند ، کافی است اگر ایران بخواهد و ماشین ها نیز خراب نشوند .

مؤسسه دانش و امنیت بین المللی واشنگتن در توضیح یادداشت آژانس بین المللی انرژی اتمی ، می گوید : مقدار UF6 ( اورانیوم غنی شده تا حد لازم برای سوخت اتمی ) ناچیز و آشبارها با فشار پایین کار می کنند . یعنی این که ایران در مرحله آغازین غنی کردن اورانیوم است .

یادداشت که اولی هینونن ، معاون مدیر آژانس تهیه کرده و سه پاراگراف دارد ، همچنین توجیه این اطلاع است که ایران دیگر اجازه بازرسی در کارخانه تولید آب سنگین را به بازرسان آژانس نمی دهد . این کارخانه در دست ساختمان و قرار است در سال ۲۰۰۹ کار خود را آغاز کند . هینونن می گوید : توافق بر سر بازرسی از کارخانه آب سنگین اراک میان آژانس و دولت ایران در ۲۰۰۳ به امضاء رسیده است و ایران نمی تواند یک طرفه آن را لغو کند . ایران تا امروز مانع از آن شده است که آژانس دوربین های خود را در

## مناقصه و حراج؟

آژانس می گوید: بعد از ماهها کلنجار رفتن، ایران پذیرفته است ترکیبی از بازرسی اعلان نشده و تدابیر نظارتی به عمل در آید تا که فعالیت تأسیسات نظنز از شفافیت کافی برخوردار شود .

رویتر ( ۲۰ آوریل ) توضیح می دهد چنان آقا زاده احمدی نژاد را تکذیب می کند : احمدی نژاد در ۹ آوریل گفت : مژده می دهم ما ایران وارد مرحله غنی سازی صنعتی اورانیوم شد . اما آقا زاده ، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران توضیح داد که ایران هنوز قادر به سوخت اتمی به اندازه کافی نیست .

ما وارد مرحله صنعتی شده ایم اما برای آنکه یک واحد صنعتی بزرگ داشته باشیم که بتواند برای نیروگاههای هسته ای ما ، سوخت تولید کند، هنوز چند سالی زمان لازم است .

از گفتگو و چشمک دیپلماتیک زدن و دعوت احمدی نژاد از بوش به گفتگوی دو به دو تا تهدید به حمله نظامی :

### \* گفتگوهای سولانا لاریجانی:

در ۲۱ آوریل ، آسوشیند پرس از بروکسل گزارش کرد که سولانا و لاریجانی، در ۲۵ آوریل ، دیدار و گفتگو می کنند .

در ۲۵ آوریل، این دو در آنکارا دیدار و گفتگو کردند . آن را مثبت ارزیابی کردند و قرار بر دیدار و گفتگوی دیگری در دو هفته بعد گذاشتند .

لاریجانی در پاسخ خبرنگار رویتر که از او پرسیده است : آیا پیشرفتی حاصل شده است ؟ گفته است : بله . سولانا نیز گفتگوها را سازنده توصیف کرده است .

یک دیپلمات اروپایی که نخواستند نامش برده شود به رویتر گفته است : پیشنهادی با ایران در میان گذاشته شده است که غنی سازی را متوقف کند بدون اینکه به شکست تعبیر شود . سولانا قصد دارد لاریجانی را تشویق کند تعلیق دو جانبه را بپذیرد . ایران غنی سازی را معلق کند و شورای امنیت مجازات ها .

یک مقام بلند پایه امریکا می گوید : امریکا با غنی سازی محدود و یا ایجاد کنسرسیوم در داخل ایران موافقت نخواهد کرد .

دیپلماتهای نزدیک به آژانس بین المللی انرژی اتمی می گویند : هنوز چندین سال باید بگذرد تا ایران بتواند غنی سازی اورانیوم را بمقیاس صنعتی انجام دهد .

### \* چشمکهای دیپلماتیک و ابراز آمادگی برای گفتگو :

در ۲۲ آوریل، امریکا از گفتگوی کمیسر امور خارجی اروپا با ایران استقبال کرد . پیش از آن، بوش، رئیس جمهور امریکا ، گفته است :

بازگشایی باید از سوی دو طرف صورت پذیرد. نباید اجازه داد بدخواهان دو کشور از آب گل آلود ماهی های خود را بگیرند. چیزی که روشن است، آینده این مناسبات است. سالیان درازی است از گذشته سخن رانده ایم، اینک زمان مناسبی برای ساخت آینده ای بهتر است .

انقلاب اسلامی : بدین قرار ، در بخشی از رژیم، بی قراری مشاهده می شود . این بخش از رژیم نیز به این نتیجه رسیده است که بحران سازی و تشدید تنش با امریکا، تنها بکار بخش سرکوب گر رژیم می آید و این بخش ایران و حقوق آن را قربانی قدرتمندی خود می کند .

در ۲۹ فروردین ، آفتاب گزارش کرده است : یک عضو فراکسیون اقلیت مجلس با اشاره به دیدار روز چهارشنبه بیش از یکصد تن از نمایندگان با رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به ما گفت: آیت الله هاشمی رفسنجانی در این دیدار تکرانی خوش را درباره تشدید دشمنی های بین المللی علیه ایران در بحران هسته ای و تحریم های شورای امنیت، عدم اجرای صحیح سیاست های اصل ۴۴ و افزایش هزینه های جاری دولت بیان کرده است .

آقای هاشمی نسبت به آینده پرونده هسته ای ایران تکرانی داشت و پیامدهای مربوط به تحریم علیه کشور را نامناسب دانست .

به گزارش ایلنا ( ۲۹ فروردین ) ، به نقل از خبرگزاری فرانسه، تونی بلر در کنفرانس ماهانه خبری خود در لندن، از نبود مذاکرات منطقی با ایران انتقاد کرد و گفت: برغم موضع تند تهران، لندن آماده برقراری روابط متفاوت با ایران است. مایل هستیم ایران از تهددات بین المللی خود پیروی کند اما اگر تهران خواستار روابط متفاوت است، ما آماده هستیم. بسیار شرم آور است که نتوانیم مذاکرات بهتر و منطقی تر با دولت ایران داشته باشیم، بنابراین اگر ایرانی ها مایل باشند، ما آماده مذاکره هستیم .

### \* احمدی نژاد از بوش دعوت به گفتگوی دو جانبه می کند :

در ۲۳ آوریل ، به تلویزیون العالم گفته است : از رئیس جمهوری امریکا، آقای ژرژ بوش دعوت به گفتگوی مستقیم و دو جانبه می کنم .

سال پیش من به او پیشنهاد کردم مناظره تلویزیونی کنیم . و اکنون به او پیشنهاد می کنم گفتگوی دو جانبه و مستقیم کنیم در باره مسائل فی مابین و نیز مسائل منطقه .

گفتگوها باید با حضور رسانه های گروهی باشند .

آسوشیند پرس توضیح می دهد که با توجه به مخالفت آیه الله خامنه ای با گفتگو با امریکا ، آیا با پیشنهاد احمدی نژاد موافقت پیشگی کرده است یا خیر ؟

حکومت بوش در پاسخ می گوید : ما پیشنهاد کرده ایم دو طرف به گفتگو بنشینند . گوردن جوندرو ، سخنگوی شورای امنیت ملی در کاخ سفید می گوید : بجای مناظره تلویزیونی و نمایش رسانه ای ، امریکا پیشنهاد کرده است گفتگوهای جدی انجام بگیرند . هرگاه ایران خواست جامعه بین المللی را که چند نوبت تکرار شده است بپذیرد و غنی سازی اورانیوم را متوقف کند، ما آماده گفتگو هستیم .

در صفحه ۸



## \* گفتگوهای حکومت بوش با رژیم مافیایا از طریق سفارت سوئیس:

◀ در ۵ اردیبهشت، آفتاب گزارش کرده است: یک مقام رسمی دولت ایالات متحده فاش کرد که این کشور به آرامی در تلاش است تا از طریق کانال‌های دیپلماتیک غیرمستقیم تبادل نظر در خصوص مسائل مختلف با تهران را بیشتر از گذشته سازد، امری که به گفته وی نشان از افزایش حوزه نفوذ «کبوترها» در وزارت امور خارجه آمریکا دارد.

بنا به گزارشی که روزنامه «کانزاس سیتی» روز چهارشنبه آن را منتشر ساخته طی هفته‌های آخر تبادل پیام در حوزه‌های مختلف بین ایالات متحده و ایران از طریق دولت سوئیس به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. سرنوشت شهروند ناپدیدشده آمریکایی در جنوب ایران، اتباع ایرانی بازداشت‌شده در شهر اربیل و اختلافات مالی کهنه بین دو کشور از جمله مسائلی هستند که دیپلمات‌های طرفین طی هفته‌های اخیر به بحث و رایزنی غیرمستقیم در خصوص آن پرداخته‌اند.

یک مقام وزارت امور خارجه آمریکا با تأیید این موضوع به روزنامه مزبور گفته است: «مطمئننا تمایل به استفاده از کانال ارتباطی سوئیس به نسبت سال قبل چند برابر شده است». وی همچنین یادآور شده که وزارت امور خارجه آمریکا پس از انجام حمله نظامی به عراق در سال ۲۰۰۳ تماس‌ها با ایران از طریق سوئیس را به میزان بسیار زیادی محدود ساخته بود.

با این حال آن دسته از مقامات آمریکایی که در جریان مذاکرات غیرمستقیم تهران-واشنگتن قرار داشته‌اند بر روی این موضوع تأکید می‌کنند که هنوز هیچ گفتگویی بین دو طرف بر سر اساسی ترین مسئله مورد اختلاف یعنی پرونده هسته‌ای ایران انجام نشده است. چرا که به اعتقاد آنان این موضوعی است که در انتهای روند مذاکره با ایران و نه ابتدای آن قرار خواهد داشت.

## \* تهدید ایران به جنگ هرگاه دیپلماسی به نتیجه نرسد:

◀ ساله مریدور، سفیر اسرائیل در آمریکا، به رویتر (۱۸ آوریل) گفته است: سال جاری را می باید به دیپلماسی اختصاص داد. اما در صورتی که دیپلماسی به نتیجه نرسد، انتخابی جز انتخاب نظامی نمی ماند. تهران دارد تکنولوژی غنی سازی اورانیوم را مهار می کند و می تواند بمب اتمی بسازد. لذا، دولت‌های بزرگ می باید جلوگیری کنند. ما بشدت بابت فعالیتهای اتمی ایران نگرانیم.

◀ سناتور جون مک کین، از حزب جمهوری خواه که نامزد رئیس جمهوری است، آواز مشهور بیج بویز و ترجیح بند «ایران را بمباران کنید» را به آن افزوده و خوانده است.

یک عضو حزب در کارولین جنوبی، از او پرسیده است: چه وقت آمریکا پیامی توسط هواپیمای جنگی به ایران می فرستد؟ سناتور مک کین این پاسخ بس شگفت را به او داده است: بمباران کنید ایران را. و شروع کرده است به خواندن آواز: «بمب، بمب، بمب، بمب، بمب، بمب، بمب!» بعد از

## مناقصه و حراج؟

◀ در جبهه اقتصادی، هدف جنگ اعصاب بی صدائی که ماه ها است آمریکا بر ضد ایران به راه انداخته است، گرفتار خفقان مالی کردن دولت جمهوری اسلامی ایران است.

این جنگ مثل بردن ناوگان به خلیج فارس یا دستگیر کردن دیپلماتهای واقعی یا قلابی ایران در اربیل و... که واشنگتن بخاطر مجبور کردن ایران به ترک رویه خود در موارد پرونده اتمی و عراق، انجام می دهد، نیست. این جنگی بی صدا تر از آن است که صحنه آن از بانکها و مؤسسات مالی بین المللی تشکیل می شود. هدف این جنگ جلوگیری از رفتن سرمایه های بظرف ایران است.

• سیاست تنگ کردن حلقه مالی که از پائیز ۲۰۰۶ شدت گرفته است را مسئولان وزارت خزانه داری طرح کرده و به اجرا گذاشته اند. با الهام از تدابیر متخذ بر ضد کره شمالی، طرح را تهیه کرده اند. در عمل به این نتیجه رسیده اند که اقتصاد ایران، برغم این که یک قدرت نفتی است، آسیب پذیر تر از اقتصاد کره شمالی است.

• استدلال امریکائیا برای آنکه مؤسسات بانکی و پولی را به قطع معامله با ایران وادار کنند، اینست: به اعتبار خوشی لطمه نزنید و منافع خود را در امریکا به خطر نیاندازید آنها بخاطر معامله با رژیمیی که حامی تروریسم بین المللی و مشغول ساختن بمب اتمی است و احمدی نژادش می گوید: اسرائیل را باید از صفحه روزگار حذف کرد. روش کار مأموران امریکائی اینست: بانک یا مؤسسه مالی که نسبت به معامله با ایران مصر است را بیابند و با بسته آوردن و ایجاد احساس شرمساری وادارش کنند از معامله با ایران منصرف شود.

نتیجه بدست آمده گویا موفقیت این روش است. بنا بر قول دیپلماتها و کارشناسان اقتصادی، دیگر هیچ بانک اروپائی حاضر به سرمایه گذاری در ایران نیست.

امریکائیا به بانکها و مؤسسات مالی که در سهامشان در بورس ها خرید و فروش می شوند، مراجعه می کنند. مجازاتیهای اقتصادی مصوب کنگره امریکا را به آنها خاطر نشان می کنند. تحریمهایی دیگری را که ممکن است تصویب شوند، بنا بر این، خطرهایی که در صورت ادامه معامله با ایران تهدیدشان می کند، خاطر نشان می کنند. این روش سخت کارآمد افتاده است. به قول یک دیپلمات فرانسوی در برابر این قدرت چه می توان کرد.

• فرانسه که نخست با این استراتژی مخالف بود اینک که نتیجه را می بیند، با آن، موافق شده است. دلیل اثر بخشی این سیاست تشدید اختلاف میان عمل گرایان و رادیکالها در رژیم ایران، بر سر مقابله با غرب است.

• بسیاری از بانکهای اروپائی، بخصوص کمربانک آلمان و یونیون بانک سوئیس و کردی سوئیس، آسان توسط حکومت بوش قانع شدند که باید معاملات خود را با ایران قطع کنند. بانکهای اروپائی، به میزان های مختلف، از معاملات خود با ایران، کشوری که رئیس جمهوریش منکر هولوکاست است، کاسته اند.

• اما بخصوص شرکت نفت توتال که ایرانیها می خواهند بعنوان طرف معامله خود نگاهش دارند، بر اثر فشارهای

نتیجه خواهند انجامید و این سیاست اتخاذ خواهد شد.

• استوارت لوی، معاون وزارت امور خارجه در امر تروریسم و جاسوسی مالی، در مصاحبه ای در لندن، گفت: «تعدادی» از شرکتهای غیر مالی گفته اند سرمایه گذاریهای خود در ایران را به عقب می اندازند و برخی گفته اند برای مدتی در این باره تصمیمی نخواهند گرفت. من فکر می کنم این رویه، رویه خوبی است. زیرا این شرکتها به ضرورت در این باره که آیا در اوضاع و احوال کنونی می باید در ایران سرمایه گذاری کنند و یا نباید بکنند، تأمل می کنند. برخی از آنها گفته اند: در این اوضاع و احوال ما در ایران سرمایه گذاری نمی کنیم. بسا امیدوارند اوضاع و احوال تغییر کنند.

• لوی علاقه جدی به این امر که کنگره بر ضد شرکتهایی که در ایران سرمایه گذاری می کنند، تصمیم بگیرد، ابراز کرد اما گفت این امر ممکن است برای امریکا، در کشورهای ثالث، مشکل ایجاد کند. هم اکنون ما روی این کشورها کار می کنیم تا فشار مشترک بر ایران وارد کنیم.

• برخی تحلیل گران می گویند: این امر که ایران به توتال ۴ ماه مهلت داد، حکایت از مؤثر شدن فشارهای اقتصادی می کند. ماه مارس مهلت توتال برای سرمایه گذاری ۱۰ میلیارد دلاری در گاز پارس جنوبی به سر رسید.

• شل و ریپوزال در ماه ژانویه یک قرار داد ۴/۳ میلیارد دلاری با ایران امضاء کرده اند. موضوع آن سرمایه گذاری در آخرین فاز پارس جنوبی است. سخنگوی شل گفت: شرکت هنوز یک سال و بیشتر زمان در پیش دارد برای تصمیم گرفتن در باره سرمایه گذاری در نفت و گاز ایران. و کارهای جاری در امور مهندسی و مالی خلاصه می شوند.

## \* امریکا مجازاتیهای جدید اعمال می کند:

◀ در ۲۴ آوریل، اعلان شد که امریکا ۱۴ شرکت و سازمان دولتی را بخاطر معامله ایران، مجازات کرده است. هدف از این مجازات جلوگیری از صدور اسلحه به ایران و سوریه و نیز صدور اسلحه از ایران و سوریه است. این شرکتها چینی و مکزیک و سنکاپوری و مالزیایی و نیز نیروهای هوایی و دریائی سوریه هستند. حکومت بوش بخاطر حساس بودن اطلاعات، حاضر نشد دلیل مجازات این ۱۴ مؤسسه را اظهار کند. تنها گفت: سند معتبر در اختیار دارد حاکی از معاملات غیر مشروع این مؤسسه ها.

قرار گرفتن نیروهای هوایی و دریائی سوریه بخاطر رعایت نکردن ممنوعیت معامله با ایران و نیز قرارگرفتن حزب الله لبنان در فهرست، برای اولین بار است. جز این که حزب الله لبنان بعنوان سازمان تروریستی تحت مجازات بود.

در صفحه ۹

امریکا دیگر اعتبار بانکی لازم برای اجرای قرارداد خود با ایران را ندارد و فعلاً اجرای آن را به حال تعلیق درآورده است.

با آنکه قرار بود اعلام کند، کریستین مارژری تکفت آیا در سال جاری در طرح پارس جنوبی سرمایه گذاری می کند یا نه؟ اگر توتال تن به فشار آمریکا ندهد، برابر قانون مجازات سرمایه گذاری در ایران و لیبی، مجازات خواهد شد. این قانون، در ۱۹۹۶، در دوره کلینتون به تصویب رسید. توتال در ۱۹۹۸، بخاطر سرمایه گذاری در پارس جنوبی، معافیت گرفت. اما این معافیت شامل سرمایه گذاریهای جدید نمی شود. اشتباه و اعتبار توتال در امریکا نیز راه را از پس و پیش بر توتال بسته است. زیرا بر فساد پر اقتضای اجرای مصوب شورای امنیت در باره عراق، همان «نفت در ازای غذا»، اقتضای رشوه پرداختن به قصد بدست آوردن امتیاز بهره برداری از گاز ایران، نیز افزوده شده است.

◀ با وجود این، فایننشال تایمز (۱۹ آوریل) براینست که امریکا در استراتژی به قصد خفه کردن اقتصاد ایران و فشاری که به بانکها و شرکتهای اروپائی وارد می کند تا که در ایران سرمایه گذاری نکنند، با عدم رضایت برخی از نمایندگان کنگره و متحدان اروپائی خود روبرو شده است.

وزارت خزانه داری و وزارت خارجه امریکا مأموران خود را روانه کشورهای مختلف اروپائی کرده است و اینها مأمورند شرکتهای نفتی را از سرمایه گذاری در ایران منصرف کنند. مأموریت آنها اینست که اقتصاد ایران را از سرمایه های خارجی محروم کنند. ایران بخاطر برنامه اتمیش مورد مجازات اقتصادی محدود قرار گرفته است.

• در ۱۸ آوریل، در کمیته تروریسم و عدم انتشار اسلحه اتمی، حکومت بوش به پرسشهای نمایندگان پاسخ داد. براد چرمن از حزب دموکرات مرتب سخنان پل سیمون، یک مقام وزارت خارجه را قطع می کرد و می پرسید: آیا شرکتی خارجی بیشتر از ۲۰ میلیون دلار در صنعت نفت و گاز ایران سرمایه گذاری کرده است یا خیر و اگر آری، مورد مجازات امریکا قرار گرفته است یا نه؟ او همچنین اقدام حکومت بوش را در دادن اجازه ورود به خاویار و فرش ایران و به بانک جهانی اجازه دادن وام بمبلغ بیشتر از ۱ میلیارد دلار را به ریشخند گرفت.

• پیش از آن، مقامات حکومت بوش گفته بودند که با مدیر عاملها و رؤسای ادارات مالی شرکتهای نفتی چون رویال دوچ شل و ریپوزال اسپانیا و شرکتهای نفت و گاز چین و مالزی گشگو و آنها را تشویق کرده ایم از سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز ایران منصرف شوند.

• جون بوتن، نماینده سابق امریکا در سازمان ملل متحد بر اینست که نمایندگان خزانه داری و وزارت خارجه می باید شرکتهای اروپائی را به اعمال مجازاتیهای مقرر در قانون ۱۹۹۶، تهدید و مطمئنشان سازند که در صورت تخلف، این قانون در باره آنها اجرا خواهد شد. او گفت: در اجتماع سران اروپا و امریکا که در ۳۰ آوریل، در واشنگتن تشکیل خواهد شد، گفتگوها در باره سیاستی که در قبال ایران باید در پیش گرفته، به





## \* نیویورک تایمز ( ۲۴ آوریل ) : اروپا مجازاتهای بیشتری را برضد ایران تصویب کرد :

وزیران خارجه اروپا، در ۲۳ آوریل، اجرای قسمت دوم از مجازاتهای شورای امنیت را تصویب کرد. از جمله این مجازاتها هستند صدور اسلحه به ایران و توقیف حسابهای ۲۸ نفری که شورای امنیت رأی به توقیف حسابهاشان داده بود. مجازاتها شامل سفر اشخاص مذکور در قطعنامه و ممنوعیت دادن وام به حکومت ایران نیز می شود. و نیز در همان روز، خاور سولانا کمیسر سیاست خارجی اروپا، گفت: چهارشنبه با لاریجانی در آتکارا دیدار خواهد کرد. امید او اینست که ایران را به رها کردن اجرای برنامه غنی سازی اورانیوم متقاعد کند. دیپلماتهای اروپایی بعید می بینند ایران تن به متوقف کردن غنی سازی اورانیوم بدهد.

## چین نیز گاز ایران را نمی خرد و ایران با یک شرکت اتریشی معامله ۳۰ میلیارد دلاری می کند:

سایت روز ( ۲۳ فروردین ) گزارش کرده است: «رییس هیات مدیره شرکت نفتی «ساینوپک چین» در اظهارنظری غیرمنتظره با اعلام این که قیمت پیشنهادی ایران برای گاز مایع بالاست، از انصراف این شرکت از خرید گاز مایع ایران خبر داد. این بدترین خبری است که در دو سال گذشته در زمینه مسائل اقتصادی به جمهوری اسلامی رسیده و از نظر کارشناسان اقتصادی به معنای آن است که آخرین امید دولت احمدی نژاد برای مقاومت در برابر فشارهای جهانی نقش بر آب شده است. معامله صد میلیارد دلاری فروش گاز ایران به چین که قرارداد بزرگ ۲۵ ساله ای بود در فاصله یک سالی که از انعقاد آن می گذرد همواره مستند روزنامه هائی مانند کیهان بود که اعلام می داشتند تحریم های آمریکا و شورای امنیت بی فایده است. از سوی دیگر این قرارداد بسیاری از مخالفان دولت فعلی را واداشته بود که اعلام دارند دولت باید در بستن این گونه قراردادها که نوعی باج برای شکستن حلقه محاصره اقتصادی کشور محسوب می شود رعایت نسل های آینده را بکند. به زبان دیگر حق ندارد منابع متعلق به نسل های آینده را در مجادله فعلی به حراج بگذارد.

خبر تکان دهنده ای که رییس هیات مدیره شرکت نفت چین اعلام داشت در عین حال تصریح می کرد قیمتی را که طرف های ایرانی برای گاز مایع خود درخواست کرده اند بالاست و چینی ها مدعیند نمی توانند این قیمت را بپردازیم. انصراف غیرمنتظره چین از خرید گاز مایع ایران در شرایطی اعلام شد که وزیر نفت ایران دیروز اعلام کرد تهران در آستانه امضای قرارداد نهایی ۱۰۰ میلیارد دلاری با شرکت «سینوپک» چین برای توسعه میدان نفتی یادآوران و فروش سالانه ۱۰ میلیون تن ال.ان.جی به پکن قرار دارد.

## مناقسه و حراج؟

این توافقات چندان طولانی نبود و تنها چند ماه به طول انجامید و با اراده شرکت ملی نفت و مدیرعامل آن همه چیز به خوبی پیش رفت و از زمانی که مدیرعامل شرکت ملی نفت در ماه فوریه برای مناقسه میادین نفتی ایران در اتریش به سر می برد، توانستیم همکاری خوبی را میان دو طرف توسعه دهیم.

در ۲۴ آوریل، خبرگزاری آسوشیندپرس گزارش کرده است: ولفگانگ روتنستورفر مدیرعامل کمپانی اتریشی OMV، در یک کنفرانس خبری در وین پایتخت اتریش به خبرنگاران گفته است: «ما همواره در انجام قراردادهای تجاری مان تابع قوانین اتریش، تصمیمات اتحادیه اروپا و نیز قطعنامه های شورای امنیت بوده ایم و بالطبع همکاری با ایران نیز مشمول همین رویکرد خواهد بود».

انقلاب اسلامی: همانطور که سخنان دو مقام ایرانی و اتریشی حاکی هستند، هیچ چیز این سه قرارداد معلوم نیست. نه زمان و نه قیمت و نه امتیازهای داده شده به شرکت اتریشی و نه توانائی این شرکت برای اجرای قرارداد. تنها معلوم اینست که ایران نفت و گاز را از راه مناقسه به فروش می رساند و شرکت اتریشی تابع قوانین اتریش و تصمیم های اتحادیه اروپا و قطعنامه های شورای امنیت است!

## \* با وجود ۷۰۰۰ مؤسسه غیر مجاز که فعالیت پولی دارند، بانک مرکزی کجا می تواند بازار پول را مهار و تنظیم کند؟

در ۱۵ فروردین، بانک مرکزی از فعالیت هفت هزار مؤسسه غیربانکی فاقد مجوز این بانک خبر داده است: «با توجه به عدم ابلاغ آیین نامه اجرایی قانون تنظیم بازار غیرمشکل پولی، تاکنون مجوزی از سوی این بانک صادر نشده است. براساس آمار و اطلاعات غیررسمی، حدود پنج هزار صندوق قرض الحسنه، ۱۵۰۰ شرکت تعاونی اعتباری و ۵۰۰ شرکت لیزینگ در حال فعالیت هستند».

## کاهش رشد اقتصادی و سقوط صنعت ایران:

به گزارش کارگزاران ( ۲۸ فروردین )، میزان رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۸۵ به دلیل تغییر سیاست های اقتصادی اکنون در کانون توجه فعالان سیاسی و اقتصادی قرار دارد. روز گذشته خبرگزاری های فارس و مهر دو خبر جداگانه در این باره منتشر کردند.

خبرگزاری فارس خبر داد، بانک مرکزی و وزارت اقتصاد اعلام کرده اند نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۸۵ معادل ۵/۸ درصد است. براساس گزارش دو نهاد اصلی اقتصادی ایران در سال ۱۳۸۵ بخش نفت با ۹ درصد رشد بالاترین رشد اقتصادی را در میان بخش های گوناگون به خود اختصاص داده است که با توجه به قیمت های

آنست. یعنی بقیه اقتصاد می باید رشد منفی کرده باشد تا معدل ۵/۸ در صد شده باشد. توضیح این که «بخش خدمات» نزدیک به تمامی هزینه های جاری دولت است که در سال ۸۵، ۴۵/۵ درصد رشد کرده است. اما این هزینه ها از بطور مستقیم (فروش ارز حاصل از فروش نفت) و غیر مستقیم (حقوق و عوارض گمرکی) و به اعتبار نفت (وامهای داخلی و خارجی) تأمین می شود. با توجه به منابع بودجه و میزان افزایش آن، میزان رشد خدمات دروغ می نماید. زیرا بودجه از درآمدهای مستقیم و غیر مستقیم نفت و کسری است پس میزان رشد خدمات می باید بیشتر از میزان رشد نفت باشد. به احتمال زیاد برای این که جلب توجه نکند، از آن کاسته و به میزان رشد صنعت و کشاورزی افزوده اند.

این به کنار، صنعت نیز دو بخش دارد: بخشی که نفت و گاز مربوط می شود و در واقع جایش در بخش نفت است اما رژیم برای پوشاندن ضعف صنعت و رشد منفی آن، در بخش صنعت قرارش داده است. صنایع پتروشیمی از رشد بالا برخوردارند عمده بخاطر بازار خارجی که دارند:

## \* خالص عایدات غیر نفتی منفی است:

در ۴ اردیبهشت، فرهاد مؤمنی، اقتصاد دان، گفته است: «آیا محاسبه ای توسط نهادهای تخصصی صورت گرفته که خالص عایدات ارزی کشور از محل این نحوه صادرات، مثبت است یا خیر؟ در سال های اولیه دهه ۷۰ مطالعه های ارزشمندی توسط وزارت کشاورزی وقت و همچنین توسط وزارت صنایع وقت گرفت که در هر دو مطالعه نشان داده شده بود که میزان منابع ارزی به کار رفته برای تولید محصولات صادراتی آن بخش ها در مورد بالغ بر ۹۰ درصد محصولات صنعتی و کشاورزی صادراتی، به مراتب بیشتر از درآمد صادراتی آن بوده است».

با توجه به اینکه بعد از آن مطالعه به واسطه پرخوردهایی که با کارشناسان صادق آن دستگاه ها صورت گرفت. شخصا دیگر مطالعه ای از این زاویه مشاهده نکرده ام؛ اما به واسطه شرایط خطیر کنونی کشور و اهمیت ارتقای واقع بینی نظام تصمیم گیری، نیازمند چنین مطالعه ای هستیم و برآوردهای شخصی من نشان می دهد، خالص عایدات کشور از محل صادرات غیرنفتی به شیوه کنونی همچنان منفی است و گویی ما ارز نفت را به گونه ای بسته بندی می کنیم و مجدداً به عنوان صادرات به خارجی ها بازمی گردانیم.

نکته دیگری که در ارتقای واقع بینی مدیریت اقتصادی کشور ضروری است، به ویژه با توجه به رشد بیماری هلندی در کشور، این است که از سال ۸۱، پیمان سپاری ارزی منتفی شد، وقتی پیمان سپاری لغو می شود و از طرف دیگر جایزه ها و تشویق های غیر متعارف برای صادرکنندگان تدارک دیده می شود، زمینه برای افراط در زیاده گویی میزان صادرات غیر نفتی نیز زیاد می شود.

انقلاب اسلامی: بنا بر آمار گمرک، ۲۸/۶ درصد معادل ۶/۱ میلیارد دلار از ارزش صادرات ایران را ارزش فرآورده های پتروشیمی تشکیل می دهد. گمرک ارزش کل صادرات را ۱۶/۳ میلیارد دلار اعلان کرده است. بدیهی است برای بزرگ کردن رقم صادرات، نرخ برابری دلار و ریال را بسیار کمتر از نرخ آن در بازار، در نظر می گیرند. این تقلب و رقم سازی از زمان هاشمی در صفحه ۱۰

بالای نفت در بازار جهانی قابل انتظار بود.

بخش صنعت و معدن اما با رشدی معادل ۴/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ پایین ترین رشد را تجربه کرده است. با توجه به اینکه میانگین رشد صنعت و معدن در سال های اجرای برنامه سوم توسعه ۱۱ درصد بوده است و رشد اعلام شده این بخش در سال ۱۳۸۴ حدود ۸ درصد گزارش شده، می توان ادعا کرد که رشد تولیدات صنعتی در سال ۱۳۸۵ سقوط کرده است. رشد بخش کشاورزی بر اساس گزارش بانک مرکزی و وزارت اقتصاد در سال ۱۳۸۵ قابل توجه و ۷ درصد بوده است.

رشد بخش خدمات نیز ۶/۳ درصد بوده است. اکبر کمیجانی، معاون اقتصادی بانک مرکزی به خبرگزاری مهر گفته است ارقام رشد بخش های اقتصادی و تولید ناخالص داخلی هنوز نهایی نیست. کارشناسان اقتصادی معتقدند تفاوت نرخ های رشد اعلام شده توسط بانک مرکزی و وزارت اقتصاد از بخش های مختلف احتمالاً با تغییرات اندک همان ارقام واقعی اند و می توان با احتمال زیاد همین ارقام را در گزارش نهایی نیز دید.

کارگزاران ( ۲۸ فروردین ) علت سقوط صنعت را اینطور توضیح داده است: پیش بینی رشد ۸ درصد متوسط سالانه تولید ناخالص داخلی در سال های اجرای برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) با این فرض بود که صنعت و معدن نیز باید به طور میانگین ۱۲ تا ۱۴ درصد رشد می کرد. به این ترتیب در سال ۱۳۸۵ صنعت و معدن نه تنها موتور رشد اقتصاد ایران نشد، بلکه به عامل کاهش آن نیز تبدیل شد.

کارشناسان اقتصادی و صنعتی معتقدند کاهش شتاب رشد تولیدات صنعت خودرو و قطعات و مجموعه های این صنعت که در سال های گذشته یکی از عوامل اصلی شتابان شدن رشد صنعت و معدن بود یکی از دلایل سقوط رشد صنعت و معدن است. علاوه بر این می توان حدس زد که قیمت گذاری دستوری برای بخشی از صنایع غذایی مثل صنعت لبنیات و کاهش تعرفه واردات برخی دیگر از رشته های صنعتی مثل قند و شکر و دانه های روغنی و عدم تمایل برای توسعه بنگاه های فعال در این فرایند موثر بوده اند. اگر چه هنوز ارقام ریز واردات ۴۱ میلیارد دلاری سال ۱۳۸۵ اعلام نشده است اما می توان حدس زد که بخش قابل توجهی از واردات را کالاهای صنعتی تشکیل داده اند که به ضد انگیزه تبدیل شده و به کاهش رشد صنعت و معدن کمک کرده است.

وقتی با افتخار اعلام می شود ارزش داد و ستد ایران و چین در سال قبل به ۱۰ میلیارد دلار رسیده باید منتظر چنین سقوطی نیز بود. انقلاب اسلامی: در درصد های رشد بخش های مختلف تأمل کنید تا اندازه گستاخی دروغ سازان را بدست آورید: بخش نفت ۹ درصد + بخش صنعت ۴/۵ درصد + بخش کشاورزی ۷ درصد + خدمات ۶/۳ درصد = ۲۶/۸. این رقم را بر ۴ که تقسیم کنیم، میانگین رشد می شود ۶/۷ درصد. از چه رو میانگین رشد اقتصاد شده است ۵/۸ درصد؟! تازه این دروغ، دروغ بزرگ تر را می پوشاند. در حقیقت، رشد بخش نفت اولاً فروش ثروت کشور یا رشد فقر کشور است و ثانیاً بقیه اقتصاد تابع



رفسنجانی بدین سو، معمول شده است. اما صادرات صنعتی از این نوع بوده اند: آهن آلات و فولاد، شمش مس، مصنوعات مسی، روغن - گریس و مصنوعات پلاستیکی و ملامین ۵ قلم عمده کالاهای صادراتی بخش صنعت بوده‌اند. ۴۳/۹ درصد از ارزش کل صادرات بخش صنعت در این مدت به ۵ قلم فوق‌الذکر اختصاص دارد.

انقلاب اسلامی: یعنی صادرات صنعتی عمده صدور مواد معدنی ( آهن آلات و شمش مس و فرآورده های پتروشیمی ( روغن گریس و مصنوعات پلاستیکی و ملامین ) هستند.

این واقعیتها و واقیعت دیگری را که عبارت می شود ، از افزایش مصرف فرآورده های کشاورزی ( = تولید داخلی + واردات ) را رشد بخش کشاورزی خواندن ، دروغ بزرگ دیگری است . چرا که واردات مواد کشاورزی را نمی توان به پای رشد بخش کشاورزی نوشت . و نیز می باید سهم وارداتی را که در تولید صنعت و کشاورزی بکار می روند از آن کاست تا معلوم شود آیا صنعت و کشاورزی رشد کرده و یا نکرده اند . مؤمنی می نویسد : اگر خالص درآمد از واردات را در نظر بگیریم ، منفی است .

بدین سان، اگر نخواهیم به رقمها که صورت سازی هستند بسنده کنیم و بخواهیم از صورت به محتوی و واقیعت عبور کنیم و در واقیعت غور کنیم، وضعیت صنعت و کشاورزی کشور را سخت اسفبار می یابیم و در می یابیم چرا کارگران برای دریافت مزدهای عقب افتاده خود اعتراضهای دستجمعی می کنند . چرا بیکاری افزایش می یابد ، چرا درآمد نفت و بودجه دولت و واردات سه محور ( در واقع یک محور یعنی نفت ) اقتصاد ایران شده اند .

## ۱۰۲ میلیارد دلار درآمد به جای آنکه نان به سفره های مردم بیاورد، با تورم، نان را از سفره های مردم برد :

◀ کارگزاران ( ۲۸ فروردین ) گزارش کرده است : نحوه رویکرد حکومت نسبت به مدیریت و مدیران و کارشناسان کشور که سبب و ضعف مدیریت کشور شده است ، وضعیتی را بوجود آورده است که ، در آن ، به رغم وجود درآمد های میلیاردی از نفت و گاز، وضعیت معیشتی مردم نمی تواند بهبود بیابد :

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس معتقد است، با وجود درآمد ۱۰۲ میلیارد دلاری نفت و گاز در سال ۸۵ متأسفانه نحوه اداره کشور و ائتلاف زیاد منابع به گونه ای بود که این پول هنگفت تأثیر مثبتی در زندگی مردم نداشت و رفاهی برای آنان ایجاد نکرد .

عبدالله رمضان زاده، سخنگوی دولت هم در پاسخ به اینکه این مبلغ هنگفت چرا اثر مثبتی در زندگی مردم نداشته است، می گوید؛ بهبود وضعیت مردم صرفاً به منابع مالی حاصل نخواهد شد بلکه به یک سیستم منسجم و کارآمد نیاز دارد. به گفته وی، مصرف ارزی نفت در سال گذشته ۱۷ تا ۱۸ میلیارد دلار بوده، اما نرخ رشد اقتصادی کشور زیر چهار درصد بوده است .

قائم مقام دبیرکل جبهه مشارکت تأکید می کند؛ دولت نهم از نظر توان مدیریتی یکی از ضعیف ترین دولت های تاریخ ایران است به همین دلیل است که با وجود منابع مالی فراوانی

که از فروش نفت و گاز بدست می آید و دولت نهم ثروتمندترین دولت بعد از انقلاب است اما در وضعیت معیشتی مردم بهبودی حاصل نشده است. رمضان زاده در ادامه به تغییرات مدیریتی در دولت نهم اشاره و خاطرنشان کرد: برکناری وزیر رفاه و تأمین اجتماعی، وزیر تعاون و هم اکنون بحث برکناری وزیر نفت بیانگر آن است که این مجموع مدیریتی اگر ۱۰ برابر منابع مالی در اختیار داشته باشد، رفاه به دنبال ندارد .

## \* تورمی که در سال جاری کمرشکن ترمی شود و علت آن

◀ اعتماد ملی ( ۲۸ فروردین ) این ارقام رسمی را در باره میزان تورم در سال ۸۵ ، به دست داده است :

نرخ تورم در ۱۲ ماه منتهی به بهمن ماه سال ۸۵ نسبت به ۱۲ ماه منتهی به بهمن ماه سال ۸۴ به ۱۳/۱ درصد رسید و متوسط شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در بهمن ماه ۸۵ نسبت به بهمن ماه ۸۴ حدود ۱۷/۶ درصد بوده است. در ۱۲ ماه منتهی به بهمن ماه ۸۵ متوسط افزایش قیمت خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات ۲۲/۶ درصد، پوشاک ۱۰/۷ درصد، مسکن و سوخت و روشنایی ۱۸/۱ درصد، اثاث و کالاها و خدمات خانگی ۱۳/۹ درصد، حمل و نقل و ارتباطات ۷/۸ درصد، درمان و بهداشت ۱۷/۴ درصد و متوسط رشد بهای تفریح و تحصیل و مطالعه ۱۵/۲ درصد بوده است.

انقلاب اسلامی : بنا بر این ارقام ، حتی به روایت ارقام رسمی ، فرآورده ها به همان میزان که بیشتر مورد نیاز و تقاضا هستند، گران تر شده اند . چنانکه متوسط نرخ تورم ۱۳/۱ درصد و اما گرانی مواد خوراکی و آشامیدنی ۲۲/۶ درصد بوده است . و هنوز ، رقمها گویا نیستند . زیرا آشامیدنی ها و دخانیات بهمان نسبت که مواد خوراکی مورد نیاز هستند، مورد نیاز نیستند . به سخن دیگر، مایحتاج روزانه مردم حتی به روایت بانک مرکزی رژیم، از دو برابر نرخ تورم نیز گرانتر شده اند .

◀ آفتاب ( ۲۴ فروردین ) گزارش کرده است : معاون وزیر اقتصاد دولت خاتمی با یادآوری این مطلب که رشد نقدینگی در مدت زمان مسئولیت دولت نهم، دو برابر رشد نقدینگی ای است که از ابتدای خلق پول تا سال ۸۳ در اقتصاد ایران پدیدار شده تأکید کرد سیاست های انبساطی دولت احمدی نژاد به عنوان عامل اصلی این رشد بی رویه شناخته می شود.

دکتر «سعید شیرکوند» در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی آفتاب خاطرنشان کرد: رشد نقدینگی در پایان سال ۱۳۸۳، ۶۳ هزار میلیارد تومان بود این رقم از سال ۸۳ تا پایان سال ۸۵ به رقم ۱۱۵ هزار میلیارد تومان رسید که دو برابر میزان رشد نقدینگی از ابتدای خلق پول در ایران است.

وی در بیان علت رشد فزاینده نقدینگی در این مدت گفت: سیاست های انبساطی دولت، کسری بودجه و هزینه های جاری و عمرانی که در این دو سال از محل افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی صورت

## مناقسه و حراج؟

گرفت موجب شد تا وضعیت رشد نقدینگی اینگونه شود.

شیرکوند درباره استفاده دولت از ذخایر ارزی بانک مرکزی نیز توضیح داد: از آنجا که دولت نتوانست در این مدت دلارهای نفتی را به فروش برساند این دلارها توسط بانک مرکزی خریداری و معادل ریالی آن به خزانه تزریق شد. کسری بودجه ای که دولت در این مدت به علت برخورد گشاده دستانه خود با هزینه ها داشت از این محل تأمین و موجب این میزان رشد نقدینگی در کشور شد.

استاد اقتصاد دانشگاه تهران در ارتباط با تأثیر رشد نقدینگی در اقتصاد کشور گفت: مطالعات اقتصاد ایران، حکایت از آن دارد که هر زمان نقدینگی در کشور افزایش یابد نرخ تورم نیز افزایش می یابد. البته در این قانون رابطه یک به یک وجود ندارد یعنی امکان دارد تمام تأثیر رشد نقدینگی در یک سال بر روی نرخ تورم خودنمایی نکند و به سال بعدی منتقل شود.

شیرکوند ادامه داد: بر این اساس نرخ تورم در سال ۸۶ بسیاری بیشتر و نگران کننده تر از سال ۸۵ خواهد بود. این اقتصاددان با اشاره به روند رو به کاهش تورم در زمان مسئولیت دولت خاتمی تأکید کرد: آنچه بسیار اهمیت دارد ادامه سیر صعودی رشد نقدینگی و نرخ تورم در سال ۸۶ است که اقتصاد کشور را به تنگنا می کشاند.

وی در پایان با اشاره به بودجه های انبساطی که در دولت نهم تنظیم شده است گفت: متأسفانه دیدگاه آقای احمدی نژاد بر این باور استوار بود که همه مشکلات کشور با تزریق منابع ریالی برطرف می شود، این باور در این مدت کوتاه تنها عدم ثبات اقتصادی، رشد نقدینگی و افزایش نرخ تورم را برای کشور به ارمغان آورده است :

◀ در ۲۶ فروردین ، بنا بر گزارش مرکز پژوهش های مجلس ترمی ۲۳ درصدی و رشد نقدینگی ۴۰ درصدی اقتصاد ایران را در سال جاری تهدید می کند.

سید کاظم دلخوش، ممبر کمیسیون اقتصادی مجلس مافیاها ، در گفت و گو با ایسنا، گفته است: بازار حکایت از گرانی های افسارگسیخته دارد. او می افزاید: اگرچه اقتصاددانان مرکز پژوهش ها و بانک مرکزی به لحاظ نظریه های اقتصادی با یکدیگر اختلاف نظر دارند ولی آنچه که در سطح بازار کالا و خدمات کشور در حال اتفاق است، حکایت از گرانی های افسارگسیخته و رشد نقدینگی بسیار بالا دارد. سید کاظم دلخوش، رشد نقدینگی ۴۱/۲ درصدی و نرخ تورم ۲۳/۴ درصدی در سال جاری را نگران کننده خوانده و می گوید: بانک مرکزی، نرخ تورم و میزان رشد نقدینگی را همواره براساس میانگین نرخ فهرست کالایی خودش، اعلام می کند ولی مرکز پژوهش های مجلس و دیگر مراکز آماری در آماری که اعلام می کنند گستره بیشتری از کالا و خدمات را مبنا قرار می دهند.

## رژیم سیاست محور کردن مصرف را با شدت بیشتری اجرا می کند :

◀ به گزارش آفتاب ( ۲۹ فروردین ) : سیاست های مداخله گرانه دولت نهم در بازار یعنی «کاهش قیمت ها از طریق واردات زیاد» عملاً جهت تخصیص منابع را به سمت مصرف تغییر داده است.

به اعتقاد اغلب تحلیل گران، با آن که بخش بازرگانی خارجی ایران در سال های اخیر به علت افزایش قیمت نفت و توان مالی برای واردات رشد بالایی داشته است اما دولت در سیاست های اقتصادی خود از این توانایی به ضرر تولیدکننده کرده است.

دکتر بیژن بیدآباد، اقتصاددان در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی آفتاب درباره سیاست های اقتصادی دولت در ارتباط با واردات و کنترل گرانی ها گفت: دولت نهم در مدت مسئولیت خود از دلارهای نفتی به ضرر تولیدکنندگان استفاده کرده است. در مواردی که قیمت کالاها گران می شود دولت تحت پوشش سیاست تنظیم بازار اقدام به واردات و توزیع کالا کرده و سود تولیدکننده را به جیب مصرف کنندگان می ریزد. نتیجه ایست که

## \* قرصه خارجی ایران سال به سال کمتر یا بیشتر می شود ؟:

◀ مجموع بدهی های خارجی ایران در سال جاری با یک میلیارد دلار کاهش به ۲۰ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار می رسد.

بگزارش ایسنا ( ۴ اردیبهشت ) واحد اطلاعات اکونومیست در گزارش ماه مارس خود با عنوان " Country Forecast March 2007" برآورد کرد که مجموع بدهی های خارجی ایران در سال ۸۵ معادل ۲۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار بوده که بالاترین میزان طی دهه کنونی است.

پیش بینی شده است که بدهی های خارجی از سال جاری روند نزولی به خود بگیرد، به طوری که انتظار می رود در سال جاری این شاخص به ۲۰ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار و در سال آینده به ۱۸ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار کاهش یابد که به ترتیب ۸،۵ و ۶،۴ درصد تولید ناخالص داخلی است.

در سال ۸۸ بدهی های خارجی کشورمان با کاهش یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلاری معادل ۱۶ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار یا ۵،۳ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد بود که تداوم روند نزولی منجر به ثبت بدهی خارجی برابر با ۱۵ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار برای کشور در سال ۸۹ خواهد شد.

سال ۹۰ سالی است که رقم ۱۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار برای بدهی خارجی کشور پیش بینی شده که معادل چهار درصد تولید ناخالص داخلی است.

این در حالی است که موسسه معتبر بیژنس مانیاتور در گزارش خود عنوان کرده که بدهی های خارجی ایران در

سال جاری یک میلیارد دلار افزایش می یابد.

موسسه تحقیقاتی بیژنس مانیاتور در گزارش سه ماهه دوم ۲۰۰۷ خود آمارهایی منتشر کرده که نشان می دهد بدهی های خارجی ایران در سال ۸۴ معادل ۲۴ میلیارد و ۲۶۰ میلیون دلار بوده که این شاخص در سال گذشته به ۲۲ میلیارد و ۲۳۰ میلیون دلار (۹،۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی) کاهش یافته است.

بنا بر این اعلام از سال جاری بدهی های خارجی روند صعودی به خود خواهد گرفت به طوری که در سال ۸۶ افزایش یک میلیارد دلاری بدهی های خارجی کشور را به ۲۳ میلیارد و ۷۲۰ میلیون دلار خواهد رساند که ۹،۵۴ درصد تولید ناخالص داخلی است.

مجموع بدهی های خارجی ایران طی سال های ۸۷ و ۸۹ به ترتیب به ۲۵ میلیارد و ۹۵۰ میلیون دلار و ۲۷ میلیارد و ۷۴۰ میلیون دلار خواهد رسید که ۹،۳۷ و ۸،۲۴ درصد تولید ناخالص داخلی است.

کشور در سال ۸۸ شاهد افزایش یک میلیارد دلاری بدهی های خارجی به ۲۸ میلیارد و ۷۸۰ میلیون دلار خواهد بود که معادل ۷،۰۴ درصد تولید ناخالص داخلی است.

تداوم روند صعودی بدهی های خارجی در سال ۹۰ نیز مشاهده خواهد شد و در این سال بدهی های برابر با ۲۹ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار برای کشور به ثبت خواهد رسید که نسبت به سال ۸۵ در حدود هفت میلیارد دلار و نسبت به سال ۸۱ در حدود ۱۷ میلیارد دلار افزایش نشان می دهد. در این سال بدهی های خارجی ۵،۹۸ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد بود.

انقلاب اسلامی : خبرها و اطلاعات فصول پیش می گویند که نمی توانند بر رژیم اثر نگذارند و گروه بندی ها را در برابر یکدیگر قرار ندهند :

## صف بندیها در درون رژیم - صف آرائی ها در شورای شهر تهران - جبهه سازی و « پل پیروزی » و...

## گزارش از ایران : بهای سنگین ماندن احمدی نژاد بر کار :

## \* جلسه هاشمی رفسنجانی با طرفداران خود :

◀ جلسه ای از طرفداران هاشمی تشکیل شده و او نیز در این جلسه حاضر بوده است . این جلسه غیر از جلسه ایست که با ۱۰۰ « نماینده » و تعدادی دیگر تشکیل شد و در باره آن، روزنامه اعتماد ملی نوشت : نمایندگان در صفحه ۱۱



با هاشمی رفسنجانی در مورد این مسائل گفتگو کرده اند:

- نگرانی از تشدید دشمنی های بین المللی با ایران

- نگرانی از تحریم های شورای امنیت - عدم اجرای صحیح اصل ۴۴ قانون اساسی . و

- افزایش هزینه های جاری دولت . اما در جلسه ای که میان طرفداران هاشمی و خود او و فرزندان تشکیل شده است به این نتایج رسیده اند:

• اول اینکه حکومت احمدی نژاد باید هرچه سریعتر ساقط شود . زیرا ادامه حیات این حکومت منجر به هزینه های بسیار سنگینی را روی دست کشور می گذارد .

• دوم اینکه خامنه ای باید اختیار بیشتری به مجمع تشخیص مصلحت بدهد تا این مجمع بتواند در مسائل مهم کشور نظارت و دخالت بیشتری داشته باشد .

• سوم باید در قم مرجعی را که زمینه دارد تقویت کرد . از قرار منظورشان آیت الله صافی است .

صافی به خاطر نفوذی که در قم دارد و در جریان حمله به خانه آیت الله منتظری نیز تنها کسی بود که با تلفن به دفتر خامنه ای او را تهدید کرد که اگر همین الان دست از تجاوز به بیت او تکیه به شدت موضع خواهم گرفت و نیز بخاطر نزدیکی او به خمینی و مقبولیتش در رژیم ،

دارای آن موقعیت هست که موقعیت لازم را پیدا کند و اگر بنا بر انتخاب رهبر جدید شد، بتوان او را برگزید .

• در آن جلسه، برنامه عمل در انتخابات آینده مورد بررسی قرار گرفته است . قرار شده است در ابتدای کار، ۱ - در حد امکان ،

قالیباف را در تهران بر سر کار نگه دارند و ۲ - به حمایت ظاهری از خاتمی و کروبی بپردازند تا همگان را بر ضد احمدی نژاد بسیج کنند .

• در آن جلسه، بحث بر سر آن بوده است که با گروههای سنتی هم دیگر نمی شود کار کرد . از جمله در مورد گروه مولفه گفته اند که این گروه هر وقت نیاز به همراهی داشته ایم، پشت سر ما را خالی کرده است و دیگر نمی شود روی این گروه حساب کرد .

• در این جمع تصمیم بر این گرفته شد با مذاکره با برخی از نمایندگان بتوانند جو مجلس را به دست بگیرند و مانع از حرکت های دیگر احمدی نژاد شوند .

البته چند روز بعد محدود کردن احمدی نژاد را در مجلس مورد بررسی قرار دادند و تا حدی توی ذهن او زدند و این اولین گامی بود که بعد از آن جلسه و بعد از آن دیدار نمایندگان با هاشمی رفسنجانی برداشته شد و حال باید منتظر تحرکات جدیدی بر ضد احمدی نژاد بود .

گروه طرفداران هاشمی تلاش دارند تا برای انتخابات آینده با وحدت با گروه کروبی و خاتمی ضربه سختی به خامنه ای و باند احمدی نژاد بزنند به همین دلیل از حالا در باره انتخابات آینده برنامه گذاری می کنند .

از سوی دیگر ، خامنه ای به جنتی - که پدر خوانده احمدی نژاد است و در کنار مصباح یزدی در جریان تبرئه بسیجیان قاتل کرمان بسیار تلاش نموده است - اجازه داده است دستور شروع کار گروه ویژه بررسی سابقه نمایندگان و کاندیداهای احتمالی در تهران و شهرستانها را بدهد و به ترتیبی عمل کند که جلوی پیروزی نامزدهای

اتلاف کروبی - خاتمی - هاشمی رفسنجانی ، در انتخابات آینده گرفته شود .

### \* انتخاب شهردار تهران و قالیباف شهردار می شود :

در جریان انتخاب شهرداری تهران هم از همین الان درگیری طرفداران احمدی نژاد و اصلاح طلبان شروع شده است اما به احتمال زیاد خود قالیباف بر سر کار می ماند . البته او هم برای انتخابات آینده ریاست جمهوری تلاش بسیار می کند . ولی اگر خاتمی خود را کاندیدای ریاست جمهوری کند به احتمال زیاد بار دیگر انتخاب خواهد شد .

### \* اصل ۴۴ قانون اساسی در فروش سهام شرکت های دولتی خلاصه می شود و آنها بدین صورت انجام می گیرد :

◀ جریان اصل ۴۴ که به مسخره ترین شکل آن از سوی حاکمان ایران در حال اجرا می باشد با مشکلات و موانع عدیده ای برخورد کرده است . زمانی خامنه ای تلاش نمود با حراج کشور مردم را وابسته به شرکتها کند و بعد احمدی نژاد آمد که این سهام را به خانواده های کم در آمد بدهد و آنها را بار دیگر بیشتر بدهکار کند اما او کلیه شرکت های سود آور و در آمد زا را برای نیروهای سپاه و نیروهای وابسته به خود به صورت انحصار در آورده است و به کسی اجازه دست یابی به آنها را نمی دهد و در عوض با شعار سهام ملی، سهام کلیه شرکت های زیان ده را بین مردم مستضعف قرار است تقسیم کند و هر خانواده ای را که حدود ۴۰ میلیون تومان بدهی گرفتار سازد .

این امر بارها موجب درگیری او با نیروهای دیگر شد که آنها خود نیز برای بردن و خوردن این گونه شرکت ها دندان تیز کرده بودند . در نهایت، « مقام معظم » وارد شد تا میان آنها صلح برقرار کند : بابا این کشور مال شما است با هم بخورید . ولی آنها گوش ندادند . بار دیگر، « مقام معظم » نمایندگان را برای نظارت انتخاب کرد اما نمایندگان او هم کاری از پیش نبردند . در نهایت، قرار شده است که کمیسیون ویژه ای برای امر تشکیل شود تا گند کار رییس جمهوری و باند او و همچنین باند خامنه ای و دیگر مافیاهای بیشتر در نیاید .

جالب است بدانیم که در این میان افراد مستمندی مانند الهام و حداد عادل و ولایتی و ...! در همین مدت کوتاه صاحب میلیاردها تومان از سرمایه های این کشور شده اند .

### \* شکست گروه حامی احمدی نژاد و پیدایش بر خوردها و راه حل احمدی نژاد :

◀ با شکست سخت گروه رایحه خوش که بد بویی آن حتی بینی احمدی نژاد را هم سوزانده بود، دچار تفرقه شده است و احمدی نژاد برای جلوگیری از افشای مسائل پشت پرده آن، افراد تشکیل دهنده را به دور خود

## مناقصه و حراج؟

جمع کرده و بعد از بررسی های بسیار تصمیم گرفته است تا به آنها مقامهای مهمی را به لحاظ اقتصادی بدهد تا بار خود را ببندند بعد از انتخاب رییس ۲۸ ساله به ریاست یک شرکت اتومبیل سازی قرار شده است که فرد دیگر این گروه یعنی واعظ آشتیانی را نیز به مدیر عاملی شرکت سایبا برگزیند و به آنها این فرصت را بدهد که در جریان انتخابات آینده بتوانند به لحاظ مالی حامی گروه او باشند .

### \* آنگیری سد سیوند و خطری که آثار باستانی را تهدید می کند :

◀ آنگیری سد سیوند به دستور رییس جمهوری ایران نشان داد که این کوتوله سیاسی از ایرانیت هیچ بویی نبرده است و به بهانه های گوناگون تلاش دارد تا هر نشان ایرانی را حذف نماید . آب گیری سد سیوند ابتدای کار این نادان است و باید جلوی آب گیری های دیگر را گرفت هنوز بحث آنگیری سد سلمان پارسی مطرح نشده است و همچنین آنگیری سدی در ملایر که آسیب آنها کمتر از سد سیوند نیست .

در جریان آنگیری سد سیوند به دستور احمدی نژاد، واواک ابتدا فهرست تمام گروههایی که احتمال داشت بر ضد این عمل فعال شوند تهدید و آنها را تهدید کرد که در صورت واکنش مجازات خواهند شد . بعد اقدام به این کار نمودند ولی به هر حال دانشجویان در مقابل سازمان میراث رحیم مشاعی تظاهرات کردند اما دیگر کار از کار گذشته بود و آب گیری سد شروع شده بود .

### \* حرف مقام اول حکومت دوتا نمی شود ولو خسارات وارده ده برابر شوند :

◀ احمدی نژاد در جلسه ای گفته است : ساعت کشور را به هیچ وجه تغییر نخواهد داد حتی اگر به کشور ده برابر خسارتی که وارد آمده، وارد آید . بهتر است که نمایندگان هم خود را لوس نکنند . آنها باید بدانند که احمدی نژاد حرفش را تغییر نخواهد داد تا زمانی که زنده است و این برای حکومت یک اصل است که حرف نفر اول آن تغییر نکند .

برای او مهم نیست که نزدیکترین افراد به او، یعنی « وزیر » نیرو و « وزیر » اقتصاد و دارایی بگویند: آقا ما داریم به خاطر تغییر ندادن ساعت سالیانه دهها میلیارد تومان خسارت به کشور وارد می کنیم . زمانی که قرار بود نمایندگان طرح دو فوریتی تغییر ساعت را در مجلس تصویب کنند او به برخی از نمایندگان پاداش هایی را پیشنهاد کرد و نمایندگان خائن به کشور هم کوتاه آمدند و مانع از تصویب دو فوریت آن شدند .

## جبهه سازی برای پیروزی در « انتخابات » مجلس هشتم - استیضاح ۴ وزیر در حال تعلیق - شهردار تهران موضوع صف آرائی ها - سر کوب معلمان و دانشجویان :

### \* دیدار هاشمی رفسنجانی و خاتمی و کروبی بر سر « انتخابات » مجلس هشتم و امور کلی تر !!

◀ نشریه کارگزاران ( ۲۶ فروردین ) خبر داده است : پس از آخرین جلسه اعضای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و اعلام دیدار با شخصیت ها و سران جبهه اصلاحات، رایزنی ها برای ائتلاف در انتخابات مجلس هشتم به منظور تقویت انسجام و یکپارچگی مجموع احزاب و تشکل های اصلاح طلب وارد فاز اجرایی شده است .

در آخرین خبرها اعلام شد، برای سامان دادن بیشتر به جریان اصلاحات قرار است آیت الله هاشمی رفسنجانی و حجت الاسلام خاتمی و کروبی با یکدیگر دیدار کنند و این دیدارها هم صرفا مربوط به انتخابات مجلس هشتم نمی شود و اهداف کلی تری را در پی دارد .

قائم مقام دبیر کل حزب اعتماد ملی با اعلام این خبر گفت: این دیدارها به دنبال احساس ضرورتی است که این افراد احساس می کنند و البته تاکید و اصراری که دوستان اصلاح طلب از چهره های شاخص اصلاح طلبی دارند مزید بر علت است .

حجت الاسلام رسول منتجب نیا با بیان اینکه «عموم اصلاح طلبان تاکید دارند که سه چهره شاخص اصلاح طلب محوریت اصلاحات را برعهده بگیرند و اصلاح طلبان را مدیریت و هدایت کنند» تصریح کرد: اکثریت اصلاح طلبان از خاتمی و کروبی و هاشمی می خواهند که تگذارند پراکندگی و افراط و تفریط در کارها به وجود آید و ما نیز بر این قضیه اصرار داریم .

### \* وقتی هاشمی رفسنجانی نیز به یاد نقش مردم می افتد :

◀ در ۳۰ فروردین آفتاب گزارش کرده است : آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت روز پنجشنبه در دیدار دبیران کل احزاب عضو جنبش اعتدال گرایان، اعتدال را ضرورت در صحنه ارتباطات سیاسی و اجتماعی خواند و تاکید کرد «تفکر اعتدالی و عقلانی نیاز امروز و آینده کشور است» .

این دیدار در شرایطی صورت گرفت که چند روز قبل خبر دیدار حدود ۱۰۰ نماینده با سید محمد خاتمی منتشر شد و رسانه ها اخبار قابل توجهی از نشست های مثلث «هاشمی،

خاتمی، کروبی» منتشر کرده اند. این دیدار همچنین یک روز پس از آن انجام شد که بیش از یکصد نماینده مجلس در ضیافت ناهار رئیس مجمع تشخیص مصلحت پیرامون مهم ترین مسایل روز کشور گفتگو کردند.

هاشمی رفسنجانی با اشاره به این که «اسلام از افراط و تفریط بیزار است و اعتدال از لحاظ دینی به عنوان مسلمات دین است» اعتدال را بعنوان یک ضرورت در صحنه ارتباطات سیاسی و اجتماعی عنوان کرد و افزود: در عرصه بین المللی عده ای تندرو بنام دین اسلام و در جهت منافع دشمنان، اعمالی افراطی را مرتکب می شوند که تأثیرات منفی در گرایش غیر مسلمانان به سوی این دین مترقی داشته است.

تفکر اعتدالی و عقلانی نیاز امروز و آینده کشور است. از دوره حکومت های تحمیلی در گذشته به جایگاهی رسیده ایم که نقش مردم در اداره حکومت روز به روز پررنگ تر می شود و باید با درک این موضوع جامعه را به سمت توسعه همه جانبه هدایت کنیم.

مهم ترین راه رسیدن به نظر مردم در اداره حکومت، انتخابات است و شکل گیری فضای که مردم بتوانند آزادانه نظرات خود را بیان کنند بدون حضور احزاب قوی و موثر امکان پذیر نیست. هاشمی رفسنجانی همچنین با اشاره به رشد و نفوذ ابزارهای اطلاع رسانی در دنیای معاصر ، گفت : در این حالت آگاهی مردم به طور روز افزونی افزایش می یابد و به همین دلیل حقوق خود را راحت تر به دست خواهند آورد.

### \* یکدست شدن دولت ستیزهای درونی « اصول گرایان» را آشکار کرد و به جریان انحلال آنها شتاب بخشیده است:

◀ نشریه کارگزاران ( ۲۶ فروردین ) خبر داده است : پس از آخرین جلسه اعضای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و اعلام دیدار با شخصیت ها و سران جبهه اصلاحات، رایزنی ها برای ائتلاف در انتخابات مجلس هشتم به منظور تقویت انسجام و یکپارچگی مجموع احزاب و تشکل های اصلاح طلب وارد فاز اجرایی شده است .

در آخرین خبرها اعلام شد، برای سامان دادن بیشتر به جریان اصلاحات قرار است آیت الله هاشمی رفسنجانی و حجت الاسلام خاتمی و کروبی با یکدیگر دیدار کنند و این دیدارها هم صرفا مربوط به انتخابات مجلس هشتم نمی شود و اهداف کلی تری را در پی دارد .

قائم مقام دبیر کل حزب اعتماد ملی با اعلام این خبر گفت: این دیدارها به دنبال احساس ضرورتی است که این افراد احساس می کنند و البته تاکید و اصراری که دوستان اصلاح طلب از چهره های شاخص اصلاح طلبی دارند مزید بر علت است .

حجت الاسلام رسول منتجب نیا با بیان اینکه «عموم اصلاح طلبان تاکید دارند که سه چهره شاخص اصلاح طلب محوریت اصلاحات را برعهده بگیرند و اصلاح طلبان را مدیریت و هدایت کنند» تصریح کرد: اکثریت اصلاح طلبان از خاتمی و کروبی و هاشمی می خواهند که تگذارند پراکندگی و افراط و تفریط در کارها به وجود آید و ما نیز بر این قضیه اصرار داریم .



انقلاب اسلامی: بدین قرار، از دست آوردهای تحریم انتخابات، یکی شدت گرفتن ستیزها زورپرستان و شتاب گرفتن جریان تجزیه و انحلالشان است.  
نمونه زیر گویا است:

**\* احمدی نژاد و طرفداران: به قیمت ائتلاف با اصلاح طلبان نمی گذاریم قالیباف شهردار شود:**

◀ آفتاب ( ۲۴ فروردین ) در باره «انتخاب» شهردار تهران گزارش کرده است: برای شناخت دقیق آرایش سیاسی شورای شهر تهران به نظر می رسد که اعضای شورا را باستی در چهار گروه مختلف تقسیم بندی کرد:

- گروه اول: حامیان قطعی احمدی نژاد متشکل از «پروین احمدی نژاد»، «خسرو دانشجو» و «حمزه شبکی»
- گروه دوم: حامیان قطعی قالیباف متشکل از «مرتضی طلابی»، «رسول خادم» و «معصومه آباد»
- گروه سوم: حامیان قطعی اصلاح طلبان متشکل از «معصومه ابتکار»، «احمد مسجد جامعی»، «محمد علی نجفی» و «هادی ساعی»
- گروه چهارم: آرای میانه متشکل از «مهدی چمران»، «حسن بیادی»، «حبیب کاشانی»، «عباس شیبانی»، «علیرضا دبیر»

متاسفانه اغلب تحلیل هایی که در ماه های اخیر از آرایش سیاسی شورای شهر تهران در رسانه ها منتشر شده، ناشی از توجه صرف به لیست های انتخاباتی ۲۴ آذر بوده. این در حالی است که لایه های گسترده می تواند به تحولاتی مهم در گرایش های اعضای شورای شهر تهران بینجامد. هم اکنون اخبار آشکار و پنهان مستندی از مذاکرات جدی حامیان دولت با مثلث «بیادی، کاشانی و چمران» به گوش می رسد که برخی از اظهارنظرهای اخیر این گروه و سایر گرایش های سیاسی را می توان در این راستا ارزیابی کرد. اظهارات از سر اطمینان برخی از سایت های حامی حکومت نیز ناشی از همین مذاکرات است تا آن جا که گفته می شود چمران از آمادگی ذهنی لازم برای حمایت از نامزد محمود احمدی نژاد برخوردار شده است. منابع آگاه شورای شهر تهران همچنین خبر می دهند که «علیرضا دبیر» در مذاکرات خود با دو ائتلاف اصلاحات و حامیان قالیباف همچنان در حال بررسی بیشتر است. بدین ترتیب، رویکرد نهایی «شیبانی» که ظاهراً در دوره گذشته نیز با لایه های گسترده به قالیباف رای داده بود، در هاله ای از ابهام به سر می برد.

در شرایطی که شواهدی جدی از «احتمال» گردش مثلث «بیادی، کاشانی و چمران» به سمت دولت وجود دارد، آرای اصلاح طلبان از اهمیتی فراتر از حد تصور برخوردار خواهد بود. اختلافات شدید حامیان احمدی نژاد و قالیباف با یکدیگر که دورنمای ائتلاف این دو گروه را تیره ساخته است نیز از دیگر دلایلی است که ۴ رای اصلاح طلبان در شورای شهر تهران را به آرای طلایی مبدل ساخته است. تا آن جا که گفته می شود یکی از حامیان دولت تاکید کرده است حتی به قیمت ائتلاف با اصلاح طلبان نیز حاضر به حمایت از قالیباف نخواهد

**مناقصه و حراج؟**

اصلاح طلب در پای صندوق های اخذ رای انتخابات اخیر بوده اند، لیست اسامی آنها به صورتی در اختیار سازمان های فوق قرار گرفته است.

**\* سرکوبها: دانشجویان و معلمان و زنان و واکنشها:**

◀ نمونه ای از سرکوب دانشجویان: در ۲۶ فروردین، ۱۵ نفر متحصنین دانشگاه بابل که سه تن از آنها در اعتصاب غذا بودند، با یورش نیروهای امنیتی و درگیری آنها با دانشجویان متحصن که در دانشگاه تنها بودند، ربوده شده و به مکان نامعلومی منتقل شدند. خانواده های دانشجویان دستگیر شده روز دوشنبه در برابر دانشگاه اجتماع کرده و خواهان آزادی دانشجویان شده اند ...

- ۱- علیرضا کلارستانی
- ۲- هومن شریفی
- ۳- عمید مشرف زاده
- ۴- علی احمدی
- ۵- مهدی شریفان نسب
- ۶- علی تقی پور
- ۷- ضیاء نوایی
- ۸- سعید یعقوبی نژاد

گفتنی ست در ساعت ۹ شب گذشته یک پراید سفید با ۳ نفر از نیروهای امنیتی لباس شخصی یکی از دانشجویان این دانشگاه را در محله همت آباد ربوده و مورد ضرب و شتم و بازجویی قرار داده اند. و پس از مدتی وی را در جاده محمود آباد رها کرده اند.

همچنین خبر رسیده است که خانواده ی دانشجویان ربوده شده روز دوشنبه در برابر دانشگاه اجتماع کرده اند. محیط دانشگاه بابل هم اکنون مملو از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی ست و فعالیت دانشگاه عملاً به حالت تعلیق در آمده است.

**\* در همان حال که برای جلوگیری از شهردار شدن قالیباف، مافیای احمدی نژاد حاضر به ائتلاف با اصلاح طلبان است، اصلاح طلبان را از دستگاههای دولتی تصفیه می کند:**

◀ در ۱ اردیبهشت، آفتاب خبر داده است اخیراً، برخی از فعالان ستاد انتخاباتی ائتلاف اصلاح طلبان در انتخابات دروه سوم شوراهای شهر و روستا که در سازمان ها و ادارات دولتی مشغول به کار هستند، به «هیات های گزینش» سازمان های خود فراخوانده شده و به صورت مکتوب یا شفاهی به آنها اطلاع داده شده که قرارداد همکاری ایشان دیگر قابل تمدید نخواهد بود.

به گزارش آفتاب، این اتفاق در شرایطی رخ می دهد که این افراد بعضاً دارای سابقه کار چندین ساله در همان اداره یا سازمان بوده اند و هیچ دلیل مشخصی هم برای اخراج این افراد به آنان ارائه نشده است. هنوز درباره این مسئله که اسامی اعضای ستاد ائتلاف اصلاح طلبان در انتخابات شوراها چگونه در اختیار برخی سازمان های دولتی قرار داده شده و آنها برای فسخ قرارداد خود به هیات های گزینش فراخوانده شده اند، اطلاع چندانی در دست نیست اما گفته می شود به علت اینکه این افراد همگی از ناظران و نمایندگان کاندیداهای

شاهرودی، «رئیس قوه قضائیه» نسبت به آن این واکنش را اظهار کرده است: در ۳ اردیبهشت، خبرگزاری انتخاب گزارش کرده است: رئیس قوه قضائیه ایران به برخوردهای اخیر نیروی انتظامی با زنان و جوانان اعتراض کرد.

طرح مبارزه با بد حجایی که از نخستین روز اردیبهشت ماه از سوی نیروی انتظامی به اجرا در آمده است با مخالفت های گسترده ای روبرو شده است.

او در اولین گردهمایی استانداران سراسر کشور گفت: "همه مسئولان و دستگاه ها باید از مدل های روز دنیا در برخورد با آسیب های اجتماعی بهره گیرند و به دنبال بومی کردن این مدل ها در داخل کشور باشند."

آیت الله شاهرودی خواستار اعتدال دستگاه های مسئول شده و افزود: "در برخورد با این آسیب ها باید نهایت دقت صورت گیرد. ما باید سیاست خود در برخورد با این آسیب ها را پیشگیری از وقوع این آسیب ها قرار دهیم تا درمان آن. خیلی اوقات برخوردهای شدید جواب عکس می دهد. هم قضات و هم بخش های اجرایی به خصوص نیروی انتظامی باید دقت کنند تا در تب و تاب برخورد، کاری نشود که نتیجه عکس دهد.

البته باید با برخی جرایم نظیر جرایم سازمان یافته، اشرار و مافیای برخورد سخت صورت گیرد اما اگر در مواقعی که می توان فردی را به کلاتری ها و پاسگاه های انتظامی نبرد، نباید پای وی را به کلاتری ها کشاند. کشاندن پای زنان و جوانان به کلاتری غیر از ضرر اجتماعی منفعتی ندارد.

انقلاب اسلامی: وضعیت آموزش و پرورش که وزیر آن تهدید به استیضاح می شود، گویای جنگ دیگری است که رژیم مافیای با رشد ایرانیان می کند. احمدی نژاد در فارس گفته است دانشگاهیان بکاری نمی آیند! تحقیق ژاله وفا شما را از چگونگی جنگ رژیم با دانش و رشد آگاه می کند:

**ژاله وفا**

**مشکلات کمی و کیفی آموزش و پرورش ایران در قرن ۲۱ - بخش ۱۳**

در ۳ شماره قبل ۲۱ سوال از ۳ دانش آموز و پاسخهای آنان را بدین سوالات در زمینه وضعیت مدارسشان و نحوه تدریس نقل و ارزیابی کردیم. اکنون به بررسی وضعیت ورزش در مدارس ایران و نیز مساله عدم آموزش مسائل جنسی در مدارس ایران و تبعاتش می پردازیم.

در کشورهای پیشرفته از لحاظ ورزش در دنیا، صاحب نظران ورزش اعتقاد دارند جامعه سرمایه گذاری در امر ورزش را باید از آموزش و پرورش شروع کند. و یکی از اهداف و برنامه های راهبردی تربیت بدنی بایستی تدوین نظام استعداد یابی ورزشی و استفاده از روش های علمی نسبت به شناسایی و انتخاب دانش

آموزان مستعد جهت حضور موفقیت آمیز آنها در صحنه های ورزشی بین المللی باشد. از این رو ملاحظه می گردد که در این قبیل کشورها با جدی گرفتن درس ورزش در مدارس، قهرمانان آینده ورزشی کشورشان در دوران کودکی و نوجوانی مورد شناسایی قرار می گیرند و زمینه های رشد آنها از سطح دبستان و دبیرستان مهیا می گردد. اما متاسفانه امر ورزش در ایران با وجود سابقه ۸۰ ساله تربیت بدنی در ایران، با چند نقص اساسی روبرو است

یکی از معضلاتی که هم اکنون ورزش دانش آموزی و آموزشگاهی با آن رو به رو است، بی توجهی به امر ورزش در برنامه های اول، دوم و سوم توسعه است که حتی یک کلمه هم راجع به تربیت بدنی و بهداشت مدارس در این برنامه ها نیز قید نگردیده است. به طوری که در برنامه سوم از مواد ۱۴۳ تا ۱۵۴ که مخصوص آموزش و پرورش بوده، در خصوص واحد درسی تربیت بدنی کلمه ای قید نگردیده است. تنها در برنامه چهارم توسعه کشور، این مشکل تا حدودی رفع شده است و در ماده ۱۱۷ این برنامه، جایگاهی برای تربیت بدنی و بهداشت مدارس در نظر گرفته شده است.

با این وجود هرچند لزوم اهمیت به ورزش در مدارس بر روی کاغذ نیز قید گردد، در عمل امر ورزش متاسفانه با چند نقص اساسی روبرو است.

تعداد معلمان تربیت بدنی نسبت به جمعیت دانش آموزی کشور (۱۵ میلیون نفر) بسیار کم است. درس ورزش مدون نیست. نه کتاب دارد و نه معلمان از روی برنامه مدون از قبل مهیا شده ای ۲ ساعت ورزش در هفته را به پیش میبرند.

فقدان وسائل ورزشی و سالنهای ورزشی در حد لازم. سرانه هزینه فضای ورزشی در مدارس نسبت به سرانه استاندار جهانی بسیار کم است.

۵- عامل فرهنگی. بدین صورت که حتی در بین خود دانش آموزان و نیز خانواده آنان اهمیت بایسته به درس ورزش داده نمیشود و نسبت به کمبودهای آن و یا حتی حذف ساعات کم ورزش در مدارس (۲ ساعت در هفته) توسط برخی از معلمان که امتحانات را به آن ساعت موکول میکنند، اعتراضی پیکیر صورت نمی گیرد. گویی در عمق ذهن خانواده های دانش آموزان و حتی معلمان ورزش آگاهی از فواید ورزش آنهم برای کودک و نوجوان ننشسته است. چرا که این فواید رابه گونه ای موثر و به شیوه ای عملی بدانان یاد آور نمیشوند و در هنگامه مواجه با فقدان آن اقدامی اساسی حتی معترضانه نمیکنند و درس ورزش را جدی نمیگیرند.

به استناد آمار، در حال حاضر برای ۱۵ میلیون دانش آموز در ایران، به گفته مدیرکل دفتر فعالیت های ورزشی وزارت آموزش و پرورش (۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۵)، تنها ۲۰ هزار معلم در بخش تربیت بدنی آموزش و پرورش کشور فعالیت می کنند. که ۲ در صفحه ۱۳



برای برگزاری روز جهانی خود و هم طبقه‌ئی‌هایم محکوم کرده‌اند و در عین حال جرات نمیکنند من را به صورتی معمولی احضار کنند. آنها مرا میرایند تا از خشم کارگران و مردم آزاده و از اعتراض در امان بمانند.

در ۲۶ فروردین ۸۶، دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابل امروز ظهر با چیدن ظرف‌های غذای خود از سلف سرویس تا جلوی درب دفتر رییس دانشگاه به اتفاقات پیش آمده اعتراض کردند. دانشجویان بعد از مدتی در دانشکده برق دانشگاه بابل دست به تحصن زدند و برخی کلاس‌های امروز بعدازظهر دانشگاه تعطیل شد.

در ۲۶ فروردین ۸۶، منیژه محمدی وکیل مدافع سه تن از متهمان تجمع معلمان در مقابل مجلس از بازداشت موقت موکلانش خبر داد.

در ۲۶ فروردین ۸۶، محسنی اژه ای «وزیر» واواک توطئه جدید دشمن را برنامه ریزی برای براندازی نرم توسط جنبش‌های گوناگون تحت عنوان «جنبش زنان» و «جنبش دانشجویان» اعلام کرد و از آموزش رسمی چند گروه در این زمینه خبر داد.

در ۲۶ فروردین ۸۶، کرم مرادی کارگر پتروشیمی پل چهر کرمانشاه و یکی از فعالان کارگری این شهر، دستگیر شد. نامبرده که در مجمع عمومی اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در شهر سنندج شرکت کرده بود، هنگام بازگشت به کرمانشاه بازداشت شد.

در ۲۶ فروردین ۸۶، شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران محکومیت یکسال و نیم حبس تعزیری قاسم شعله سعدی را تأیید کرد. قاسم شعله سعدی به اتهام توهین به مقامات، تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به یکسال و نیم حبس تعزیری محکوم شده بود.

در ۲۷ فروردین ۸۶، ساعت ۹:۳۰ سه نفر از ماموران با لباس شخصی به مدرسه راهنمایی "رشد" واقع در منطقه ۷ تهران مراجعه کرده و دو نفر از آنها در حیاط مدرسه مستقر شده و یک از نفر ماموران مستقیماً به کلاسی که "علی اکبر باغانی" در حال برگزاری امتحان از دانش‌آموزان بود، رفته و با نشان دادن برگه‌ای به عنوان حکم جلب، وی را دستگیر کرده و از مدرسه بردند.

علی اکبر باغانی ۲۳ اسفندماه ۸۵ همراه با ۵ نفر از اعضای هیات مدیره کانون دستگیر و روز هشتم فروردین ماه آزاد شده بود.

در ۲۷ فروردین ۸۶، اخبار و اطلاعات دریافتی حاکمیت تعدادی از معلمان از رفتن به سر کلاسهای درس خودداری کرده‌اند و اخباری از منابع خبری نیز از دستگیری تعدادی دیگر از جمله علی اصغر منتجبی، محمدتقی فلاحی، محمدرضا رضایی، سید محمود باقری، علیرضا اکبری، حمید پور وثوق و باغانی، دبیرکل کانون صنفی فرهنگیان گزارش می‌دهند.

در ۲۷ فروردین ۸۶، تعدادی از معلمان شهرستان اسلامشهر در اعتراض به وضع معیشتی و منزلتی معلمان و عدم اجرای قانون نظام هماهنگ پرداخت امروز از رفتن به کلاس‌های درس سر باز زدند.

در صفحه ۱۴

اغلب در کلاس درس سریع از آن رد می‌شوند چون نه استاد آمادگی صحبت از آن را دارد و نه دانشجویان آمادگی پذیرش این مطالب را. باید توجه داشت که آموزش بهداشت جنسی چنانچه با مفاد صحیح، در جایگاه حساب شده و از طریق درست ارائه نشود چندان موثر نخواهد بود و دید جامعه را نیز نسبت به این گونه آموزش‌های حیاتی در جامعه منفی خواهد کرد.

انقلاب اسلامی: بیشترین قربانیان تجاوزها به حقوق انسان از دانشجویان و زنان و معلمان هستند:

## زنان و دانشجویان و معلمان و کارگران قربانیان تجاوزهای رژیم به حقوق انسان:

در ۱۲ آوریل ۲۰۰۷ (۲۳ فروردین ۸۶) محمود صالحی به گاری رایدر نوشته است: روز دوشنبه ۹ آوریل در محل کارم، یعنی شرکت تعاونی مصرف کارگران سقز، مشغول انجام وظایفم بودم که یکی از فرماندهان حفاظت اطلاعات نیروهای انتظامی سقز در ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه به وقت ایران وارد شد و گفت که آقایان فرماندار و دادستان می‌خواهند تا در مورد مراسم اول ماه مه سقز با من مذاکره کنند، از آنجا که این شخص بارها شخصا به محل کارم آمده و مرا برای مذاکره با کاربدستان دعوت کرده بود دچار هیچ شکی نشدم و همراه وی رفتم. وقتی به آنجا رسیدم متوجه شدم که نه دیدار با فرماندار و دادستان مطرح است و نه مسئله مراسم اول ماه امسال. در آنجا یکی از کاربدستان قضائی حکم دادگاه تجدید نظر را به من شفاها اعلام کرد که طی آن به یک سال حکم تعزیری در زندان و سه سال حکم تعلیقی محکوم شده‌ام. من به شیوه فریبکارانه دستگیری خود اعتراض کردم و آن را مخالف شان انسانی دانسته و از امضا کردن آن خودداری کردم. من هم گفتم که این حکم باید به دست وکلایم برسد یا از طریق مامور ابلاغ به در خانه ام آورده شود بعد از تفتیش بدنی من را به سرعت از دادگاه بیرون آورده و سوار ماشین کردند و با سرعت سرسام آوری ربودند. بعد از چند ساعت متوجه شدم که به زندان مرکزی سنندج برده می‌شوم. آنها به این ترتیب اجازه ندادند تا من با همسر عزیز و بچه‌های نازنینم خدا حافظی کنم و حتی اجازه ندادند داروهایم را بردارم. بدون شک خبر دارید که یکی از کلیه‌های من از کار افتاده و کلیه دیگری در حال از کار افتادن است و بدون آن داروها و مداوای مداوم جانم در خطر خواهد بود. این در عرف انسانی چه معنایی دارد؟ آنها من را صرفاً به خاطر تلاش

## مناقصه و حراج؟

جنسی و چگونگی مراقبت از خود در این موارد دچار اختلالات روانی میشوند. در گذشته که زندگی اجتماعی جوانان خصوصاً دختران جوان محدود به محیط خانواده بود، این نوع مسائل توسط مادر به دختر و یا پدر به پسر توضیح داده میشد و همین کافی بنظر میرسید. اما امروز که زندگی جوانان گسترده تر گشته بهمان نسبت نیاز آنها به آگاهی از مسائل جنسی نیز بیشتر شده است.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) اولین اقدام طرح آموزش بهداشت بلوغ جنسی برای دختران دانش آموز در مدارس راهنمایی استان لرستان شروع شده است (به چه مناسبت تشخیص داده شده است که پسران نیازمند آموزش جنسی نیستند، امری است که مسئولان آموزش و پرورش رژیم حاکم باید پاسخگو باشد!) دانش آموز مقطع راهنمایی آموزشهای لازم برای ورود به دوره بلوغ را فرا میگیرند. هدف این طرح "ایجاد اعتماد به نفس، پیشگیری از انحرافات اخلاقی و آشنایی دختران با مسایل بلوغ جنسی" عنوان شده است.

طبق گزارش ایرنا محمد علی محبی، مسئول مشاوره عمومی سازمان آموزش و پرورش استان لرستان گفت: "در این طرح علاوه بر دانش آموزان، اولیا و معلمان آموزشگاه‌ها نیز با مسایل بلوغ جنسی در دختران و بیماریهای مترتب به آن آشنا میشوند." پیداست که هنوز سال‌ها طول کشیده و خواهد کشید تا مسئولان نظام ولایت فقیه در برابر آسیب‌های اجتماعی از موضع «انکار» دست بردارند!

آگاهی نوجوانان از آنچه که در پیش دارند و یا خطرهایی که ناشی از عدم آگاهی آنها را تهدید میکند، امری مفید و بخردانه است. اما قبل از آنکه نوجوانان از آن بی‌بهره بمانند والدین و محیط خانواده را از باورهای غلط پاک کرد و به آنها نیز آموزشهای کافی را داد و همزمان نیز می‌تواند نوجوانان پرداخت. در واقع قدم اول در آموزش بهداشت جنسی باید در خانواده برداشته شود. بدین صورت که پدر و مادر در پاسخ به سئوالات کودک خود روراستی پیشه را کنند و از گفتن جملاتی چون "بزرگ میشوی خودت میفهمی!" خودداری کنند. ۲- سیستم آموزشی باید طوری طراحی شود که کودک را به سادگی و با توجه به رشد جسمی اش با بهداشت جنسی فردی و ارتباط جنسی با دیگران آشنا نماید. این آموزش باید از دبستان آغاز شود. در اینجا اشاره به نحوه آموزش آموزگاران این واحد درسی را نیز باید در نظر گرفت. ۳-

جهت تدوین و تالیف منابع درسی در زمینه بهداشت جنسی حضور تیمی از متخصصان الزامی است. در این گروه باید جمعی از روانشناسان یا روانپزشکان، پزشکان، آموزگاران شرکت داشته باشند. چرا که بسیاری از معلمان بیولوژی حتی از گفتن آناتومی بدن هم طفره می‌روند چه برسد که بخواهند در مورد سکس و عشق نیز برای دانش آموزان توضیح بدهند. حتی در سطح دانشگاهها نیز به گفته دکتر سیدکاظم فروتن، دبیر کنفرانس علمی مشکلات جنسی و خانواده، متأسفانه خیلی کم‌رنگ به بحث در باره مشکلات جنسی پرداخته می‌شود و

جنسی عملی نادرست و "غیراخلاقی" به شمار می‌رود. در اینگونه جوامع گفته می‌شود که آموزش مسائل جنسی "چشم و گوش بچه‌ها" را پیش از هنگام باز می‌کند، و آنها را برای خلاف و انحراف آماده می‌سازد. برعکس، در آموزش و پرورش نوین، آموختن مسائل جنسی امری ضروری است که برای حفظ سلامت جامعه و تأمین یک زندگی جنسی سالم و آگاهانه لازم است.

از آنجا که نظام ولایت سعی در انسداد روابط سالم اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان بویژه بین دختران و پسران دارد و جهت ایجاد جدایی بین این دو جنس از محیط خانواده گرفته تا مدرسه و دانشگاه و محیط کار و حوزه عمومی زندگی اجتماعی و شهری دست به برخورد‌های سرکوبگرانه زده و با ایجاد دیوارهای فیزیکی و غیرفیزیکی سرد و یکسو سعی در کنترل و تعطیلی این مناسبات دارد، ابعاد گسترده این مناسبات همچنین سطح و عمق نیازهای فیزیکی، طبیعی و در جای خود انسانی جوانان کشور، در سطح ملی مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد و اذهان معطوف به راه حل یابی‌های مبتنی بر شرایط سنی و جنسی و اجتماعی و فرهنگی نگشته، امیال و نیازهای انسانی و طبیعی جوانان در قالبهای رسمی فر و کوفته میگردند.

از اینرو عدم پاسخگویی به نیازهای جنسی جوانان و تعطیلی رسمی و آشکار این رابطه میان دو جنس، از کودکی تا بزرگسالی اغلب منجر به ازدواج‌هایی ناموفقی می‌گردد که بدون شناخت از روانشناسی دو جنس از یکدیگر صورت گرفته و نیز فاقد میدان گسترده انتخاب از بین گزینه‌های متعدد می‌باشد. و وقتی این روابط بدون کوچکترین آگاهی و بعنوان عکس العمل در مقابل زور حاکم سامان می‌یابند، آنطرف سکه خواه نا خواه سعی و آزمون بسیار و وقوع فراگیر روابط جنسی بدون مسئولیت خواهد بود. این قبیل روابط اغلب منجر به تولد کودکی میگردد که قوانین غیر انسانی حاکم نیز حقوق انسانی وی را مرعی نمیدارند. بخش اعظم امور فوق را میتوان ناشی از فقدان آموزش‌های جنسی در ایران دانست.

۳ دانش آموزی که مورد پرسش اینجانب در این زمینه قرار گرفتند در پاسخهای خود بدرستی اشاره کرده بودند که فقدان تجربه فردی و اجتماعی و عدم شناخت دو جنس از روحیات، اندیشه، احساسات، آمال، تمایلاتشان از یکدیگر چه جدایی عمیقی بین دو نیمه جمعیت کشور به بار می‌آورد.

هم اکنون مشکلات جنسی بخش تاریک زندگی‌های زناشویی در جامعه ما است. نه مسئولان حاکم و نه زنان و نه مردان از مشکلات جنسی حرفی نمی‌زنند و کمتر مراکز تخصصی و مورد اعتماد برای مراجعه مردم وجود دارد. وقتی کارشناسان اعلام می‌کنند ۱۰ درصد مردان دچار ناتوانی جنسی اند و ۴۰ درصد زنان در زندگی زناشویی از اختلالات جنسی رنج می‌برند به این معنی است که درد مرموزی و سانسور شده ای در خانواده‌ها وجود دارد.

هستند بسیاری از دختران و پسرانی که تنها بعلت عدم آگاهی از مسائل

در صد آنها نیز حق التدریسی هستند. به عبارت دیگر در حال حاضر آموزش و پرورش با کمبود ۸ هزار معلم تربیت بدنی روبروست. به سخن روشتر برای ۱۳۰ هزار مدرسه موجود در ایران فقط ۲۰ هزار معلم ورزش وجود دارد. یعنی به ازای هر هفت مدرسه، تنها یک معلم ورزش وجود دارد.

تنها در سال ۸۴ برنامه درس تربیت بدنی، در ۴۰ مدرسه راهنمایی و متوسطه دخترانه و پسرانه کشور، به عنوان اولین سال اجرای آزمایشی، تدریس شده است.

همچنین دکتر "مصطفی قنادها" سرپرست معاونت تربیت بدنی و تندرستی وزارت آموزش و پرورش اعتبارات تربیت بدنی و تندرستی وزارت آموزش و پرورش را در بخش‌های اجرایی و عمرانی در سال جاری ۵۰۰ میلیارد ریال ذکر کرد و سرانه ورزشی دانش‌آموزی را پنج هزار ریال (۵۰۰ تومان یعنی معادل قیمت ۵ بسته آدامس!) ذکر نمود.

بگزارش خبرگزاری مهر در ۱۷ اردیبهشت ۸۵ در حالی که سرانه فضای آموزشی بر مبنای استاندارد جهانی ۲/۵ مترمربع برای هر دانش آموز است، در کشور ما این میزان ۰/۲ مترمربع می‌باشد. این امر نشان می‌دهد سهم دانش آموزان ایرانی از فضاهای ورزشی مدارس ۲۱ برابر کمتر از حد متعارف است. بنا بر شواهد موجود و براساس اذعان برخی مسئولان، در بسیاری از مدارس و به ویژه در مدارس غیرانتفاعی، فضای ورزشی وجود ندارد و به دلیل هزینه بالای اجاره سالن‌های ورزشی، مدیران این نوع مدارس ترجیح می‌دهند دانش آموزان زنگ ورزش را با سرگرمی‌های دیگر سپری کنند.

پرویز دانایی رییس گروه تربیت بدنی و تندرستی سازمان آموزش و پرورش خراسان رضوی در مصاحبه با ایرنا معتقد است: "سرانه فضای ورزشی دانش‌آموزان در این خریان رضوی چهار سانتیمتر مربع است! وی همچنین افزود در طول برنامه چهارم توسعه برای تحقق حداقل سرانه فضای ورزشی معادل یک مترمربع فضاهای روباز و سرپوشیده در هر سال به ۸۰ میلیارد ریال اعتبار نیاز داریم."

در واقع زمانی که تنها برای واردات دارو ۶۰۰ میلیون دلار یارانه در کشور هزینه می‌شود، صرف اعتبار بیشتر برای ورزش به ویژه ورزش دانش آموزی که به عنوان زیر ساخت ورزش کشور مطرح است، نباید محل اشکال و مورد شک و تردید باشد.

در ایران به تنوع رشته‌های ورزشی در سطح مدارس کمتر توجه میگردد و معمولاً دو ورزش کم هزینه و در عین حال جذاب فوتبال و والیبال تقریباً همه جنبه‌های مختلف ورزش مدارس و حتی رشته‌های دیگر ورزشی را در سطح مدارس تحت الشعاع قرار داده اند. همچنین کمبود و گاه فقدان امکانات ورزشی مهم ترین مشکلی است که همه به آن اذعان دارند. و در پاسخ ۳ دانش آموز نمونه که در ۳ شماره قبل این نوشتار درج شد نیز بدان اشاره گردیده است.

### وضعیت آموزش جنسی در مدارس ایران

آموزش جنسی به کودکان در آستانه بلوغ، از مسائل حساسی است که در جوامع و فرهنگ‌های گوناگون برخورد‌های متفاوتی با آن صورت می‌گیرد. در جوامعی که علقه‌ها و سنت‌های کهن حاکم هستند، طرح مسائل



## مناقسه و حراج؟

در آینده اولویت‌های شما را دسته‌بندی کنیم.

دانشجویان مجدداً شعار «استعفا استعفا» را سر دادند و خواستار استعفای رییس دانشگاه شدند.

در این هنگام یکی از دانشجویان گفت: شما برای برگزاری جشن ثقلین که یکی از جشن‌های مذهبی است، ۳۰۰ میلیون تومان خرج کردید، این در حالی است که وضعیت رفاهی و سیستم سرمایه‌های دانشجویان تنها با ۲۵۰ میلیون تومان قابل حل است.

صحبت این دانشجو با حمایت دانشجویان حاضر در تجمع همراه شد. دانشجویان متحصن در ادامه آزادسازی فضای دانشگاه و جلوگیری از تک‌صدایی دانشگاه را خواستار شدند.

صادقی خاطرنشان کرد: محیط دانشگاه باید محیط تضارب آرا باشد و دیدگاه دانشجویان در یک تعامل علمی و بدون فرقه‌گرایی مورد توجه قرار گیرد و همه فعالیت‌ها باید در چارچوب قانون اجرا شود.

این بخش از سخنان صادقی با شعار «انجمن اسلامی، انجمن اسلامی» همراه شد.

یکی از دانشجویان متحصن به خبرنگار «ایلنا» گفت: مدیریت دانشگاه شیراز شش ماه پیش انجمنی را تحت عنوان «انجمن اسلامی دانشگاه شیراز» راه‌اندازی کرده است و از «انجمن اسلامی اصلی دانشگاه شیراز» خواستند تا نام خود را تغییر دهند و تا زمانی که نام این نهاد تغییر نکند، اجازه فعالیت ندارند.

در ادامه این تحصن، یکی از دانشجویان خطاب به رییس دانشگاه شیراز، گفت: شما حتی اجازه نمی‌دهید انجمن اسلامی فعالیت کند، با این وجود باید هم منتظر چنین برخوردی باشیم.

وی با بیان اینکه اعتراض به جداسازی سرویس‌های حمل‌ونقل دختران و پسران یکی دیگر از درخواست‌های دانشجویان است، گفت: دختران در گذشته امنیت نداشتند.

در ۱۳ اردیبهشت ۸۶، ۱۷۹ زن و مرد بدحجاب در ۲۴ ساعت گذشته در تهران دستگیر شدند.

در ۱۳ اردیبهشت ۸۶، محمدجواد حق‌شناس، مدیرمسئول روزنامه «اعتماد ملی» به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و افترا به شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت احضار شد.

در ۳ اردیبهشت ۸۶، الیاس حضرتی مدیرمسئول روزنامه «اعتماد» به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و افترا به شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت احضار شد.

در ۳ اردیبهشت ۸۶، ۲۴۷ روزنامه‌نگار در نامه‌ای از شاهرودی درخواست آزادی علی فرحبخش را کردند.

در ۴ اردیبهشت ۸۶، شعبه ششم دادگاه انقلاب تهران، نوشین احمدی خراسانی و پروین اردلان از زنان تجمع‌کننده در میدان هفت‌تیر تهران را به تحمل سه سال حبس که دو سال بهود وضعیت رفاهی این دانشگاه، گفت: ما نسبت به وضعیت نامطلوب خوابگاه حساس هستیم و قصد داریم

در ۱ اردیبهشت ۸۶ - پرویز ورجاوند از رهبران جبهه ملی ایران، به شعبه سوم بازپرسی دادسرای کارکنان دولت احضار شد. به گزارش ایلنا، بر اساس احضاریه، ورجاوند باید صبح روز شنبه، هشتم اردیبهشت ماه جاری در شعبه مزبور حاضر و به سوالات بازپرس پرونده پاسخ دهد.

اتهام ورجاوند در این پرونده «تبلیغ علیه نظام» از طریق انجام مصاحبه‌ها و ارائه یادداشت‌هایی به برخی نشریه‌ها. در ۲ اردیبهشت، به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، محمد حسن فلاحی زاده خبرنگار و عضو مرکز پژوهشی دبی و مدیر مسئول سابق اقلام الطلبة و خبرنگار شبکه العالم به جرم تبلیغ علیه نظام و ارتباط با گروه‌های معاند نظام به ۳ سال حبس تعزیری محکوم شد.

همچنین عباس جلیبی تبعه کشور سوئد به جرم تبلیغ علیه نظام به ۴ سال حبس تعزیری محکوم شده است و از نظر جسمی و کهولت سن (۷۰ سال) قادر به تحمل شرایط زندان نیست.

در ۱۳ اردیبهشت ۸۶، پس از ساعت‌ها تجمع و سردادن شعار توسط دانشجویان معترض، رییس دانشگاه شیراز برای دومین بار (بعد از شب گذشته) در جمع دانشجویان معترض دانشگاه شیراز حاضر شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا از شیراز، «محمد صادقی»، رییس دانشگاه دانشجویان اظهار داشت: استعفا برای من شیرین است، اما ممکن است استعفای من قبول نشود. قصد دارم جلسات متعددی را با شما برگزار کنم و اولویت‌های مشکلاتتان را با نظرسنجی از بین خودتان تعیین کنم.

این سخنان صادقی باعث شد تا دانشجویان شعار «نظرسنجی گزینشی» را سر دهند.

رییس دانشگاه شیراز در ادامه در مورد لغو کلیه محدودیت‌های اعمال شده و حساسیت‌های نابجا نسبت به پوشش دختران دانشجویان گفت: یکی از درخواست‌های دانشجویان دانشگاه شیراز بود، گفت: محدودیت‌ها در اختیار ما نیست و ما با محدودیت‌های خارج از چارچوب قانون مخالفیم و سعی داریم تنها قانون را رعایت کنیم. این بخش از صحبت‌های رییس دانشگاه نیز با شعار «سفسطه سفسطه» از سوی دانشجویان پاسخ داده شد.

صادقی در ادامه سخنان خود در مورد ورود مأموران حراست دانشگاه به حریم دانشجویان، گفت: هیچ شخصی حق دخالت در حریم شخصی دانشجویان ندارد.

رییس دانشگاه شیراز، ورود مأموران حراست به خوابگاه‌های دانشجویی به طور سرزده را کار خطرناکی دانست و افزود: این موضوع از دید من اشکال دارد.

دانشجویان در این لحظه شعار «دروغۀ دروغه» را سر دادند.

رییس دانشگاه شیراز در ادامه در مورد بهبود وضعیت رفاهی این دانشگاه، گفت: ما نسبت به وضعیت نامطلوب خوابگاه حساس هستیم و قصد داریم

آقایان مهدی باغبان بفرویی ( دانشجوی کارشناسی برق دانشگاه کرج ) ، امیر باغبان بفرویی ( دانشجوی کارشناسی ساختمان دانشگاه کرج ) ، محمد جعفری ، رضا حیدری ، یوسف اسفندیاری در ۱۵ فروردین سال ۸۶ توسط مأمورین وزارت اطلاعات در شهرستان شاهدشت دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شده اند .

در ۳۰ فروردین ۸۶ - دانشجویان دختر پلی تکنیک اعتراض گسترده‌ای را علیه محدودیت‌های مدیریت دانشگاه در حریم خصوصی و پوشش خود آغاز کرده اند. دانشجویان دختر پلی تکنیک با جمع آوری بیانیه‌ای با امضاء ۷۰۰ نفر از دانشجویان، اعتراض خود را به اعمال سلیقه‌ها و توهین‌های مدیریت و انتظامات اعلام داشته اند.

در ۳۱ فروردین ۸۶، اطلاع حاصل شد که یعقوب یادعلی، نویسنده مجموعه داستان «حالت‌ها در حیاط» و «آداب بی‌قراری» به دلیل بخشی از رمانش و چند دیالوگ در مجموعه داستان نخست اش از ۴۰ روز پیش تا کنون در زندان یاسوج به سر می‌برد.

در ۳۱ فروردین، به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، کیوان ربیعی به این فعالان گفته است: به بند ۷ زندان اوین و در کنار زندانیان عادی با جرایم موارد مخدر منتقل شده است. این در حالی است که وی به دلیل اعتصاب غذا دچار نارحتی در دستگاه گوارشی شده است و باید در بیمارستانی در خارج از زندان معالجه شود.

در ۱ اردیبهشت ۸۶، به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، کمانگیر به همراه علی حیدریان و فرهاد وکیلی در زندان اطلاعات کرمانشاه به طرز وحشیانه‌ای با آب داغ و برق و با چشمان بسته مورد شکنجه قرار گرفته اند. آنها به مدت ۶۵ روز در سلول‌های یک در یک محبوس بوده اند. آقای کمانگیر اکنون به مدت ۳۳ روز است که در اعتراض به بازداشت خود در اعتصاب غذا بسر می‌برد بنا بر این گزارش وضعیت جسمی آقای کمانگیر وخیم می‌باشد و هر لحظه احتمال مرگ وی در زندان وجود دارد.

دادگاه آقایان کمانگیر و حیدریان در اردیبهشت ماه برگزار خواهد شد و آقای وکیلی در بلا تکلیفی بسر می‌برد.

در ۱ اردیبهشت ۸۶، دکتر محمد ملکی به دادگاه انقلاب احضار شد. بنا به احضاریه‌ای که در روز شنبه ۱ اردیبهشت از طرف دفتر معاونت امنیت دادسرای عمومی و انقلاب تهران به دکتر محمد ملکی داده شد، او باید ظرف مدت ۳ روز به این دادگاه مراجعه نماید.

در ۱ اردیبهشت ۸۶ - سردبیر نشریه دانشجویی «دخترانه» گفت: «نشریه‌ی دانشجویی «دخترانه» دانشگاه یزد برای دومین بار به کمیته‌ی ناظر بر نشریات دانشجویی احضار شد. دلایل احضار به کمیته‌ی ناظر بر نشریات دانشجویی مخالفت با احکام، نشر اکاذیب و بی‌توجهی به قوانین هستند.

در ۱ اردیبهشت ۸۶، کمیته تجدید نظر دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، حکم تعلیق شش ماهه فعالیت‌های انجمن اسلامی دانشجویان این دانشگاه را تأیید کرد.

زرکندی پیش تر به اعدام محکوم شده بود. حکم وی روز ۲۰ فروردین ماه در شهر تکاب به اجرا درآمد.

در ۲۹ فروردین ۸۶، دانشجویان دانشگاه لرستان در اعتراض به لغو مجوز برنامه تربیون آزاد صنفی در این دانشگاه تجمع کردند.

در ۲۹ فروردین ۸۶، سردار اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی (با جناب احمدی نژاد)، مأمور سرکوب زنان، گفته است: کسانی که ناجا را به دلیل اجرای طرح امنیت اخلاقی مذمت می‌کنند باید استیضاح شوند و در عین حال خطاب به این افراد، گفت: «شما چه کاره‌اید؟ تا به حال در خواب خرگوشی بودید و حالا بیدار شدید حرف نابجا هم می‌زنید».

در ۲۹ فروردین ۸۶، الناز انصاری، شیرین اردلان و زارا امجدیان سه تن از بازداشت‌شدگان تجمع مقابل دادگاه انقلاب در دادیاری ویژه امنیت دادسرای انقلاب حاضر شدند. اتهامات آنها اخلاص در نظم عمومی، تمرد از دستور مأموران و اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی هستند.

در ۲۹ فروردین ۸۶، جمعی از دانشجویان دانشگاه شهید عباسپور صبح امروز چهارشنبه در اعتراض به حوادث اخیر دانشگاه مازندران تجمع کردند. در این تجمع که در مقابل ساختمان آموزشی این دانشگاه از ساعت ۱۱ تا ۱۲:۳۰ برگزار شد دانشجویان علاوه بر اعتراض به بازداشت برخی دانشجویان دانشگاه مازندران درباره انرژی هسته‌یی، دانشجویان ستاره‌دار و اعتراض به صحبت‌های صورت گرفته درباره جنبش دانشجویی و ... و مطالبات صنفی کارگران و معلمان به بیان مطالبی پرداختند.

در ۲۹ فروردین ۸۶، شعبه ششم دادگاه انقلاب تهران، فریبا داودی مهاجر را به تحمل چهار سال حبس که سه سال آن به حالت تعلیق درمی‌آید و سوسن طهماسب را به تحمل یک سال و نیم حبس تعلیقی و شش ماه حبس تعزیری محکوم کرد.

در ۲۹ فروردین ۸۶، دبیر تشکلات دفتر تحکیم وحدت (طیف علامه) به دادسرای عمومی و انقلاب شهر سبزوار احضار شد. پیش از احضار محمد هاشمی، علی نیکونستی و بهار هدایت دو عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت (طیف علامه) و حامد ایرانشاهی، عضو سابق شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت نیز به دادسرا احضار شده بودند.

در ۳۰ فروردین ۸۶، کمیته دانشجویی گزارشگران حقوق بشر اطلاع داده است: خالد حردانی زندانی امنیتی که هم‌اکنون در زندان رجایی شهر کرج نگهداری میشود، همچنان در اعتصاب غذا به سر می‌برد. به گفته‌ی خانواده حردانی، وی در تماسی با منزل ضمن اعلام این خبر گفته است که تاکنون هیچ یک از مسئولین زندان به خواسته‌های او توجهی نکرده اند. خالد حردانی به اتهام هوایماری از سوی دادگاه به اعدام محکوم شده است.

در ۳۰ فروردین ۸۶، بنا بر گزارشات رسیده ۵ تن از اعضای سازمان جبهه‌ی اتحاد ملی و میهنی در ۱۵ فروردین توسط مأمورین واواک دستگیر شدند.

در ۲۷ فروردین ۸۶، دانشجویان دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه شیراز واقع در داراب، در اعتراض به مشکلات صنفی این دانشکده تحصن کردند.

در ۲۷ فروردین ۸۶، به نقل از دانشجویان دانشگاه مازندران نیروهای ناشناس بدون ارائه هرگونه حکم و یا کارت شناسایی با ورود به داخل دانشگاه سعید یعقوبی نژاد، علی تقی پور، ضیا نبوی که در اعتصاب غذا بسر می‌بردند و همچنین ۱۲ دانشجویی همراه آنها را ربوده و به مکان نامعلومی منتقل ساخته اند. نیروهای ناشناس همچنین با یورش به خانه‌های دانشجویی اقدام به بازداشت تعداد دیگری از دانشجویان کرده اند که هنوز اطلاع مشخصی از وضعیت آنان در دست نیست.

در ۲۷ فروردین ۸۶، از سوی ستاد خبری حفاظت اطلاعات شهرستان همایون شهر با چند تن از فرهنگیان و معلمین معترض تماس گرفته شده و آنان را به ستاد خبری احضار نموده اند. اسامی بازداشت‌شدگان به این شرح است: مجتبی ابطی، عبدالرسول عمادی، نورالله برخوردار و حمید مجیری.

در ۲۸ فروردین ۸۶، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه بابلسر امروز بازداشت شد و دانشجویان این دانشگاه در اعتراض به این موضوع و حوادث دانشکده فنی دانشگاه مازندران بار دیگر تجمع کردند.

در ۲۸ فروردین ۸۶، نسرین ستوده وکیل مدافع تعدادی از فعالان حقوق زنان اظهار داشت: پروین اردلان، نوشین احمدی، مریم میرزا، الناز انصاری، نسرین افصلی و زارا امجدیان که پیش از این در تجمع فعالان زن مقابل دادگاه انقلاب بازداشت شده بودند، به شعبه‌ی ویژه امنیت دادسرای انقلاب احضار شدند.

وی همچنین از احضار بهار هدایت دربارۀ تجمع ۲۲ خرداد میدان هفتم تیر به شعبه ۶ دادگاه انقلاب خبر داد و گفت: همچنین شهلا انتصاری، فریده انتصاری و ناهید انتصاری نیز به شعبه‌ی ویژه امنیت دادسرای انقلاب احضار شدند.

فریده غیرت، وکیل مدافع مرضیه مرتاضی لنگرودی نیز از احضار وی به دادسرای انقلاب خبر داد.

در ۲۸ فروردین ۸۶، بهار هدایت، مسوول کمیسیون زنان و دبیر کمیته‌ی حقوق بشر دفتر تحکیم وحدت (طیف علامه) به شعبه‌ی ششم دادگاه انقلاب احضار شد و فردا باید در این شعبه حاضر شود.

در ۲۸ فروردین ۸۶، اطلاع رسید که در ساعت ۵ بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۷ فروردین ماه عده‌ای از کارگران شهرستان سقز در واکنش به نحوه دستگیری محمود صالحی در مقابل سندیکای کارگران خیابان اقدام به تجمع و تهیه طومار نمودند. این تجمع با حضور نیروهای انتظامی در محل و برخورد با کارگران معترض، به خشونت کشیده شد و با دستگیری چند تن از کارگران تجمع اعتراض‌آمیز کارگران به پایان رسید.

در ۲۸ فروردین ۸۶، جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی سهند تبریز در حمایت از «بیژن صباغ» و سایر دانشجویان بازداشت شده دانشگاه مازندران دست به تحصن و اعتصاب غذای نمادین زدند.

در ۲۸ فروردین ۸۶، یک شهروند کرد اهل تکاب به نام خالد زرکندی اعدام شد. نامبرده در سال ۱۳۸۱ دستگیر و زندانی شده بود. خالد



## سهم ایران از اورانیوم غنی شده فرانسوی و دم خروس

در سال پنجاه و هفت، درست پس از انقلاب، زمانی که هنوز قلمها شکسته بود و زبانها بریده نشده بود، پروژه نیروگاه هسته ای بوشهر از سوی مسئولین وقت رها گشت. دلایل متعددی منجر به این تصمیم شد که اساسی ترین آن را میتوان در سیاست موازنه منفي و عدم وابستگی یافت که فکر راهنمای انقلاب ایران را تشکیل میداد و همچنین دلایلی اقتصادی را نیز میتوان ذکر کرد از جمله:

در روزنامه اطلاعات، ۲۰ دیماه ۵۷، یکماه قبل از پیروزی انقلاب سرنوشت ساز مردم، چنین میخوانیم:

«کارکنان سازمان انرژی اتمی: نیروگاه اتمی به ملت ایران تحویل شده است. معادن اورانیوم قابل توجه در ایران وجود ندارد. انحصاری بودن سوخت اتمی، این را برای همیشه وابسته سیاست صادر کنندگان سوخت قرار میدهد.»

سرمایه گذاری لازم برای تولید هر کیلو وات برق در ایران با استفاده از انرژی هسته ای بالغ بر ۳۰۰۰ دلار، استفاده از انرژی نو پای خورشیدی هر کیلو وات ۱۰۰۰ دلار و بهره گیری از سوخت های فسیلی ۳۰۰ دلار می باشد که مقدار زیادی از سوخت های فسیلی در مخازن تحت الارضی ایران است.

عمر متوسط معین نیروگاه های هسته ای ۲۵ الی ۳۰ سال است به شرط بروز نکردن سانحه در طول این سالها. نظام ولایت فقیه که جهت استقرار، به بحران نیاز داشت، حماقت صدام حسین در حمله به ایران را مغتنم شمرد، هنوز از خاطر نرفته است که آقای خمینی بنیان گذار نظام ولایت فقیه در راستای منافع خویش علیرغم حق صلح که قرآن بر آن تصریح می کند و وجدان بشری که جنگ را نکبت می شناسد، جنگ را نعمت خواند. او، غافل بود که جنگ نکبت است و نه نعمت عاقبت جام زهر را سرکشید. پس از کودتای خرداد ۶۰، در خلال سالهای جنگ فکر گسترش صنایع تسلیحاتی ایران، حتی تا دسترسی به سلاح هسته ای در میان حاکمان جمهوری اسلامی، فکر غالب گشت. در نامه آقای خمینی، در توجیه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ خطاب به مسئولین ارشد سیاسی- نظامی نظام، این فکر هویدا است.

البته فراموش نباید کرد که شاه نیز ایران مسلح به سلاح هسته ای را آرزو میکرد و در این رابطه دو کار انجام داد

۱- کار آشکار: بستن قرار داد با شرکت فرانسوی اوری دیف که بزرگترین موسسه غنی سازی اورانیوم در اروپاست به مبلغ یک میلیارد دلار و خریدن ۱۰ درصد از سهام آن که بر طبق همین قرار داد ۱۰ درصد از تولیدات اورودیف باید در اختیار ایران قرار بگیرد. پس از انقلاب و با رها کردن پروژه بوشهر از سوی حاکمان وقت، تصمیم گرفته شد که ایران کماکان سهام خود در اوریدیف را حفظ نماید. بنا بود که ایران سهم خود از اورانیوم غنی شده توسط این موسسه را در اختیار بگیرد و در جهت حقوق ملی ایرانیان، در شفافیت کامل به بازار عرضه نماید. با توقف مردمسالاری، مستبدین حاکم مطالبات ایران از فرانسه را، در ازای خواباندن پرونده اختلافی بهشتی - حیدری، به فرانسو بخشیدند اما شرکت ایران در اورودیف همچنان بر جاست و ایران کماکان صاحب ده درصد از تولیدات این موسسه است.

۲- طی قراردادی سری (حتی بدون اطلاع آمریکایی ها!) با اسرائیل و اعطای وام یک میلیارد دلاری، سرمایه لازم را در اختیار رژیم اسرائیل گذاشت تا صنایع هسته ای خود را توسعه دهد و نهایتا ایران را نیز صاحب بمب اتم بگرداند (از جمله در خاطرات علم می خوانیم اعلیحضرت ایران را به سلاح هسته ای نیز مجهز خواهد کرد). اسرائیل با پول و سرمایه ملت ایران صاحب بمب اتم شد و یک شاهی هم از وام دریافتی به ملت ایران باز نگشت به جای خود، رژیم اسرائیل امروز با کمال وقاحت مردم ایران را به ریختن بمب بر سرشان نیز تهدید میکند.

اما، مسئولین نظام ولایت فقیه با فرض بر اینکه راست میگویند و واقعا قصد آنها از پروژه هسته ای بکار بردن این انرژی در مقاصد صلح آمیز است اولاً چرا با هرگونه بحث کارشناسی در باره لزوم و یا عدم لزوم این گونه نیروگاه ها مخالفت میکنند (از جمله تقاضای آقایان دکتر شیرزاد و دکتر ملکی و... برای بحث آزاد در مورد اتم) و ثانیاً چرا بجای اینکه جنجال راه بیاندازند و بحران بسازند سوخت مورد نیاز نیروگاه را از فرانسوی ها مطالبه نمیکند؟ چیزی که حق مسلم ملت ایران است این سهام است و تولیداتی که در صورت ممانعت طرف قرارداد از اجرای آن به راحتی میشود در دادگاه های صالحه اقامه دعوا کرد. اما دست اندر کاران جمهوری اسلامی با اصرار غیر منطقی خود به ایجاد مراکز غنی سازی که با توجه به ذخایر اورانیوم ایران که تا حدود ۴ هزار تن تخمین زده میشود و خرجش به دخلش نمی آزد، کمی از دم خروس خود را نشان میدهند و نظر خود را به ملت ایران تحمیل نموده و بلند پروازی های خود را به عنوان خواست عموم مردم ایران وانمود می نمایند. هنوز هم بر مردم ایران معلوم نگشته است که قراردادهای منعقد با شرکت های روسی که این همه هزینه برای آنها در برداشته چگونه و تحت چه شرایطی انجام پذیرفته و سرانجام، یعنی روزی که نیروگاه کامل شود، چه هزینه هایی را در بر خواهد داشت. آقای حداد عادل "رئیس مجلس شورای اسلامی" نیز از سرانجامی که این پروژه دارد مطمئن نیست و به روسها هشدار میدهد که: پایان نیافتن طرح احداث نیروگاه اتمی بو شهر از سوی روسها بر مناسبات اقتصادی دراز مدت تهران مسکو اثر منفي میگذارد» -

خبرگزاری فارس- اما ظاهراً "طرفهای روسی این قرار داد حاضر نیستند به این زودی ها این گاو شیرده را از دست بدهند. بنا بر محاسبات، این نیروگاه، تا کنون چند برابر ارزش واقعی برای ملت ایران خرج برداشته و از این به بعد نیز خواهد داشت. خلاصه اینکه پرونده هسته ای ایران و آنچه مربوط به آن است از نظر مردم پنهان است و هرگونه اظهار نظر حتی کارشناسانه در این مورد فرد را با پرونده ای امنیتی و سر و کار پیدا کردن با دستگاههای امنیتی مواجه خواهد کرد. نکته غم انگیز اینکه نظام استبدادی ایران دم از مردمی بودن هم میزند.

در روز چهارشنبه ۲۵ آوریل خانم رویال یکی از دو کاندیدای راه یافته به مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در جواب سئوالی در باره نیروگاه های اتمی فرانسه، گفت در صورت تمایل و رای مردم به او، فرانسه استفاده از نیروگاه های اتمی را کاهش خواهد داد. و با تعطیلی تدریجی آنها، به تولید تابلوهای مولد انرژی خورشیدی و توربین های بادی مولد برق روی خواهد آورد. وی دلایلی را ارائه داد. از جمله اظهار داشت ذخایر اورانیوم موجود در جهان در صورتی که همین تعداد نیروگاه فعال باشند بیش از پنجاه سال دوام نخواهد آورد و ما موظفیم این

امرا در نظر گرفته و آینده نگر باشیم. علاوه بر این انبار و نگهداری از فضولات ناشی از سوخت نیروگاه ها مشکل و خطر بزرگی است که تا کنون راه حل مناسبی نیافته است. وی استفاده از نیروی خورشید و باد را جانشین مناسبی برای نیروگاه های اتمی دانست و از اینکه فرانسه در این زمینه تاخیر دارد اظهار تاسف نمود. او حتی گفت پروژه نیروگاه اتمی نسل جدید، که مراحل ساخت آن شروع شده است را مورد بررسی مجدد قرار خواهد داد...

حال در کشوری چون فرانسه که فاقد منابع و ذخایر نفتی است و از سویی در زمینه انرژی هسته ای و نیروگاه از پیشرفته ترین کشورهای جهان است لا اقل بخشی از جامعه آن، این نوع انرژی را به زیر سؤال میبرد و در کشور ما که چندین برابر فرانسه روزهای آفتابی داریم و مناطقی از ایران دارای بادهای شدیدی است چه اصرار بر نیروگاه هسته ایست؟ چگونه میشود باور کرد که قصد واقعی آقایان خامنه ای و احمدی نژاد و مافیاهای حاکم بر ایران صرفاً تولید برق برای ملت ستم دیده ایران است؟ چگونه میشود باور کرد که هدف آقایان پیشرفت های علمی در ایران است وقتی آقای احمدی نژاد به رجایی تاسی می جوید و این سخن او را، که ما مکتبی میخواهیم ونه متخصص در فرمولی دیگران میکنند و میگوید: «معلمنا بر اساس مادی گرایی نمی توانیم به نقطه کمال و سعادت حقیقی نزدیک شویم. ما مشکلات فراوانی به خصوص در حوزه مادی داریم، اما درس خوانده های امریکا و انگلیس دواي درد ما نیستند. نمی توان جز مبتنی بر احکام اسلامی حرکت و نوری را مشاهده کرد. من رسماً در اینجا از علما و مدارس علمیه دعوت می کنم که در این باره تحقیق کنند و دولت از اندیشه ها و الگوی های آنها در این زمینه استفاده می کند. ما باید نظام تربیتی مخصوص خود را داشته باشیم.» احمدی نژاد ادامه می دهد: «دولت با همه ابعاد و توان، عقیده دارد و تلاش می کند که فضای مدیریت کشور را به سمت الگوی اسلامی پیش برد. اکنون دوران تئوری های مادی به پایان رسیده است.»

اما ظاهراً دوران "تئوری های مادی" فقط برای قشر آسیب پذیر جامعه پایان یافته و آقا زاده ها و مقامات ارشد نظام و علمای واسطه به نظام و درباری (بیت رهبری)، مصباح ها و طبسی ها و هاشمی ها و... همچنان حق ویژه خود را دارند نگاه کوتاه به چند خبر و فرمایشات فرمانده نیروهای انتظامی، آقای احمدی مقدم تصویر بسیار روشنی از مدیریت الگوی اسلامی ادعایی آقایان را ارائه میدهد که ییلانی سیاه و پر از نا سامانی ها و نا هنجاری های اجتماعی است، بیان شکست بکار گیری زور و سیستم اختناق است:

به گزارش گروه «حوادث» ایسنا، بر اثر مصرف مشروبات الکلی دست ساز مسموم تعداد ۱۲ تن در استان قم جان خود را از دست دادند. همچنین تعداد ۱۰۴ تن نیز از روز سیزدهم فروردین ماه سال جاری مصدوم و راهی بیمارستان شدند. فوت و مسمومیت این افراد ناشی از مصرف مشروبات الکلی تقلبی مسموم بوده و تا کنون در جریان تحقیقات به عمل آمده، ۲۴ تن نیز در این باره دستگیر شده اند که ۲۱ تن آنها مرد و سه تن نیز زن هستند و تحقیقات پلیس از آنان ادامه دارد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، فرمانده نیروی انتظامی در اولین همایش سالانه مدیران مبارزه با مفاسد اجتماعی استان های سراسر ایران، به کشف بیش از ۴ میلیون لیتر مشروبات الکلی در سال گذشته اشاره کرد و آن را بسیار تکان دهنده دانست و افزود: «این در حالیست که این مقدار تنها ۲۵ تا ۳۰ درصد مقدار

مشروبی است که در کشور توزیع می شود». این مقام انتظامی ایران با اشاره به افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان پس از ورود نیروی های نظامی آمریکایی و اروپایی گفت: «امروزه یک میلیون و ۲۰۰ هزار معتاد این آمار به اضافه ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفری است که به صورت تفتنی مواد مخدر مصرف می کنند... فرمانده نیروی انتظامی با تاکید بر این نکته که نسبت به موضوع بدحجابی نباید ساده اندیش بود، افزود: «بدحجابی تبلور محسوس آن چیزی است که در پشت صحنه رخ می دهد و ما از آن غافلیم»....

آقای مقدم شما از خیلی چیزها غافلید اول از همه حق حاکمیت مردم بر سر نوست خویش است که شما و اربابان قدرت مطلقه از آن غافلید. شما غافلید که اغلب آن قشری که فریاد شما را در آورده نسلی است که در سیستم "مدریبت اسلامی" اما در حقیقت مدیریت استسلامی، نشو و نما کرده است اما با این همه هنوز نفهمیده اید که هر کار که با زور همراه باشد نتیجه عکس ببار خواهد آورد. حال شما دوباره چند صباحی یا روسری یا تفسیری را راه می اندازید و به بهانه بدحجابی بجان مردم کوچه بازار می افتید اگر در این ربع قرن این روش نتیجه نداده است مطمئن باشید که باز هم ناکام خواهید شد.

نکته جالب این است که مقامات ارشد نظام ولایت فقیه از یک سو دم از توانایی های دانشمندان ایرانی در زمینه های مختلف از جمله انرژی هسته ای میزنند و هر روز روزنامه ها و رادیو تلویزیون های دولتی از اختراعات و اکتشافات جدید می گویند و می نویسند و آقای احمدی نژاد خود را دانشگاهی و معلم دانشگاه میخواند و از سوی دیگر به بهانه های مختلف دانشگاه و دانشگاهی را با گماردن نالایقها از قبیل عمید زنجانی هاجر دانشگاهها و سخنان سخیفی چون آنچه ذکر آن رفت و تبعیض بین دانشگاهی و حوزوی با نفع حوزوی، تحقیر و حضور نیروهای فشار و بسیج دانشگاهی و ستاره دار کردن و تعلق و ... تهدید میکنند معلمان معترض ضرب و شتم و بازداشت میشوند و... ادعای مردمی دارند ولی کوچکترین اعتراضات مردمی را سرکوب میکنند که آخرین آن بر خورد با اعتراضات مردم آقلید است با اعزام نیروهای ویژه و گردانهای عاشورا و...

آقای احمدی نژاد از یک سو خواسته های به حق فرهنگیان، معلمان و کارگران و دیگر اقشار آسیب پذیر جامعه را سرکوب میکند و از سوی دیگر کمک به ساخت مساجد و خانه علما را کار فرهنگی دولت میخواند. میگوید: «از اوایل انقلاب برخی از اندیشه های انحرافی آگاهانه و از روی برنامه ریزی مطرح شد که یکی از آنها این بود که دولت نباید به مراکز دینی کمک کند چرا که این مراکز دولتی می شوند، ولی به نظر من این حرف غلطی است. مگر می شود دولت اسلامی خود را از حوزه دین بیرون بکشد؟ البته این مساله نیز که روحانیت شیعه تابع دولت باشد امر خوبی نیست.» احمدی نژاد گفت: «قبلاً جایی در بودجه برای مسائل دینی و مراکز آن دیده نشده بود، اما از سال گذشته این مساله در بودجه در نظر گرفته و به استانداردی ها ابلاغ شد. کمک به ساخت مساجد و خانه علما جزء کارهای فرهنگی دولت است.»

impaknejad@yahoo.fr

## گروگانگیری، خیانتی که خمینی آن را

### «نقلاب دوم» خواند - ۵

در آن جریان افرادی مانند موسوی خوئینی ها دادستان بود و عباس عبدی و میردامادی در دستگاه او معاونت و مشاورت داشتند و میر حسین موسوی و حسن حبیبی در آن زمان نخست وزیر و وزیر دادگستری بودند.

میردامادی که از نزدیکان به رهبر می باشد نیز دارای سوابقی طولانی در فراهم آوردن این جو و به کشتن دادن مردم ایران است. او و یاران او در سپاه پاسداران در جریان کشتار فجیع حجاج ایرانی در آن سال از عوامل اصلی بوده اند.

به نوشته بختیاری در این مورد توجه کنید:

«...روزنامه سیاست روز نوشته آقای یوسف بختیاری به نقل از کتاب شنود اشباح صفحه ۲۹۲

عده ای از دانشجویان تند رو که بعداً مشخص شد جناب آقای محسن میردامادی و دوستانش جز این گروه بودند برنامه ای طراحی نموده بودند که بعد از راهپیمایی حجاج که در یکی از میادین مکه به سمت حرم بود داخل حرم شوند و با تصاحب بلندگوی مسجد الحرام شعار مرگ بر امریکا و مطالب دیگر را قرائت نمایند. ... از دادگستری تهران انتظار می رود که گروه تحقیق را برای بررسی مسائل پشت پرده حج سال ۶۶ تشکیل دهند تا روشن شود که چگونه بعضی از آقایان که هم اکنون شعار اصلاح طلبی می دهند در آن سال با حرکت افراطی خویش زمینه ساز آن کشتار فجیع شدند.

● زمینه سازی برای تحکیم استبداد روحانیت که بعد از تسخیر لانه جاسوسی، به قول آنان، زمینه را برای گسترش این عملیات آماده ساخت. برخی از این دانشجویان در مصاحبه هایی که انجام داده اند می گویند که با این عمل خود، آنها انقلاب را از انحراف نجات دادند و به راه اصلی خود برگرداندند. خمینی هم آن را انقلابی بزرگتر از انقلاب اول نامیدند. زیرا بدین «انقلاب»، ملا ساران توانستند با برنامه هایی که پیاده می کردند، دیگران را از صحنه خارج کنند و خود در حاکمیت مطلق قرار گیرند.

مردم ایران به یاد دارند که روحانیت قبل از انقلاب، در میان مردم جایگاه سیاسی نداشتند. احترامی که به آنان گزارده می شد، به خاطر روحانی بودن آنان بود. هر چه به زمان انقلاب نزدیکتر می شدیم، این احترام را بیشتر ابراز می کردند. انقلاب آغاز شد بدون این که هیچیک از روحانیان مردم را به آن خوانده باشند و یا حتی آن را باور کرده باشند. بتدریج که انقلاب پیش می رفت، با توجه به وجود خمینی و طالقانی و منتظری که از بزرگان روحانی بودند، مردم به آنان بیشتر اعتماد می کردند. با وجود این آشکار می کردند که

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اویرو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اویرو لطیف کنید و چک نفرستید، وجه اشتراک را نقد و با پست سفارشی یا به حساب بانک واریز فرمایید.

Nr. 670 30 avril - 13 mai 2007.

درج مقالات الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی نیست و تنها بعنوان بحث آزاد تلقی میگردد

## انسان الگوی اقتصاد؟

● تراحم فعالیتها بعلاوه رقابت ها و تضادها در جامعه بعلاوه تراحم و بلکه تضاد زمان و مکان اجتماعی حال و آینده، مساویست با کوتاهی عمر نیاز و مصرف. جانسین شدن ها که از راه «مد» شدن و از مد افتادن، انجام می گیرد، زاده این تراحم ها و تضادها است. چرا که

● محدود کردن فضای فعالیتها استعدادها و تراحم فعالیتها نیاز به فضاهای غیر واقعی از سویی و به مخدراها از سوی دیگر را روز افزون می سازد. این دو نیاز عرصه بسیار گسترده ای را برای ایجاد انواع نیازها و تغییر ترجیح ها و جانسین کردن نیازها و تغییر کم و کیف فرآورده ها و خدمت ها، پدید می آورد: نیازهایی که بی شمار نیاز می سازند، اینگونه نیازها هستند:

● در جامعه هائی که قدرت، محور و ارزش اول است، برآوردن نیازها رابطه مستقیم پیدا می کند با احساس قدرت کردن و یا موقعیت ممتاز پیدا کردن از راه مصرف. تغییر پذیری بی شمار نمودهای قدرت و کوتاهی زمان علامتها و مدها و حتی مظهرها و، در نتیجه، وسعتی که نیازها و تغییر آنها پیدا می کنند، آدمی را بر آن می دارد انگشت حیرت به دندان گرد. اما احساس قدرت کردن، نیاز به خشونت دارد و خشونت، خود نیاز ساز است. اگر اینهمه در جهان جو خشونت سنگین شده است، بخاطر آنست که پدید آورنده نیازها و در نتیجه برانگیزنده سرمایه گذارها در تولید فرآورده ها و خدمات است. می دانیم که بیشتر از دو سوم تولید بشر مخرب هستند.

● اما انسان، در حالت آزاد، درونی شفاف دارد. استعدادها و فعالیتهاشان نیازهای خود را از فعالیتهاشان در جریان رشد دارند. بنا بر این، نیازها نیز معلوم هستند. اما انسانی که در درون و بیرون مطیع و ولایت طلقه قدرت است، درون و بیرونی مبهم دارد. همین ابهام است که به قدرت سرمایه داری امکان می دهد فراخور فعالیتها سرمایه، نیازها را تغییر و نیازهای جدید را پدید آورد. شدت ابهام کار را به بحران هویت کشانده است و امروز «انسان کیست؟» پرسشی بی پاسخ گشته است.

● ابهام، از جمله، زمینه ای برای استفاده از تبعیض ها برای «گسترش بازار» از راه ایجاد نیاز است. از این تبعیض ها، یکی تفاوت در شکل است. وقتی فرآورده یا خدمت از یک جنس است، رایج ترین روش عرضه ها به شکلهای گوناگون با قیمتهای گوناگون است. برای مثال، کتاب با قطع های متفاوت و کاغذها و جلدهای جوراجور و یا لباس با مارکهای مختلف و...

اما تبعیض های اصلی، تبعیض هائی هستند که مصرف کنندگان میان نیازهای خود قائل می شوند. عامل رجحان دادن را پیش از این شناختیم. در این جا، نه رجحان که تبعیض را مطالعه می کنیم. تبعیض هائی را مطالعه می کنیم که بنا بر سلسله مراتب اجتماعی، نیازهایی را می سازند که فرآورده موقعیتهای اجتماعی مصرف کنندگان هستند. از شناخته ترین این تبعیض ها - که در کشور ما بسا رایج تر نیز هست - تبعیض بسود نیازی است که موقعیت اجتماعی جستن، بوجود می آورد. برای مثال، داشتن تلویزیون اجزاز موقعیت اجتماعی برتری است. لذا، بخاطر خرید آن، از غذای خود می کاهند و پول جمع می کنند تا تلویزیون بخرند. سرمایه داری با ایجاد تبعیض ها، نیازها را بر هم می افزاید. با وجود این، مرزهای تبعیض ها را، تا زمان اشباع، عبور ناکردنی می کند. بعد از اینکه قشر ممتاز سیر شد، آن نوع فرآورده یا خدمت را همگانی می کند.

● تبعیض های نژادی و ملی و قومی و طبقاتی و جنسی و ... و نقش آنها در ایجاد نیازها، نوعی از تبعیض را بوجود آورده است که رابطه میان انسان با نیاز و در نتیجه، رابطه میان انسان با مصرف را تغییر داده است: رجحان دادن به «هم اکنون، همین جا» یکی از مبانی ارزش پول (رجحان نقدینه)، بمثابه قدرت است. این رجحان سبب شده است که پس انداز جای به پیشخور بدهد. بطوری که تمامی جامعه های زمان ما، جامعه های مقروض هستند. تبعیض بسود نسل امروز و نسلهای آینده، با آنکه فرزند و نوه و نتیجه و نیره های نسل امروز هستند، تبعیض دیگری است که فراوانی نیازها و کمی درآمد نسبت به هزینه، توجهش نمی کند. پیش از این، اطمینان مطلق این تبعیض را توجیه می کرد که هر دو شکل اقتصادی سرمایه سالار می دادند: جامعه فردا جامعه ای با اقتصاد وفور خواهد بود. این دو با یکدیگر مسابقه نیز می دادند. اینک بر جهانیان معلوم گشته است جامعه در وفور سراب بوده است، اعتیاد به مصرف، ترس از بیکاری، ابهام شدید بخصوص نسبت به آینده و زبان فریب (افزایش درآمد سرانه امری دائمی است) رجحانها و تبعیض های دیگری را نیز توجیه می کنند. از جمله این تبعیض ها، تبعیضی است که اقتصاد مسلط بسود خود بر قرار کرده است و محل تمرکز سرمایه ها و استعدادها در مقیاس جهان گشته است. با آنکه بخش بزرگی از نیروهای محرکه (بخصوص سرمایه) را از جریان تولید خارج و در انواع قمارها (سوداگریها در بازارهای بورس) بکار می اندازد و یا تخریب می کند، ناگزیر می شود میزان مصرف خود را، به زبان بقیه انسانها، به حداکثر رساند. زیرا نیروهای محرکه ای را که نزد خود متمرکز می کند، جز از راه مصرف نمی تواند بکار گیرد. تبعیض ها، اقلیت ثروتمند جهان را ناگزیر

کرده اند از راه تبعیض در مصرف، موقعیت مسلط خویش را حفظ کند. از این رو است که، از جمله، بسود «نقاط پیشرفته» و زمان حال، از راه جعل نیازها و برانگیختن به مصرف، تبعیض برقرار کرده است. نتیجه این شده است که

● رابطه نیاز با انسان و با محیط زندگی او تغییر کرده است:

انسان و محیط زندگی او تابع نیاز شده اند. تا آنجا که فکر راهنمای غالب و سازگار با سرمایه سالاری این شده است که عامل فعالیت انسان، نیازهای او هستند. وگرنه، انسان «باطبع تبتل است». زبان فریب عقل ها را سخت فریب داده است. چنانکه اندک شمار هوشمندان می پرسند:

بر سر آن واقعیت گرایی و خردمداری که مایه مباحثات کرده بودیم، چه آمده است؟

رابطه انسان و طبیعت با نیاز، رابطه دو واقعیت فعال است با دانش و فن بمثابه وسیله فعالیت و تولید برای نیازها که از رهگذر فعالیت حیاتی بوجود می آیند. نیازها ترجمان این رابطه و رابطه انسان فعال با هدفی هستند که او تعیین می کند. بنا بر این، نیاز خود به خود وجود ندارد. حال چگونه می توان پذیرفت ناموجود موجود را بنده خویش کند؟ حاکمیت نیاز بر انسان آن واقعیت گرایی ساختگی سازگار با انواع سالاریها است که سبب شده است نه تنها انسان و طبیعت ابتکار عمل را از دست بدهند، بلکه با برقرار کردن روابط قوا، قدرت را ایجاد و جانسین انسان و طبیعت کند و این قدرت، در جریان بزرگ و متمرکز شدن خود، نیازهایی را ایجاد کند و به انسانها القاء کند. ارضای این نیازها با ویرانگری انسان و محیط زیست او، میسر میگردد و سبب می شود ما انسانها با تمام توان به خدمت قدرت درآئیم تا مگر درآمد لازم برای ارضای نیازهای خود بیابیم. می توان چشم بر هم نهاد و در ذهن، گستره ای را مجسم کرد که قدرت برای جعل نیازها به دست آورده است و بدست می آورد:

● در حقیقت، با تغییر رابطه انسان و طبیعت فعال با نیاز غیر عقلانی بر عقلانی محاط و حاکم گشته است. وارونه رابطه ای برقرار شده است که ما آن را حالت آزاد توصیف کردیم.

لیبرالها می گویند: عصر ایدئولوژیها بسر آمده است. لیبرالیسم را ایدئولوژی نمی دانند زیرا یک نظام نیست. حقیقت اینست که سالاریهای ششگانه از لیبرالیسم و عقلانی و غیر عقلانی و انواع اسطوره ها، «اندیشه راهنمائی» ساخته اند و بدان، انسانها را به خدمت خود در آورده و به تخریب خود و محیط زیستش گماشته اند. در آنچه به اقتصاد مربوط می شود، نیازهایی که بخش غیر عقلانی می سازد، بیشتر و بیشتر می شوند. جز این نیز ممکن نبود. زیرا در مدار باز مادی (معنوی، نیازهای مادی که برآورده می شوند، استعدادها فراخانی لاکراه را می یابند. حال آنکه عقلانی در بند غیر عقلانی، در حقیقت، حاکمیت قدرت بر خود است. در این حاکمیت، نیازها جز از راه فرآورده های مادی یا شبه مادی (خدمات) برآورده نمی شوند. و از آنجا که قدرت از راه تخریب پدید می آید و

بزرگ و متمرکز می شود، برآوردن نیازها از راه مصرف ویرانگر برآورده می شوند. بدین خاطر است که نیازها که بنوبه خود کارشان نیاز سازی است، پایان ناپذیر و منابع موجود در طبیعت پایان پذیر هستند و زمان به زمان کمیاب تر می شوند. کمیابی روز افزون بنوبه خود کمبود درآمد به هزینه را ببار می آورد. پیش فروش کردن «نیروی کار» و پیشخور کردن و وامدار زندگی کردن و دائم بر وامها افزودن، شیوه زندگی در عصر ما شده است.

● واقعیتها بالا ما را از واقعیتی دیگر آگاه می کنند و آن این که جریان «تفرد» به فرد پایان نمی پذیرد. در درون او، ادامه پیدا می کند. در درون او، جامعه پراکنده ای را بوجود می آورد که هریک از عناصر آن خود یک دستگاه نیاز سازی است. نیازهای پراکنده چون مجموعه ای سازگار را تشکیل نمی دهند، به ترتیبی که گذشت متکثر می شوند و بنوبه خود، درون انسان را میدان تعارض های دیرپا می کنند. فیلسوفی گفته بود: انسان، انسان وارد فرهنگ غرب شد ولی مثل شئی از آن خارج می شود. اما اینک طبیعت و تمامی جانداران در خطر قرار گرفته اند. تا بدانجا که حتی اگر بقیه انسانها از حداقل زندگی چشم پیوشتند و تمامی منابع طبیعت را در اختیار غرب و اقتصادش بگذارند، غرب یا باید به جریانی پایان ببخشد که، در آن، انسانها آلت سرمایه سالاری، در تخریب حیات هستند و یا جریان کنونی به حیات بر روی زمین پایان می بخشد.

● تحت فشار نیازهایی که انسان برای ایجادشان استخدام شده است و نیز، زیر فشار «اگر کار می خواهی مصرف کن!»، انسانها فردهائی شده اند که در درون نیز گرفتار فردیت های متعددی گشته اند. این فردها در برابر استبداد بنیادهای جامعه، بکاری توانا نیستند: این بنیادها، دست کم، سه کار را بطور مستمر انجام می دهند:

۱ - جلوگیری از اینکه انسان صاحب اختیار خود شود و طبیعت خویش را باز یابد.

۲ - سازگار کردن انسانها با نیازها که سالاریهای ششگانه ایجاد می کنند از راه از بین بردن مقاومتهاشان و

۳ - نیازها را ایجاد کردن و به موقع جا به جا کردن.

راه حل عمومی تغییر بنیادی رابطه میان انسان با بنیادهای جامعه است. رابطه کنونی رابطه فرد با قدرت است. حق و اختیار تصمیم باید به انسانها بازگردد. بنیادها باید به ترتیبی که آمد و می آید، تجدید سازمان شوند. بگونه ای که انسانهای آزاد بتوانند بنیادها را بمثابه وسیله فعالیت در حالت آزاد، در اختیار داشته باشد. جامعه هائی که از بیراهه ای نرفته اند که غرب رفته است، فرصت دارند این انسان را الگوی اقتصادی قرار دهند و اقتصادی در خدمت انسان بسازند. افسوس که زیر سلطه و گرفتار استبدادها هستند.

## گروگانگیری، خیانتی که خمینی آن را...

مایل نیستند دولت در اختیار روحانیان قرار گیرد. اگر خمینی مرتب تکرار می کرد روحانیان در دولت نقشی نخواهند کرد، بخاطر این بود که مردم ایران با دولتی شدن روحانیان و تصرف دولت توسط روحانیان مخالف بودند. با پیروزی انقلاب، روحانیان که تا آن زمان در جایگاه روحانی قرار داشتند، در پی کسب قدرت برآمدند. مردم که از پیش تکران بودند، به فکر چاره افتادند. از دلایل روی آوردن مردم به بنی صدر، همانطور که ناظران آگاه وقت گزارش می کردند، یکی بدین خاطر بود که او مخالف حضور روحانیان در مقامهای دولتی بود و می گفت برای آن نامزد ریاست جمهوری می شود که از استقرار استبداد «مشروع» جلوگیری کند.

روحانیان که برای اولین بار بود چنین موقعیتی را یافته بودند از مزه قدرت بدشان نیامد و تلاش نمودند به هر وسیله ممکن تسلط خود را بر مردم تحکیم کنند. به همین دلیل از کلیه وسایل نامشروع استفاده کردند و همین امر، مردم را از آنان منزجر کرد. مخالفت مردم با کودتا بر ضد منتخب خود، خمینی را این بار در نقش سرکوبگر وارد صحنه سیاسی کرد. او غافل شد که با کودتا بر ضد منتخب مردم، امر بی سابقه ای را در تاریخ ایران به وقوع رسانده است: رویارویی مردم به ماسالاری.

نظام روحانی و ملایان که متوجه شدند به زودی قرار بر سرنگونی آنان است به سرعت زمینه را برای کودتا بر ضد مردم و منتخب آنان فراهم آوردند. این بار، مردم چهره از روحانیان تشنه قدرت دیدند که پیش از آن ممکن نبود به تصور آورند: آمادگی برای هرگونه جنایت بخاطر قدرت.

مردم زمانی که متوجه دروغجویی خمینی شدند و دیدند وارونه همه آنچه می کند که در دوران انقلاب گفته بود، تصمیم گرفتند با آوردن کسانی که به اصول راهنمای انقلاب باور داشتند بر سر کار مانع از حاکمیت ماسالاران شوند. با وجود این، فکر نمی کردند خمینی و دستیاران او کودتاگر و ویرانگر و نابود کننده باشند. نیاز آن بخش از دستگاه حاکم امریکا که خواستار سیاست تهاجمی در مقیاس جهان بود، به جلوگیری از موفقیت تجربه دموکراسی و حاکمیت ماسالاران و حذف جانداران استقلال و آزادی، سبب شد زمینه را فراهم آوردند تا با انجام گروگانگیری و ایجاد بحران اجازه سرکوب را به آنان بدهند.

در این بین وجود نیروهای مکلای بدتر از ماسالار، در جامعه، نیز مشکل را زیاد تر کرد. امثال عباس عابدی و میردامادی و بیطرف و محمد رضا خاتمی و سیف الهی که در طول زمان تحول کرده اند، آن روز در خدمت استحکام استبداد «روحانیان» دست به گروگانگیری زدند و فکر می کردند بهترین کار ممکن را انجام داده اند.

ادامه دارد